بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله عدة للقائه اللهم صل

علی سید الخلق محمد وآله وسلم قال

الشیخ محمد خاتمة حفاظ الاسلام

امام الاعلام شمس الملة والحق والدین ابوا

الخیر محمد بن محمد الجزری الشافعی نفع الله

تعالی المسلمین بعلومه ومتعهم بوجوده

اما بعد حمد الله الذی جعل الدعاء

لرد القضاء والصلوة والسلام علی سید

الانبیاء وعلی اله وصحبه الاتقیاء و

الاصفیاء فان هذا الحصن الحصین من

کلام سید المرسلین وسلاح المؤمنین

من خزانة النبی الامین والهیکل العظیم

من قول الرسول الکریم والحرز المکنون

مِن لفظِ المعصومِ المأمونِ بذلتُ فيهِ النصيحة

وَاخرجتُهُ من الاحاديثِ الصحيحةِ وابرزتُهُ

عُدّةً عندَ كلِّ شدّةٍ وجدتُهُ جُنّةً

تقي مِن شرِّ الناسِ وَالجِنّةِ تحصّنتُ بِهِ

فيما دهمَ مِن المصيبةِ واعتصمتُ مِن

كلِّ ظالمٍ بما حوى مِن السهامِ المصيبة

وقلتُ شعر الا قولوا لشخصٍ قد تقوّى

على ضعفي ولم يخشَ رقيبَه خبأتُ لهُ

سهامًا في الليالي وارجو انْ تكونَ لهُ

مصيبة اسئل الله العظيم ان ينفع به وان

يفرج عن كل مسلم بسببه على انه مع ا

قتصاره واختصاره لم يدع حديثا صحيحا

في بابه الا استحضره واتى به ولما كملت

ترتيبه وتهذيبه طلبني عدو لا يمكن

ان يدفعه الا الله تعالى فهربت منه

مختفيا وتحصنت بهذا الحصن فرأيت

سيد المرسلين صلى الله عليه واله

وسلم وانا جالس على يساره وكانه

صلى الله عليه وآله وسلم يقول ما
تريد فقلت يا رسول الله ادع الله لي و
للمسلمين فرفع صلى الله عليه وآله و
سلم يديه الكريمتين وانا انظر اليهما
فدعا ثم مسح بهما وجهه الكريم و
كان ليلة الخميس فهرب العدو وإياه
الأحد وفرج الله عني وعن جميع
المسلمين ببركة ما في هذا الكتاب
عنه صلى الله عليه وآله وسلم وقد

رمزت للكتب التي خرجت منها هذه

رمز کردم کتب را که بیرون کرده شده اند ازان این احادیث را بر

الأحاديث بحروف تدل على ذلك و

حروفی که دلالت کنند بران و

سلكت فيها أخصر المسالك فجعلت

رفتم در ان کوتاه ترین راهها پس گردانیدم

علامة صحيح البخاري خ ومسلم م و

نشان صحیح بخاری خ و مسلم را م و

سنن أبي داود د والترمذي ت والنسا

ئي ن وابن ماجة القزويني ق وهذه الأربعة

مع هذه الستة ع وصحيح ابن حبان حب

وصحيح المستدرك للحاكم مس وأبي

و صحیح مستدرک حاکم را مس و ابی

عوانة عو وابن خزيمة مه والموطأ طا و

عوانه را عو و ابن خزیمه را مه و موطا را طا و

وَسُنَنِ الدَّارَقُطْنِی قط وَمُصَنَّفِ اَبِی بَکْرِ بْنِ

وسنن دار قطنی را وتصنیف ابی بکر پسر

اَبِی شَیْبَۃَ مس وَمُسْنَدِ الْاِمَامِ اَحْمَدَ ا وَ

ابی شیبہ را مس ومسند امام احمد را ا

الْبَزَّارِ ر وَاَبِی الْعَلٰی الْمَوْصِلِی ص وَالدَّارِمِی ی

بزار را ر وابی العلی موصلی را ص دارمی را ی

وَمُعْجَمِ الطَّبَرَانِی الْکَبِیْرِ ط وَالْاَوْسَطِ

وعلامت طبرانی ابوالقاسم سلیمان الکبیر ط واوسط را

طس وَالصَّغِیْرِ صط وَالدُّعَاءِ لَہٗ طب وَلِابْنِ

طس وصغیر را صط ودعای طبرانی را طب وبرای

مَرْدُوَیْہِ مر وَالْبَیْہَقِیِّ ق وَسُنَنِ الْکُبْرٰی لَہٗ

ابن مردویہ مر وعلامت بیہقی ق وعلامت سنن کبیر بیہقی

وَعَمَلِ سنی الْیَوْمِ وَاللَّیْلَۃِ لِاِبْنِ السُّنِّی ی

وعلامت سنی کتاب عمل الیوم واللیلہ مر ابن سنی را ی

وَاَقْدَمُ رَمْزَ مَنْ لَہُ اللَّفْظُ وَاِنْ کَانَ الْحَدِیْثُ

ومقدم داشتم رمز ہر کسی را کہ برای لفظ واگر باشد حدیث

مَوْقُوْفًا قَدْ جَعَلْتُ قَبْلَ رَمْزِہٖ مو وَلْیُعْلَمْ

موقوف نیز کردانیدم با پیش رمز مو ودانستہ

أنّه موقوف لما بعده من الكتب وذلك

شود که بدرستیکه حدیث موقوف است مر آنرا که پس است از کتابها و این

قليل حيث عدم المتصل واختلف فيه

اندک است آنجا که معدوم است حدیث متصل یا اختلاف کرده شد

على أني لم أجعل هذه الرموز إلا لعالم

در آن بدرستیکه من نگردانیدم این رمزها را مگر برای عالمی که

برأ بنفسه عن التقليد والمتعلم تعرف

بیزار است بذات خود از تقلید و برای طالب العلم که بشناسد

صحيح من الكتب والأسانيد وإلا

صحیح را از کتابها و سندها و اگر نه

ففي الحقيقة لا احتياج إليها لعموم الناس

پس در حقیقت نیست احتیاج بسوی آن برای عام مردمان پس دانسته شود

فليعلم أني أرجو أن يكون جميع ما فيه

تا دانسته شود بدرستیکه امیدوارم که باشد تمام آنچه در

صحيحا فزال الالتباس وقد جمع بحمد الله

او صحیح پس دور شد شبهه در حدیث و بتحقیق جمع نمود بحمد خدای

تعالى هذا المختصر اللطيف ما لم يجمعه مجلدات

تعالی این مختصر را کثیره احادیثی که جمع نیاورده مجلدات

من التواليف واذا انتهى نرجو من الله
از تالیفها و چون تمام شد امید داریم از خدا
ان نجعل في آخره فصلا يفتح ما اقفل من لفظ
بکه کردانیم در آخر این کتاب فصلی را که بکشاید آنچه بسته شد
ما فيه فذا شكل وهذه مقدمة تشتمل
از لفظ آنچه دروست بدرستی که مشکل شد و این مقدمه است که
على احاديث في فضل الدعاء والذكر
مشتمل است بر حدیثها در فضیلت دعاء و ذکر کند
ثم آداب الدعاء والذكر واوقات الا
پس آداب دعاء و ذکر و وقتهای
جابة والخواطر واماكنها ثم اسم الله تعالى
قبولیت و احوال آن و مکانهای آن پس نام اسم حق تعالی
الاعظم واسماء الحسنى ثم ما يقال في
بزرگ و نامهای او نیکو پس آنچه گفته میشود
الصباح الى المساء وفي طول الحيوة الى
در بامداد تا شام و در درازی زندگانی تا
الممات من جميع ما يحتاج اليه وصح النص
تا مردن از تمام آنچه محتاج است بسوی او و صحیح است نص

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ الذِّكْرُ

درود خدا باد بر وی و آل او و سلام پس ذکر

الَّذِي وَرَدَ فَضْلُهُ وَلَمْ يَخْتَصَّ بِوَقْتٍ مِنَ الْأَ

آنکه وارد شده است فضیلت او و خاص نکرده شد بوقتی از

وْقَاتِ ثُمَّ الْاِسْتِغْفَارُ الَّذِي يَمْحُو الْخَطِيئَاتِ

از اوقات پس استغفار کردن آنکه نابود میکند گناهان

ثُمَّ فَضْلُ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَسُوَرٍ مِنْهُ وَآيَاتٍ

پس فضیلت قرآن بزرگ و سورتها از آن و آیتها

ثُمَّ الدُّعَاءُ الَّذِي صَحَّ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پس دعای آنکه صحیح شده است از و درود خدا باد بروی

وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَذٰلِكَ ثُمَّ خَتَمْتُهُ بِفَضْلِ

و آل او و سلام و همچنان پس ختم کردم آنرا بفضیلت

الصَّلٰوةِ عَلٰى سَيِّدِ الْخَلْقِ وَرَسُولِهِ إِلَى الْخَلْقِ الَّذِ

درود گفتن بر مهتر آفرینش و فرستاده او براستی آنکه

هَدَاهُ اللّٰهُ تَعَالٰى بِهٖ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَصَّرَ بِهٖ

هدایت کرد خدا بلند برو از گمراهی و بینا کرد

مِنَ الْعَمٰى فَأَوْضَحَ الْمَحَجَّةَ وَلَمْ يَدَعْ لِأَحَدٍ حُجَّةً

باو از نابینائی پس واضح کرد راه راست و نگذاشت مر هیچ یک را حجت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كُلَّمَا ذَكَرَهُ

درود خدا بر وی باد و آل او و سلام هرگاه یاد کند او را یاد

الذَّاكِرُونَ وَكُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُو

کنندگان و هرگاه بیخبر شوند از یاد او غافلان

فَضْلُ الدُّعَاءِ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

در بیان فضیلت دعا کردن فرمود رسول خدا و درود خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ ثُمَّ تَلَا وَقَالَ رَ

بر وی باد و سلام دعا خواستن او عبادت است پس خواند آیه و فرمود

بُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ الآيَةَ مص ع ه.

پروردگار شما بخوانید مرا تا قبول کنم برای شما تا آیه هر که همه را حدیث

مَنْ فُتِحَ لَهُ فِي الدُّعَاءِ مِنْكُمْ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَا ب

ن نعمان بن بشیر هر که گشاده شد برای وی در از شما گشاده کرده شود برای او

الإجَابَةِ مص فُتِحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ مس

درهای قبولیت را امیر المؤمنین و ابن عمر گشاده کرده شود برای وی درهای بهشت ابن عمر

فُتِحَ لَهُ أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَمَا سُئِلَ اللّٰهُ شَيْئًا

گشاده کرده شود برای وی درهای رحمت و نه خواسته شد از خدا چیزی را

أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ الْعَافِيَةَ ت لا بز د

دوست تر بسوی او از آنکه خواسته شود تندرستی ابن عمر با زمی

القضاء الا الدعاء ولا يزيد في العمر الا البر

گردانيد قضا را مگر دعا خواستن ونه افزايد در عمر مگر نيکي

ت وحب مس لا يغني حذر من قدر والدعاء

بازنه دارد ترس از تقدير ودعا خواستن

ينفع مما نزل ومما لم ينزل وان البلاء ينزل

سود ميکند از انچه نازل شد وازانچه نازل نشد وبدرستي بلا

فيتلقاه الدعاء فيعتلجان الى يوم القيمة مس

نازل ميشود پس ملاقي ميشود دعا پس جنگ ميکنند تا روز قيامت

طس ليس شيء اكرم على الله من الدعاء

از ايشان صديقه نيست چيزي بزرگتر پيش خدا از دعا خواستن

ت وحب مس من لم يسأل الله يغضب عليه

هر که نخواهد از خدا خشم کند بروي ابو

ت مس من لم يدع الله غضب عليه مص

هر که نمي خواهد از خدا خشم گيرد بروي ابصار

لا تعجزوا في الدعاء فانه لن يهلك مع الدعاء

وراست عاجز ميشود در دعا خواستن پس بدرستيکه هرگز هلاک نشود

احد حب مس من سره ان يستجيب الله له

نميشود با دعا خواستن هيچ يکي هر که را خوش کند آنکه قبول کند خدا برای او

ذکرنی فان ذکرنی فی نفسه ذکرته فی

پس اگر یاد کند مرا در نفس خود یاد کنم اورا در نفس خود و اگر یاد کند مرا

نفسی وان ذکرنی فی ملاء ذکرته فی ملاء

در جماعتی که بهترست یاد کنم اورا در جماعه

خیر منه الحدیث خ م ت ق ألا اخبرکم بخیر

آیا آگاه نکنم شما را ببهترین حدیث

اعمالکم وازکاها عند ملیککم وارفعها

به بهترین کارهای شما و پاکیزه‌ترین نزدیک خداوند شما و بلندترین

فی درجاتکم وخیر لکم من انفاق الذهب و

در پایگاه شما و بهتر برای شما از خرج کردن طلا

الورق وخیر لکم من ان تلقوا عدوکم

نقره و بهتر برای شما از انکه ملاقات کنید دشمنان

فتضربوا اعناقهم ویضربوا اعناقکم قالوا بلی

شمارا پس بزنید گردنهای انهارا و بزنند انها گردنهای شمارا

قال ذکر الله نومر اما صدقة افضل

گفتند آری فرمود یاد کردن خدا نیست هیچ صدقه بهتر از

من ذکر الله طس ان لله ملائکة یطوفون

یاد خدا بدرستیکه مر خدا را فرشتگانند طوا

فِي الطُّرُقِ وَيَلْتَمِسُونَ اَهْلَ الذِّكْرِ فَاِذَا وَجَدُوا

در کوچه‌ها و می‌جویند اهل ذکر را پس چون یابند گروهی را

قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ تَنَادَوْا هَلُمُّوا

که یاد میکردند خدای بزرگ را ندا کنند که بیائید

اِلٰى حَاجَتِكُمْ قَالَ فَيَحُفُّونَهُمْ بِاَجْنِحَتِهِمْ اِلَى السَّمَاءِ

بسوی مطلوب خودها فرمود می‌پوشند ایشان را به پرهای خودها تا آسمان

الدُّنْيَا الحديث خ م ت مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ

دنیا تا آخر حدیث ابوهریره مثال آنکه یاد کند پروردگار

وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ خ م

خود را و مثال آنکه یاد نکند پروردگار خود را صفت زنده و مرده است

لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ اِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلَا

ننشینند گروهی یاد میکنند خدا را مگر گرد کنند ایشان را

ئِكَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ

فرشتگان و بپوشد ایشان را رحمت و نازل شد بر ایشان آرام و

ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ م ت ق يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنَّ

یاد کند ایشان را خدای در جمعی که نزد اویند ابوسعید و ابوهریره ای فرستاده

شَرَايِعَ الْاِسْلَامِ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ فَمَا نَبِّئْنِي

خدای بدرستیکه شریعت‌های اسلام تحقیق بسیار شدند بر من پس آگاه

بشيء أتشبث به قال لا يزال لسانك رطبا

کن مرا به چیزی که چنگ زنم بآن فرمود همیشه زبان تو تر و تازه

من ذكر الله ت وحب مص اخر كلام

از یاد خدا حدیث هذا اللفظ الترمذی الا قوله فلبنی اخر کلامی

فارقت عليه رسول الله صلى الله عليه

که مفارقت کردم بران رسول خدا درود خدا بروی باد

وآله وسلم أن قلت له أي الأعمال أحب

و آل او سلام انکه گفتم مرو را کدام عملهای دوست تراست بسوی

إلى الله قال أن تموت ولسانك رطب من

خدا فرمود انکه بمیری تو و زبان تو تازه باشد از

ذكر الله حب رط قلت يا رسول الله أوصني

یاد خدا ایضا گفتم ای رسول خدا وصیت کن

قال عليك بتقوى الله ما استطعت واذكر

مرا فرمود لازم است تو را به پرهیزگاری خدا انچه توانستی و یاد کن

الله عند كل حجر وشجر وما عملت من سوء

خدا را نزدیک هر سنگ و هر درخت و انچه تو کردی

فأحدث فيه لله توبة السر بالسر والعلانية بالعلانية

از بدی پس نو کن برای خدا توبه پنهانرا به پنهان و اشکارا باشکارا

بِالْعَلَانِيَةِ ط مَا عَمِلَ اٰدَمِيٌّ عَمَلًا اَنْجٰى لَهُ

باشکارا نکرده است آدمی هیچ کرداری که نجات دهنده مر او را

مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ط امس قَالُوْا

از عذاب خدا ... معاذ ابن جبل گفتند

وَلَا الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَالَ وَلَا الْجِهَادُ

نه جنگ کردن در راه خدا فرمود نه جنگ کردن

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا اَنْ يَضْرِبَ بِسَيْفِهٖ حَتّٰى يَنْقَطِعَ

در راه خدا مگر اینکه بزند بشمشیر خود تا اینکه بشکند

قَالَ لَهٗ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ط مص لَوْ اَنَّ رَجُلًا

فرمود مر او را سه بار معاذ رضا بن اگر هست که مردی

فِيْ حِجْرِهٖ دَرَاهِمُ يُقَسِّمُهَا وَاٰخَرُ يَذْكُرُ

در کنار او درهمها که قسمت میکند انرا و دیگری یاد کند

اللّٰهَ كَانَ الذَّاكِرُ لِلّٰهِ اَفْضَلَ ا اِذَا مَرَرْتُمْ

خدا را یاد کننده مر خدا را بهتر ایضًا چون بگذرید

بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوْا قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا

بر باغ‌ها بهشت پس چرید صحابه گفتند ای رسول خدا چیست

رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ حِلَقُ الذِّكْرِ ت يَقُوْلُ

باغ بهشت فرمود حلق‌ها ذکر الهی ایضًا می فرماید

اللهِ عزّ وجلّ سيعلم اهل الجمع اليوم من اهل
خدا غالب در روز بود باشد که بدانند اهل جماعت امروز که کیست اهل

الکرم قالوا ومن اهل الکرم یا رسول الله
کرم ای رسول خدا

قال اهل المجالس الذکر فی المساجد حب
فرمود اهل مجلس های ذکر خدا ذکر مسجد ها بوسعید

طا دص ما من آدمی الا لقلبه بیتان فی احد
احادیث نیست هیچ آدمی مگر مر دل او را دو خانه هستند در یکی

هما الملک وفی الآخر الشیطان فاذا ذکر
از آن دو فرشته و در دیگری دیو دیت پس چون یاد کند

الله خنس واذا لم یذکر الله وضع الشیطان
خدا را پنهان شود دیو و چون نه یاد کند خدا را نهد دیو

منقاره فی قلبه فوسوس له مص من صلی الفجر
منقار خود را در دل او پس وسوسه کرد او را ایضا هر که بخواند

فی جماعة ثم قعد یذکر الله حتی یطلع
نماز بامداد در جماعت پس بنشیند و یاد کند خدا را تا طلوع کند آفتاب

الشمس ثم صلی رکعتین کانت له کاجر حجة و
پس بخواند دو رکعت و باشد مر او را مانند ثواب حج

عمرة تامة تامة تامة انقلب بأجر حجة وعمرة

عمره کامل تمام تمام ... بگردد بمزد ثواب حج و عمره

ط ذاكر الله في الغافلين بمنزلة الصابرين

ایضا یاد کننده خدا در غافلان بمرتبه استادگان

في الفارين رطس ما من قوم جلسوا مجلسا

در گریختگان ... نیست هیچ گروهی که نشستند در مجلس

وتفرقوا منه ولم يذكروا الله فيه الا كانما

و پراکنده شدند ازان نشست و نه یاد کنند خدا را درآن مگر گوئیا

تفرقوا عن جيفة حمار وكان عليهم حسرة

پراکنده شوند از مرده از خمار و باشد بر ایشان پشیمانی

يوم القيمة س رت حب امسى وما مشى احد

روز قیامت بحمید حدیث ابو هریره و نیست هیچ یکی

ممشى لم يذكر الله فيه الا كان عليه ترة

راهی نه یاد کند خدا را درآن مگر باشد بر وی پشیمانی

وما اوى احد الى فراشه لم يذكر الله فيه

و نه جای گرفت هیچ یکی بسوی فراش خود نه یاد کند خدا را درآن

الا كان عليه ترة س لحب ان الجبل ينادي

مگر باشد بر وی حسرت ... بدرستیکه کوه صدا

يجعل باسمه اي فلان هل مر بك احد
...ی نامد کسی را بنام او کہ ای فلان آیا گذشت بر تو هیچ کسی کہ یاد
كر الله فاذا قال نعم استبشر الحديث
کند خدا را پس چون گوید آری خوش شود از ان خبر حدیث
ط ان خيار عباد الله الذين يراعون الشمس
ضا بدرستی که نیکان بندگان خدا آنانکه نگاه میدارند آفتاب
لقمر والنجوم والاظلة لذكر الله تعالى
و ماهتاب وستاره کان وسایه ها برای ذکر خدا تعالی
ليس يتحسر اهل الجنة الا على ساعة
بنا نیست کہ حسرت اهل بهشت مگر بر ساعتی
ت بهم ولم يذكروا الله تعالى فيها ط ی
گذشت برایشان و نه یاد کردند خدا تعالی را در ان ایضا
كروا الله اكثروا حتى يقولوا مجنون اص
بسیار کنید ذکر خدا را تا گویند دیوانه است ابو سعید
ن بامرن ان يراعين التكبير والتقديس والتهليل
کہ پیغمبر ما ... نگاه داشته شود تکبیر و تقدیس و تهلیل
ن تعقد بالانامل لانهن مسئولات
شمرده شوند بانگشتان همانا کہ ... پرسیده شوند

مُسْتَنْطِقَاتٌ عَلَيْكُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ

ویا کرده شوند لازم گیرید بر خود تسبیح و تهلیل را

وَلَا تَغْفَلْنَ فَتَنْسَيْنَ الرَّحْمَةَ مص رَأَيْتُ النَّبِيَّ

و بی خبر مشوید از آن تا فراموش کرده شوید از رحمت دیدم پیغمبر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَعْقِدُ التَّسْبِيحَ بِيَمِينِهِ

درود خدا بر وی باد و آل او و سلام گره میبست تسبیح را بدست راست

ص لَأَنْ أَقْعُدَ مَعَ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ مِنْ صَلٰوةِ

هر آینه نشستن من با گروهی که یاد کنند خدا را از نماز بامداد

الْغَدَاةِ حَتّٰى تَطْلُعَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ

تا آنکه برآید آفتاب بهتر است بسوی من از آنکه آزاد

أُعْتِقَ أَرْبَعَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيلَ وَلَأَنْ أَقْعُدَ مَعَ

کنم چهار کس از فرزندان اسمعیل و هر آینه نشستن با گروهی

قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ تَعَالٰى مِنْ صَلٰوةِ الْعَصْرِ

که یاد کنند خدا تعالی را از نماز عصر

إِلٰى أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ

تا آنکه غروب کند آفتاب بهتر است بسوی من از آنکه آزاد کنم

أَرْبَعَةً م بزد سَبَقَ الْمُفَرِّدُونَ قَالُوا وَمَا

چهار کس را انس پیشی گرفتن تنها شوندگان گفتند که چیست

الْمُفَرِّدُونَ يَا رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ الذَّاكِرُونَ

تنها روندگان ای پیغمبر خدا ﷺ ابوهریره فرمود یاد کنندگان

اللهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ قَالَ الْمُسْتَهْتَرُونَ فِي ذِكْرِ

خدا را بسیار و زنان یاد کنندگان فرمود فریفته شده گان بنده در ذکر

يَضَعُ الذِّكْرُ عَنْهُمْ أَثْقَالَهُمْ فَيَأْتُونَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

خدا فرو می نهد ذکر از ایشان بارهای ایشانرا پس بیایند روز قیامت

خِفَافًا ت إِنَّ اللهَ تَعَالَىٰ أَمَرَ يَحْيَى ابْنَ زَكَرِيَّا

سبکبار ایضا بدرستیکه خدا تعالی فرمود یحیی پسر ذکریا را

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ

باد بر ایشان سلام به پنج کلمه ها انکه عمل کند بآن و

يَأْمُرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَعْمَلُوا بِهَا وَذَكَرَ الْحَدِيثَ

فرماید فرزندان یعقوب انکه عمل کنند بآن و یاد کرد حدیث را

إِلَىٰ أَنْ قَالَ وَآمُرُكُمْ أَنْ تَذْكُرُوا اللهَ فَإِنَّ مَثَلَ

بسوی انکه گفت یحیی و میفرمایم شما را انکه یاد کنید خدا را پس بدرستیکه

ذٰلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ خَرَجَ الْعَدُوُّ فِي أَثَرِهِ سِرَاعًا

صفت این مانند صفت مرد کیست که برآمد دشمن در پی او شتاب

حَتَّىٰ إِذَا أَتَىٰ عَلَىٰ حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنْهُمْ

تا اینکه آمد بر قلعه استوار پس نگاه داشت نفس خود را

كذلك العبد لا يحرز نفسه من الشيطان
همچنین بنده که نگاه نمیدارد نفس خود را از دیو
الا بذكر الله تعالى تعاب مشر ليذكرون الله قوم
مگر بیاد خدا تعالی جماعت ابحار ثلاثه هر اینه یاد کنند خدای را گروهی
في الدنيا على الفرش الممهدة يدخلهم الجنات
در دنیا بر فرشهای گسترده شده در آرد خدا ایشان را در بهشتهای
العلى ص ان الذين لا يزال السنتهم رطبة من
بلند ایضا بدرستیکه آنانکه همیشه زبانهای ایشان تر و تازه آید از
ذكر الله تعالى يدخلون الجنة وهم يضحكون
یاد خدا تعالی در آیند در بهشت و ایشان میخندند
مومن اباب الدعا منها ما يبلغ ان يكون ركنا
الباب الرابعه باب در بیان آداب دعا برخی از آن آدابی است که میرسد این بار
ان يكون شرطا وان يكون غير ذلك من مامورا
که بوده باشد رکن و آنکه باشد واسکه باشد شرط و آنکه باشد جز این از امر کرده شده ها
ومنهيات وغيرها وهي تجنب الحرام في الماكل
و نهی کرده شده ها و جز آن و آن پرهیز کردن از حرام است در خوردن و
والمشرب والملبس والمكسب مث والاخلاص
آشامیدن و پوشیدن و کسب کردن ابو هریره و اخلاص کردن

لله تعالى مص وتقديم عمل صالحا وذكره عند
خداى تعالى ايضا ومقدم كردن كار شايسته وذكر كردن ان نزد
الشدة م ت د مس والتنظف والتطهر حت ع مس
سختى از حديث عبد الله بن عمر وپاك كردن تن وجامه از نجاست كه عبد الله بن زيد بن
والوضوء واستقبال القبلة ح والصلوة
عاصم المزنى ووضو كردن وروى آوردن بقبله ايضا ونماز گزاردن
ع حت مس والجثو على الركب عو والثناء على
ايضا عبد الله ونشستن بر زانو عامر بن خارجه وثنا گفتن
الله تعالى اولا واخرا ع والصلوة على النبي
بر خداى تعالى در اول واخر ايضا ودرود گفتن بر پيغمبر
صلى الله عليه وآله وسلم كذلك دت
درود خدا باد بر وى وسلم همچنين ثنا اول واخر فضاله رواه ام
مس وبسط اليدين ت مس ك ورفعهما ع وان
وكشاده دو دست ابى الدردا وبرداشتن انهم را بى حميد الساعدى
يكون رفعهما حذو المنكبين د امس كشفهما
ولكن باشد برداشتن انها برابر دو دوش ابن عباس وبرهنه داشتن
مو والتادب م دت مس والخشوع مو مص والتمسكن
ايضا وبا ادب بودن از حديث على عليه السلام وفروتنى كردن ايضا وبيچاره

مَعَ الخُضُوعِ ت وَاَنْ لَا يَرْفَعُ بَصَرَهُ اِلَى السَّمَاءِ

با فروتنی ابن عباس وانکه برندارد چشم خود را بسوی آسمان

قَالَ اِذَا دُعَا فِي الصَّلوٰةِ س وَاَنْ يَسْئَلُ اللّٰهُ

گفت چون دعا خواهد در نماز از ابو هریره وانکه بخواهد خدای

تَعَالىٰ بِاَسْمَائِهِ الحُسْنىٰ وَصِفَاتِهِ العُلْيَا حب مس وَاَنْ

تعالی را بنامهای نیکو بانکه و بصفات او که بلند است ابن مسعود وانکه بحصن

تَجْتَنِبَ السَّجْعَ وَتَكَلُّفَهُ خ وَاَنْ لَا يَتَكَلَّفَ

کند از قافیه و تکلف ایضا وانکه تکلف نکند

التَّغَنِّيَ بِالاِنْغَامِ مو وَاَنْ يَتَوَسَّلَ اِلَى اللّٰهِ بِاَنْبِيَائِهِ

در سرود کردن بنغمها ایضا وانکه توسل جوید بسوی خدا بپیغمبران او

خ ومس وَالصَّالِحِيْنَ مِنْ عِبَادِهِ خ وَخَفْضِ

از انس و بصالحان از بندگان او امیه و پست کردن

الصَّوْتِ ع وَالاِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ ع وَاخْتِيَارِ

آواز ابو موسی اشعری واقرار کردن بگناه عایشه صدیقه و برگزیدن دعا

الاَدْعِيَةِ الصَّحِيْحَةِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

دعاهای صحیح از پیغمبر درود خدا بر وی باد

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فَاِنَّهُ لَمْ يَتْرُكْ حَاجَةً اِلَى غَيْرِهِ د س

و آل او و سلام پس بدرستیکه او نگذاشت حاجتی را بسوی غیر خود ایضا

وتخير الجوامع من الدعاء د وان يبدء بنفسه

و برگزیدن جوامع از دعا ... ثابت ... و آنکه ابتدا کند بنفس [illegible]

وان يدعو لوالديه واخوانه المؤمنين وان

و آنکه دعا خواهد ... برای والدین و برادران خود مومنان [illegible]

يخص نفسه بالدعاء ان كان اماما ... و

[illegible] و انکه خاص نکند نفس خود را بدعا اگر باشد امام [illegible]

وان يسئل بعزم ع وان يدعو برغبة حب عو

و انکه دعا خواهد ... و انکه دعا خواهد برغبت ... ابن حبان

وان يخرجه من قلبه بجد واجتهاد وان يحضر

تا انکه بیرون کند او را از دل خود بکوشش و اهتمام و انکه حاضر گرداند

قلبه وان يحسن رجائه س وان يكرر الدعاء

دل خود را و نیکو کند امید خود را ... و انکه تکرار کند دعا را

خ م واقله التثليث دى وان يلح فيه س مس عو

خبر ابن عبد الله و کمتر آن سه بار ... ایضا ... و انکه مبالغه کند در آن [illegible]

وان لا يدعو باثم ولا قطيعة رحم م ت وان

و انکه نخواهد دعا بگناه و نه بریدن ... قرابت ابو هریره و انکه

لا يدعو بامر قد فرغ منه س وان لا يعتدي في الدعاء

دعا خواهد بکاری که فارغ کرده شد از او ابن مسعود و انکه از حد در نگذرد در دعا

بان يدعوا بمستحيل او ما في معناه ح وان لا يتحجر

بانکه خواهد امر محال را یا آنچه در معنای آنست ح وانکه سنگ نکند

خ ق وان يسئل حاجاته كلها ت حب

رحمت خدا را و آنکه خواهد حاجات خود را همه را ت حب انس مصر

وتامين الداعي والمستمع مر دس ومسح وجهه

و آمین گفتن دعا خواهنده و شنونده مر دس و سودن روی

بيديه بعد فراغه ت حب ق مس وان لا يستعجل

بدو دست بعد از فراغت او ت حب ق مس از حدیث ابن عباس و آنکه شتاب نکند بآنکه

بان يستبطي الاجابة او يقول دعوت فلم يستجب

دیر داند قبول را یا بگوید دعا خواستم پس قبول کرده نشد

فا لخ مس دق العلماء ينبغي ان يكون الموضع

از ابو هریره گفتند علما سزاوار است که باشد جای

الذي يذكر الله فيه نظيفا خاليا وان يكون

که یاد کرده شود خدا در آن پاک خالی و آنکه باشد ذکر

الذاكر على اكمل الصفات المتقدمة وان

کننده بر نیکوترین صفات که سابق گذشت و آنکه باشد

يكون فمه نظيفا وان كان فيه تغير ازاله

دهان او پاکیزه و اگر باشد در آن تغیری زائل کند آنرا بمسواک و اگر باشد ایستاده در مکانی

بالسؤال وان كان جالسا مستقبل القبلة

اگر باشد ایستاده بکند مقابل روی رو بشود

متخشعا متذللا بالسكينة والوقار وحضور قلب

قبله را با فروتنی و زاری با آرام و آهستگی و حضور دل

يتدبر ما يذكر ويتعقل معناه فان جهل

اندیشه کند در آنچه یاد کند و بفهمد معنا او را پس اگر نداند

شيئا يتبين معناه ولا يحرص على تحصيل الكثير

چیزی را تحقیق کند معنا او را و بسیار حرص نکند بر تحصیل بسیار

بالعجلة فلذلك استحبوا ان يمدوا صوته بقول لا اله

بشتابی برای این محبت کنند علما آنکه دراز دارد آواز خود بگوید

الا الله وكل ذكر مشروع واجبا كان او مستحبا

لا اله الا الله و هر ذکر مشروع یا واجب باشد یا مستحب

لا يعتد بشيء منه حتى يتلفظ به ويسمع

اعتبار نکرده شود بچیزی از آن تا تلفظ کند بآن و بشنواند

نفسه وافضل الذكر القرآن الا فيما

نفس خود را و بهترین اذکار قرآن است مگر در آنچه

شرع لغيره وليس فضل الذكر منحصرا في

مشروع کرده شود بغیر او و نیست فضیلت ذکر موقوف در

التسبيح والتهليل والتكبير بل كل مطيع لله تعالى في

عمل فهو ذاكر فلو واظب العبد على

الأذكار المأثورة عنه صلى الله عليه وآله

وسلم صباحاً ومساءً في الأحوال والأوقات

المختلفة ليلاً ونهاراً كان من الذاكرين الله

كثيراً والذاكرات وينبغي لمن كان له ورد

في وقت من ليل أو نهار أو عقيب كل صلوة

أو غير ذلك فاته أن يتداركه ويأتي به إذا

أمكنه ولا يهمله ليعتاد الملازمة عليه

وَلَا يَتَسَاهَلُ فِي قَضَائِهِ اَوْقَاتُ الْإِجَابَةِ لَيْلَةُ

و نہ سستی کند در قضا کردن انوقتہای قبولیت شب

الْقَدْرِ ت س ق وَيَوْمُ عَرَفَةَ ت وَشَهْرُ رَمَضَانَ

قدر عائشہ صدیقہ و روز عرفہ عمر ابن شیبہ و ماہ مبارک رمضان

ر وَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ت مس وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ د س ق

ایضًا و شب جمعہ ابن عباس و روز جمعہ ابوہریرہ

مس حب وَنِصْفُ اللَّيْلِ ط الثَّانِي اص وَثُلُثُ

و نصف شب ایضًا دو می ایضًا و سیوم

اللَّيْلِ الْآخِرِ ا وَجَوْفُهُ د ت س مس ط و وَوَقْتُ السَّحَرِ

حصہ شب آخر ایضًا و میان آن عمرو بن عبسہ و وقت بامداد

ع وَسَاعَةُ الْجُمُعَةِ اَرْجَى ذٰلِكَ وَوَقْتُهَا مَا بَيْنَ

ایضًا و ساعت جمعہ امید وارم ازان و وقتش میان انکہ بنشیند

اَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ فِي الْخُطْبَةِ اِلَى اَنْ تُقْضَى الصَّلٰوةُ

امام در خطبہ تا انکہ ادا کردہ شود نماز

م د وَمِنْ حِيْنِ تُقَامُ الصَّلٰوةُ اِلَى السَّلَامِ مِنْهَا ت و

ایضًا و از وقت شروع نماز تا سلام ازان عمرو بن عوف

وَالدَّاعِي قَائِمٌ يُصَلِّي خ م س ق وَقِيْلَ بَعْدَ صَلٰوةِ

و حال آنکہ دعا خواہندہ ایستادہ نماز میگذارد ابوہریرہ و گفتہ شدہ بعد نماز

وَثُلُثُ اللَّيْلِ الْاَوَّلِ

و سیوم حصہ شب اول

العصر الى غروب الشمس موت وقيل اخر ساعة
حکم تا غروب آفتاب ایضا وگفته شد آخر ساعت

من يوم الجمعة دش طادنمس وقيل بعد طلوع
از روز جمعه ایضا وگفته شد بعد بر آمدن

الفجر قبل طلوع الشمس وذهب ابو ذر الغفاري
بامداد پیش بر آمدن آفتاب ورفت ابو ذر غفاری

وقيل بعد طلوع الشمس
وگفته شد بعد طلوع آفتاب

رضي الله عنه الى انها بعد زيغ الشمس بيسير
[illegible] ساعت [illegible]

الى ذراع قلت والذي اعتقده انها وقت قراءة
تا یک گز گفتم والذی اعتقاد دارم آن را بدرستیکه وقت خواندن

الامام الفاتحة في صلوة الجمعة الى ان يقول آمين
خواندن امام الحمد در نماز جمعه تا آنکه بگوید آمین

جمعا بين الاحاديث التي صحت عن النبي صلى الله
از جهت جمع میان احادیث که صحیح شده از پیغمبر درود خدا

عليه وآله وسلم كما بينته في غير هذا المو
بر وی و آل وی وسلام چنانکه بیان نمودم در غیر این مکان

ضع وقال النووي رحمة الله عليه والصحيح
وگفت نووی رحمه الله علیه وصحیح

بَلِ الصَّوَابُ الَّذِیْ لَا یَجُوْزُ غَیْرُہٗ مَا ثَبَتَ فِیْ صَحِیْحِ

بلکہ ثواب آنکہ جائز نمیشود غیر آن آنچہ ثابت است در صحیح

مُسْلِمٍ مِنْ حَدِیْثِ اَبِیْ مُوْسَی الْاَشْعَرِیِّ اَحْوَالُ

مسلم از حدیث ابی موسی الاشعری در بیان احوال

الْاِجَابَةِ عِنْدَ النِّدَاءِ بِالصَّلٰوةِ د مس وَبَیْنَ

قبولیت نزدیک ندا بنماز ایضا درمیان

الْاَذَانِ وَالْاِقَامَةِ د ت س حب وَبَعْدَ الْحَیْعَلَتَیْنِ

اذان و تکبیر ابوامامہ و پس حی علی الصلوة وحی علی

لِمَنْ نَزَلَ بِهٖ کَرْبٌ اَوْ شِدَّةٌ مس وَعِنْدَ الصَّفِّ فِیْ

الفلاح و کسی کہ آمد با در رنج یا سختی ایضا نزدیک صف جہاد در

سَبِیْلِ اللّٰهِ خ حب ط مو وَعِنْدَ الْتِحَامِ الْحَرْبِ بَعْضُهُمْ

راہ خدا ایضا نزدیک پیوستن جنگ بعض

بَعْضًا د وَدُبُرَ الصَّلَوَاتِ الْمَکْتُوْبَاتِ ت

از ایشان بہ بعضی و پس نمازہا فرض بودہ شدہ ایضا

س وَفِی السُّجُوْدِ م د س وَعَقِیْبَ تِلَاوَةِ الْقُرْاٰنِ

و در سجود ابوهریرہ و پس خواندن قران کریم

ت وَلَا سِیَّمَا الْخَتْمِ ط مو مس خُصُوْصًا مِنَ الْقَارِیْ

عمران بن حصین خصوصا نزد ختم قرآن ایضا خصوصا از خوانندہ

ط وعند شرب ماء زمزم مس والحضور عند

ایضا ونزدیک آشامیدن آب زمزم ایضا وحاضر شدن نزدیک

الميت م عب وصياح الديكة خ م ت واجماع

میت ایضا وآواز خروس ابوهریره واجماع

المسلمين ع وفي مجالس الذكر خ م ت وعند

مسلمان ایضا ودر مجالس یاد کردن حق ابوهریره ونزدیک

قول الإمام ولا الضالين م د س ق وعند تغميض

گفتن امام ولا الضالین ایضا ونزدیک پوشیدن

الميت د س ق وعند إقامة الصلوة وعند

چشم میت ایضا ونزدیک تکبیر صلوة ونزدیک

نزول الغيث مطر رواه الشافعي في الأم مرسلا

نازل شدن باران ایضا روایت کرده شافعی در کتاب ام حدیث

وقال قد حفظت من غير واحد طلب الإجابة

وگفت حفظ یاد کردم از بسیاری علما طلب نمودن قبولیت دعا وگفتم

عنده قلت وعند رؤية الكعبة ط وبين

نزدیک دیدن کعبه ایضا ومیان

الجلالتين في الأنعام ذلك حفظنا مجربا عن

دو نام الله ایضا در سوره انعام این را یاد کرده ایم تجربه از بسیاری

غيرِ واحدٍ من اهلِ العلمِ ونصَّ عليه الحافظُ

بسیار اهل از اهل علم و تصریح کرده بر آن حافظ

عبدُ الرزّاقِ في تفسيرِه عن الشيخِ العمادِ المقدسيّ

عبد الرزاق در تفسیر خود از شیخ عماد المقدسی

امّا ذكرُ الاجابةِ فكما في المواضعِ الشريفةِ قال الحسنُ

اما ذکر قبولیت پس مانند جایهای مبارکه گفت حسن

البصريُّ في رسالتِه الى اهلِ مكّةَ انّ الدعاءَ

بصری در رسالت خود نوشت اهل مکه بدرستی دعا

يُستجابُ هنالكَ في خمسَ عشرَ موضعًا في الطوافِ

قبول کرده میشود در آنجا در پانزده مکان در طواف

وعندَ الملتزمِ وتحتَ الميزابِ وفي البيتِ وعندَ

و نزد ملتزم و زیر ناودان و در بیت الله و نزد

زمزمَ وعلى الصفا والمروةِ وفي المسعى وخلفَ

زمزم و بر کوه صفا و در مروه و در موضع سعی و پس

المقامِ وفي عرفاتٍ وفي المزدلفةِ وفي منًى وفي

مقام و در عرفات و در مزدلفه و در منی و در

الجمراتِ الثلاثِ قلتُ فانْ لم يُجبِ الدعاءُ عند

و در رمی سنگهای سه گانه گفتم پس اگر قبول کرده نشود

قبر النبي صلى الله عليه وآله وسلم ففي اي

قبر پیغمبر درود خدا بر وی وآل وی وسلام اپس در کدام

موضع على انا قد روينا في استجابة الدعاء في

موضع بر اینکه بدرستی تحقیق روایت کردیم در قبول دعا در

الملتزم حديثا مسلسلا من طريق اهل مكة

ملتزم حدیث مسلسل از طریق اهل مکه

الذين يستجاب دعاؤهم المضطر م د والمظلوم

[illegible]

ع وان كان فاجرا مس ولو كان كافرا حب

[illegible]

ا والوالدين ق والامام العادل ق حب و

و پدر و مادر و امام عادل ایضا و

الرجل الصالح م ن والولد البار لوالديه

مرد صالح ایضا و فرزند نیکوکار به پدر و مادر خود

م والمسافر د ن والصائم حين يفطر ت حب

ایضا و غریب ایضا و روزه دار وقتی که افطار کند ایضا

والمسلم لاخيه بظهر الغيب م د س والمسلم ما لم

و دعای مسلمان مر برادر خود را در پس پشت ایضا و مسلمان تا وقتی که

يدع بظلم او قطيعة رحم او يقول دعوت فلم اجب

دعا نكند بستم يا بريدن قرابت يا نگويد كه دعا خواستم پس قبول نكرده

ان الله عز وجل عتقاء في كل يوم و

بدرستيكه براى خداى غالب و بزرگ آزادكان اند در هر

ليلة لكل عبد منهم دعوة مستجابة واسم الله الذي

وشب براى هر بنده ازيشان دعاى قبول شده ست و نام خدا كه چون دعا

اذا دعي به اجاب واذا سئل به اعطى لا اله

خواسته شود بان قبول نمود و چون سؤال كرده شود بان داده شود نيست

الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين مس واسم

كه لايق پرستش معبودى مگر تو پاكيست ترا بدرستيكه بودم از ستمكاران ونام

الله تعالى الاعظم الذي اذا سئل به اعطى واذا

خداى بلند وبزرگتر انكه چون خواسته شود بان داده و

دعي به اجاب اللهم اني اسألك باني اشهد

خوانده شود بان داد قبول كرده اى بار خدايا بدرستيكه من ميخواهم از تو بآنكه گواهى ميدهم

انك انت الله لا اله الا انت الاحد الصمد الذي

بدرستيكه تويى تو خدا نيست معبودى مگر تو يگانه بى نياز انكه نه

لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد

زائيده ونه زاينده شده ونباشد كه مر او را همتاى يگانه

حزب الاول

حب مس ا اللهم انی اسالک بانک انت الله

الاحد الصمد مس حب مص مس واسم الله تعالی

العظیم الاعظم الذی اذا دعا به اجاب واذا سئل به

اعطی اللهم انی اسالک بان لک الحمد لا اله الا

انت وحدک لا شریک لک حب الحنان

المنان بدیع السموات والارض یا ذا الجلال

والاکرام عم حب مس امس یا حی یا قیوم عم حب

مص الاعظم فی هاتین الایتین والهکم اله

واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم وفاتحة ال...

وال سورہ آل عمران

الٓمٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ دت ق مص

[illegible]

الاعظم فی ثلاث سور البقرة وآل عمران وطٰه مسر

[illegible]

قال قاسم فالتمستها فوجدتها فیها انها الحی القیوم

[illegible]

قلت وعندی انه الله لا اله الا هو الحی القیوم

[illegible]

جمعا بین الحدیثین ولما روینا فی کتاب

برای جمع میان دو حدیث و برای انکه روایت کرده شد در کتاب دعا

الدعاء للواحدی عن یونس بن عبد الاعلی والله

دعا ... از یونس پسر عبد الاعلی و خدا

تعالی اعلم والقاسم هذا هو ابن عبد الرحمن

تعالی داناتر است و قاسم این است پسر عبد الرحمن

الشامی التابعی صاحب ابی امامة صدق و

الشامی تابعی صاحب ابی امامه راست گوی است

الحسنی اسماء الله تعالی التی امرنا بالدعاء

نیک ... نام های خدای ... که امر کرده شده ایم بدعا خواستن

إن لله تسعة وتسعون اسماً من أحصاها دخل الجنة

لا يحفظها أحد إلا دخل الجنة ح هو الله

الذي لا إله إلا هو الرحمن الرحيم

الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز

الجبار المتكبر الخالق البارئ المصور الغفار

القهار الوهاب الرزاق الفتاح العليم القابض الباسط

الخافض الرافع المعز المذل السميع البصير الحكم

العدل اللطيف الخبير الحليم الغفور الشكور

العلي الكبير الحفيظ المقيت الحسيب الجليل

الکریم الرقیب المجیب الواسع الحکیم الودود

کرم کنندہ نگہبان قبول کنندہ فراخ نمایندہ درست کار دوست

المجید الباعث الشہید الحق الوکیل القوی

بزرگوار برانگیزندہ گواہ موجود راست کارگذار توانا

المتین الولی الحمید المحصی المبدی المعید المحیی

استوار دوست ستودہ شمارندہ ابتدا کنندہ بازگردانندہ زندہ کنندہ

الممیت الحی القیوم الواجد الاحد الصمد القادر

میرانندہ زندہ پایندہ توانگر یکتا یک بی نیاز توانا

المقتدر المقدم المؤخر الاول الآخر الظاہر

توانا کنندہ پیش دارندہ پس دارندہ اول ازہمہ آخر ازہمہ آشکار

الباطن الوالی المتعالی البر التواب المنعم المنتقم

پوشیدہ کارگذار بلند نیکو توبہ پذیرندہ نعمت دہندہ

العفو الرؤف مالک الملک ذوالجلال

انتقام کشندہ عفو کنندہ مہربان پادشاہ ملک خداوند بزرگی

والاکرام المقسط الجامع الغنی المغنی المعطی

و کرم ہا دادگر جمع کنندہ بی نیاز توانگر کنندہ دہندہ

المانع الضار النافع النور الہادی البدیع الباقی

منع کنندہ زیان کنندہ نفع رسانندہ روشنائی راہ نمایندہ بی نمونہ پیدا کنندہ

الوارث الرشيد الصبور حديث مسر وسمع النبي

اینکه وارث راست شکیبنده حدیث حاکم صحیح وشنید پیغمبر

رجلا وهو يقول يا ذا الجلال والاكرام فقال

مردی را و او می‌گفت ای خداوند بزرگی وبخشش پس فرمود

قد استجيب لك فسل ان لله تعالى ملكا

تحقیق قبول کرده شد برای تو پس بخواه بدرستیکه برای خدا تعالی

موكلا بمن يقول يا ارحم الراحمين فمن قالها ثلثا

فرشته ایست برگماشته برآنکه میگوید ای تمام بخشاینده بخشاینده‌گان

قال له الملك ان ارحم الراحمين قد اقبل عليك

پس هر که گفت آنرا سه بار بگوید مر او را فرشته بدرستیکه بخشاینده بخشایندگان

فسال مس ومر برجل وهو يقول يا ارحم

تحقیق روی آورد بتو پس بخواه وبگذشت بر مردی و او میگفت ای بخشاینده بخشایندگان

الراحمين فقال له سل فقد نظر الله اليك مسر

پس فرمود مر او را که بخواه پس تحقیق دید خدا بسوی تو

من سئل الله الجنة ثلاث مرات قالت الجنة

هر که خواهد از خدا بهشت را سه بار بگوید بهشت

اللهم ادخله الجنة ومن استجار من النار ثلاث

ای بار خدایا درآر او را در بهشت وهر که پناه جوید از آتش سه بار

الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ

الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

مس ى قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْ اَعُوذُ

بِرَبِّ الْفَلَقِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

ثَلٰثَ مَرَّاتٍ س ى ت فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ

وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ د ی اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ اٰيَةُ الْكُرْسِيِّ وَالْاٰيَةُ مِنْ اَوَّلِ

سُوْرَةِ غَافِرٍ اِلٰى قَوْلِهٖ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ح ب شی

اَصْبَحْنَا وَاَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَ

هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ رَبِّ اَسْئَلُكَ خَيْرَ

مَا فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهٗ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ

شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهٗ رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

الكسل وسوء الكبر رب اعوذ بك من عذاب

کاهلی و بدی پیری ای پروردگار من پناه میبرم بتو از عذاب

في النار وعذاب في القبر م دت س مص اللهم

در دوزخ و عذاب در گور ابوهریره ای بار خدایا

اني اعوذ بك من الكسل والهرم وسوء الكبر

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از کاهلی و پیری و بدی پیری

وفتنة الدنيا وعذاب القبر م اصبحنا واصبح

و فتنه دنیا عذاب قبر ابن مسعود بامداد کردیم

الملك لله رب العالمين اللهم اني اسئلك خير

و صبح کرد پادشاهی برای خدای پروردگار عالمیان ای بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو نیکی

هذا اليوم والليلة وفتحه ونصره ونوره وبركته

این روز و شب فتح او و یاری او و نور او و برکت

وهداه واعوذ بك من شر ما فيه وشر ما بعده و

راه نمودن او و پناه میبرم بتو از شر آنچه درو است و بدی آنچه پس او است و

اللهم بك اصبحنا وبك امسينا وبك نحيي وبك

ای بار خدایا بدرستیکه بتو بامداد کردیم و بتو شام کردیم و بتو زنده ایم و بتو

نموت واليك المصير عه حب اعو اصبحنا

میمیریم و بسوی تست بازگشت ابوهریره بامداد کردیم

وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ لَا شَرِيكَ لَهُ لَا إِلٰهَ

ما صبح کردیم و صبح کرد پادشاهی مر خدا را و سپاس مر خدا راست نیست انبازی مر او را نیست

إِلَّا هُوَ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ وَالْمَصِيرُ اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ

معبودی مگر او و بسوی اوست برانگیختن و بازگشت ایضاً ای بار خدایا آفریننده

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ رَبَّ

آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکارا پروردگار

كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

همه چیز و پادشاه آن گواهی میدهم که نیست معبودی مگر تو

أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ

پناه میبرم بتو از بدی نفس خود و بدی دیو و انباز او

دت من وس ص وَأَنْ نَقْتَرِفَ عَلَىٰ أَنْفُسِنَا سُوءً

از حیلت او و آنکه کسب کنیم بر نفسهای خود بدی را

أَوْ نَجُرَّهُ إِلَىٰ مُسْلِمٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ

یا بکشیم آن را بسوی مسلمانی ای بار خدایا بدرستی که من بامداد کردم

أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَ

گواه میگیرم ترا و گواه میگیرم بردارندهای عرش تو و فرشتگان تو و

جَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

همه خلق تو را بآنکه توئی خدا نیست معبودی مگر تو

وَحدَكَ لَاشَرِيكَ لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُكَ

یگانہ تو ملیت انبار مرتو وبدانکہ حضرت بندہ تو

وَرَسُولُكَ اَربَعَ مَرَّاتٍ طس اَللّٰھُمَّ اِنِّی

ستادہ تو بہمانی بار بارخدایا بدرستیکہ

اَسئَلُكَ العَافِیَةَ فِی الدُّنیَا وَالاٰخِرَةِ اَللّٰھُمَّ

میخواہم از تو تندرستی در دنیا واخرت ای بارخدایا بدرستیکہ

اِنِّی اَسئَلُكَ العَفوَ وَالعَافِیَةَ فِی دِینِی وَدُنیَایَ

من امیخواہم از تو بخشش وعافیت در دین ودنیای من

وَاَھلِی وَمَالِی اَللّٰھُمَّ استُر عَورَتِی وَاٰمِن رَوعَتِی

اھل من ومال من بارخدایا بپوش برھنگیہا وایمن کن مرا از ترس

اَللّٰھُمَّ احفَظنِی مِن بَینِ یَدَیَّ وَمِن خَلفِی وَعَن یَمِینِی

ای بارخدایا نگاہدار از پیش من واز پس من واز طرف راست

وَعَن شِمَالِی وَمِن فَوقِی وَاَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ اَن

من واز طرف چپ من واز بالای من وپناہ میرم ببزرگی تو انکہ

اُغتَالَ مِن تَحتِی حصن لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ

فریب دادہ از زیر من ابن عمر رضی اللہ عنہ

حدَہٗ لَا شَرِیكَ لَهٗ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیِی وَ

یگانہ او نیست انبار مر اورا مر اورا است پادشاہی مر اورا است سپاس زندہ میکند

يميت وهو حي لا يموت وهو على كل شيء قدير

دس مرتبه رضينا بالله ربا وبالاسلام دينا

وبمحمد صلى الله عليه واله وسلم رسولا ط

رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد نبيا

ثلاث مرات صبح اللهم ما اصبح بي من نعمة

او باحد من خلقك فمنك وحدك لا شريك لك

فلك الحمد ولك الشكر دس صبح اللهم

عافني في بدني اللهم عافني في سمعي اللهم عافني

في بصري لا اله الا انت ثلاث مرات اللهم

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

ابی اعوذ باب از عذاب قبر معبود نیست مگر تو

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ درس سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ لَا قُوَّةَ

سه بار بی بکن پاکست خدا و بحمد او نیست توانائی

إِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ

مگر بخدا انچه خواست خدا باشد وانچه نخواهد نباشد

أَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحَاطَ

میدانم که بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست و بدرستیکه خدا تحقیق

بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا درس أَصْبَحْنَا عَلَىٰ فِطْرَةِ

بهمه چیز بعلم ودانش عبد الحمید بامداد کردیم ما بر فطرت

الْإِسْلَامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَعَلَىٰ دِينِ نَبِيِّنَا

اسلام وکلمه اخلاص وبر دین نبی

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَىٰ مِلَّةِ أَبِينَا

محمد صلی الله درود خدا بروی باد وسلام بر دین پدر ما که حضرت

إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ابراهیم مایل بحق بود با اسلام و نبود از مشرکان

ط فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ س وَفِي الصَّبَاحِ فَقَطْ

عبد الرحمن در صبح وشام ایضا ودر صباح بس کلمه

يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ اَصْلِحْ لِي شَانِي

ای زنده و پاینده برحمت تو فریاد می کنم شایسته کن برای من کار مرا

كُلَّهُ وَلَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ سُوءٍ

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِي وَاَنَا

عَبْدُكَ وَاَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ

اَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَاِنَّهُ

لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا

صَنَعْتُ حَسْ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّي لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خَلَقْتَنِي وَاَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ

مَا اسْتَطَعْتُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوءُ

آنچه توانستم و پناه میبرم بتو از بدی آنچه کردم پس باز میگردم

بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَاَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

به نعمت تو بر من و باز مقر آیم بگناه من پس بیامرز مرا پس بدرستی که نمی آمرزد

الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ دی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَحَقُّ مَنْ

گناهان را مگر تو ای بار خدایا تویی سزاوارترین کسی

ذُكِرَ وَاَحَقُّ مَنْ عُبِدَ وَاَنْصَرُ مَنِ ابْتُغِيَ وَاَرْاَفُ

که یاد کرده شد و سزاوارتر کسی که پرستیده شود و یاری دهنده کسی که طلب کرده شود

مَنْ مَلَكَ وَاَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطَى اَنْتَ

و مهربانتر کسی که مالک است و سخی تر کسی که سوال کرده شد و فراخ تر

الْمَلِكُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْفَرْدُ لَا نِدَّ لَكَ كُلُّ

کرده تویی پادشاه نیست انباز مر تو را و یگانه نیست مر تو را همتا هر چیز هلاک

شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَكَ لَنْ تُطَاعَ اِلَّا بِاِذْنِكَ وَلَنْ

شوند مگر ذات تو فرمان برداری نمی شود مگر به فرمان تو و نه

تُعْصَى اِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى فَتَغْفِرُ اَقْرَبُ

معصیت کرده نمی شود مگر بدانش تو فرمان برده شوی پس شکر میکنی و نافرمانی

شَهِيدٍ وَاَدْنَى حَفِيظٍ حُلْتَ دُونَ النُّفُوسِ وَاَخَذْتَ

کرده میشوی پس می آمرزی و نزدیک ترین حاضر و نزدیکترین نگهبان مانع نفسها شدی و

بِالنَّوَاصِي وَكَتَبْتَ الْآثَارَ وَنَسَخْتَ الْآجَالَ الْقُلُوبُ

از روی و کردی تو موی پیشانی و نوشتی اثرهای خلق و نسختی مدت های

لَكَ مُفْضِيَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ اَلْحَلَالُ مَا

مر تراست آشکار و پوشیده و راز نزدیک تو آشکار است حلال آنست آنچه

اَحْلَلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّيْنُ مَا شَرَعْتَ وَ

حلال نمودی و حرام آنست آنچه حرام نمودی و دین آنست آنچه مشروع کردی

وَالْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ وَالْخَلْقُ خَلْقُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ

و حکم آنست آنچه قضا و مخلوقات آفریده تو اند و بندگان بنده تو اند و توئی

وَاَنْتَ اللّٰهُ الرَّؤُفُ الرَّحِيْمُ اَسْئَلُكَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ

خدا مهربان از بنده میخواهم ترا بنور ذات تو که روشن

الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَ

شد برای او آسمانها هفت و زمین و بهر

بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَبِحَقِّ السَّائِلِيْنَ عَلَيْكَ اَنْ تُقِيْلَنِيْ

حق که آن تراست و بحق خواهندگان که تو را [illegible] در

فِيْ هٰذِهِ الْغَدَاةِ اَوْ فِيْ هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ وَاَنْ تُجِيْرَنِيْ

این صبح یا در این شام و نگهداری مرا از

مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ اِنَّكَ ط حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

آتش بقدرت تو [illegible] کافیست مرا خدا نیست معبودی

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ

مگر او بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است هفت بار

ی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک

نیست معبودی مگر خدای که تنها او نیست انبازی مر او را است پادشاهی

وله الحمد وهو على كل شيء قدير عشر مرات

و مر او را است حمد و او بر همه چیز توانا است ده مرتبه

س حب ی سبحان الله العظيم وبحمده مائة مرة

ابو امامه پاکی است خدای بزرگ را و ستایش او صد بار

م دت س مس حب عو سبحان الله مائة مرة

ابو هریره پاکی است خدا را صد بار

ت الحمد لله مائة مرة لا اله الا الله مائة مرة

ستایش مر خدا را صد بار نیست معبود بجز مگر خدا صد بار

الله اكبر مائة مرة ويصلي على النبي صلى الله

و درود فرستد بر پیغمبر درود خدا

عليه وآله عشر مرات وان ابتلي بهم او دين

بر وی باد و آل او ده بار و اگر مبتلا گردد بغم یا قرض

فليقل اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن و

پس گو بگوید ای بار خدایا بدرستی من پناه میبرم بتو از غم و اندوه و

اعوذ بك من العجز والكسل واعوذ بك من

پناه بتو از عاجزی و کاهلی و پناه میبرم بتو از

الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنَ الدَّيْنِ وَقَهْرِ

از بد دلی و بخیلی و پناه میبرم بتو از قرض و غلبه

الرِّجَالِ د اِلٰى هُنَا يُقَالُ فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاۤءِ جَمِيْعًا

مردمان تا اینجا گفته میشود در صبح و شام همه و لیکن

وَلٰكِنْ يُقَالُ فِي الْمَسَاۤءِ مَكَانَ اَصْبَحَ اَمْسٰى وَ

گفته شود در شام بجای لفظ اصبح امسى و

مَكَانَ هٰذَا الْيَوْمِ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَمَكَانَ التَّذْكِيْرِ

در شام و بجای این روز این شب بجای کلمه مذکر

التَّاْنِيْثِ وَمَكَانَ النُّشُوْرِ الْمَصِيْرُ كَمَا كَتَبْنَا

صیغه مونث و بجای لفظ نشور کلمه مصیر چنانچه نوشتیم

بِالْحُمْرَةِ فَوْقَ كُلِّ كَلِمَةٍ وَيُزَادُ فِي الْمَسَاۤءِ

آنرا بسرخی بالای هر کلمه و افزوده شود در شام

فَقَطْ اَمْسَيْنَا وَاَمْسَى الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَعُوْذُ

فقط شام کردیم ما و شام کرد پادشاهی برای خدا و ستایش خاص برای خدا پناه

بِاللّٰهِ الَّذِيْ يُمْسِكُ السَّمَاۤءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا

میبرم بخدا آنکه نگاه میدارد آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین مگر بحکم

بِاِذْنِهٖ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَءَ وَبَرَءَ ط وَيُزَادُ

او از شر آنچه پیدا کرد و آفرید و افزوده عبدالله و افزوده

فِي الصَّبَاحِ فَقَطْ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلّٰهِ وَالْكِبْرِيَاءُ

در صبح فقط صبح کردیم و صبح کرد پادشاهی مر خدا و بزرگی

وَالْعَظَمَةُ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا

و بلندی و آفرینش و حکم و شب و روز و آنچه

يَضْحَى فِيهِمَا لِلّٰهِ وَحْدَهُ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هٰذَا الْيَوْمِ

در آید در آن هر دو مر خدا راست تنها ای بار خدایا بگردان اول این روز

صَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا أَسْأَلُكَ

شایسته و میانش را رستگاری و آخرش را روز خلاصی میخواهم از تو نیکی

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ

دنیا و آخرت ای بخشاینده بخشایندگان اجابت کردم

اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ

ای بار خدایا اجابت کردم و فرمان برداری میکنم و نیکی در دست

مِنْكَ وَإِلَيْكَ اللّٰهُمَّ مَا قُلْتُ مِنْ قَوْلٍ وَحَلَفْتُ

و از تست بسوی تست ای بار خدایا هر چه گفتم از قول یا سوگند خوردم از

مِنْ حَلِفٍ أَوْ نَذَرْتُ مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ

سوگند یا نذر کردم از نذری پس اراده تو پیش است

ذٰلِكَ كُلِّهِ مَا شِئْتَ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ

تمام این چه خواهی باشد و آنچه نخواهی نباشد

وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِكَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ

قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ مَا صَلَّيْتَ مِنْ صَلٰوةٍ فَعَلٰى مَا

وَمَا لَعَنْتَ مِنْ لَعْنٍ فَعَلٰى مَنْ لَعَنْتَ اَنْتَ وَلِ

فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ تَوَفَّنِىْ مُسْلِمًا وَاَلْحِقْنِىْ

الصّٰالِحِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْئَلُكَ الرِّضَا

الْقَضَاۤءِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ النَّ

اِلٰى وَجْهِكَ وَشَوْقًا اِلٰى لِقَاۤئِكَ فِىْ غَيْرِ ضَرَّاۤ

مُضِرَّةٍ وَّلَا فِتْنَةٍ مُّضِلَّةٍ وَاَعُوْذُبِكَ اَنْ اَظْلِ

اَظْلَمَ اَوْ اَعْتَدِىَ اَوْ يُعْتَدٰى عَلَىَّ اَوْ اَكْسِ

اوذنبا الا بغفره اللهم فاطر السموات والارض

عالم الغیب والشهادة ذا الجلال والاکرام

فانی اعهد الیک فی هذه الحیوة الدنیا

واشهدک وکفی بک شهیدا انی اشهد

ان لا اله الا انت وحدک لا شریک

لک لک الملک ولک الحمد وانت

علی کل شیء قدیر واشهد ان

محمدا عبدک ورسولک واشهد ان وعدک

حق ولقائک حق والساعة اتیة لا ریب فیها

وانك تبعث من في القبور وانك ان تكلني الى

نفسي تكلني الى ضعف وعورة وذنب وخطيئة

واني لا اثق الا برحمتك فاغفر لي ذنوبي كلها انه

لا يغفر الذنوب الا انت وتب علي انك انت التواب الرحيم

فاذا طلعت الشمس قال الحمد لله الذي اقالنا يو

منا هذا ولم يهلكنا بذنوبنا [illegible] الحمد لله الذي وهبنا

هذا اليوم واقالنا فيه عثراتنا ولم يعذبنا بالنار [illegible] ثم

تصلي ركعتين [illegible] عن الله تبارك وتعالى يا ابن آدم اركع

لي اربع ركعات اول النهار اكفك اخره [illegible] بقال في النهار

ذنبه س دعا رسول الله صلى الله عليه واله

وسلم سلمان فقال ان نبى الله يريد ان يمنحك و

كلمات من الرحمن ترغب اليه فيهن وتدعوا

بهن فى الليل والنهار اللهم انى اسئلك صحة

فى ايمان وايمانا فى حسن خلق ونجاة يتبعها فلاح

ورحمة منك وعافية ومغفرة منك ورضوانا

ط س واذا دخل بيته فليقل اللهم انى اسئلك

خير المولج وخير المخرج بسم الله ولجنا بسم الله

خرجنا وعلى الله توكلنا ثم يسلم على اهله واذا

دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ فَذَكَرَ اللهَ عِنْدَ دُخُولِهِ

زمانی که مرد در خانهٔ خود پس یاد کند خدا را نزد درآمدن و

وَعِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ لَا مَبِيْتَ لَكُمْ

و نزد خوردن گوید شیطان نیست جای خواب مر شما را

وَلَا عَشَاءَ فَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللهَ عِنْدَ دُخُولِهِ

و نه طعام پس چون درآید پس یاد نکند خدا را نزد درآمدن

قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيْتَ فَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ

گوید شیطان دریافتید جای خواب را پس چون یاد نکند

اللهَ عِنْدَ طَعَامِهِ قَالَ الشَّيْطَانُ أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيْتَ

خدا را نزد خوردن گوید شیطان یافتید شما جای خواب را و

وَالْعَشَاءَ ۔ درس ۔ إِذَا كَانَ جُنْحُ اللَّيْلِ

طعام را ۔ درس ۔ چون باشد اول شب

فَكُفُّوا صِبْيَانَكُمْ فَإِنَّ الشَّيَاطِيْنَ تَنْتَشِرُ

پس باز دارید کودکان خود را پس بدرستیکه دیوها پراکنده میشوند

حِيْنَئِذٍ فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ

همین وقت پس چون رفت ساعتی از شب پس بگذارید ایشان را

وَاَغْلِقُوا بَابَكَ وَاذْكُرِ اسْمَ اللهِ وَاَطْفِئْ مِصْبَاحَكَ

و ببند در خود را و یاد کن نام خدا را و بکش چراغ خود را

وخمر اناءك واذكر اسم الله

واذكر اسم الله واوك سقاءك واذكر اسم

الله ولو ان تعرض عليه شيئا عند النوم اذا اتى

فراشه وهو طاهر او فليتطهر او

فليتوضأ وضوءه للصلوة ثم يأتي الى فراشه

فينفضه بصنفة ثوبه ثلاث مرات ثم ليقل با

باسمك ربي وضعت جنبي وبك ارفعه ان امسكت

نفسي فاغفر لها وان ارسلتها فاحفظها بما

تحفظ به عبادك الصالحين ع مص وليضطجع

على شقه الايمن م ع ويتوسد يمينه د

يضعها تحت خده د ت س ثم يقول بسم الله

وضعت اللهم اغفر ذنبي واخسئ شيطاني و

فك رهاني وثقل ميزاني واجعلني في الندي

الاعلى د مس اللهم قني عذابك يوم تبعث

عبادك ر مص ثلاث مرات د س ت باسمك ربي

فاغفر لي ذنبي ا باسمك وضعت جنبي فاغفر لي

مص اللهم باسمك اموت واحيي اخ د ت

س سبحان الله ثلاثا وثلثين والحمد لله ثلاثا

وثلثين والله اكبر اربعا وثلاثين خ م حب ين

ويجمع كفيه ثم ينفث فيهما فيقرء قل هو الله

احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب

الناس ثم يمسح بهما ما استطاع من جسده و

يبدء بهما على راسه ووجهه وما اقبل من

جسده يفعل ذلك ثلث مرات خ عه ويقرء اية

الكرسي خ س ص الحمد لله الذي اطعمنا

وسقانا وكفانا واوانا فكم ممن لا كافي له و

لا مؤوي م د ت س الحمد لله الذي كفاني

واواني واطعمني وسقاني والذي من علي فا

فضل والذی اعطانی فاجزل الحمد لله علی

کل حال اللهم رب کل شیء وملیکه واله

کل شیء اعوذ بک من النار رب مس عو

اللهم رب السموات والارض عالم الغیب و

الشهادة انت رب کل شیء اشهد ان لا

اله الا انت وحدک لا شریک لک واشهد ان محمدا

عبدک ورسولک والملائکة یشهدون و

اعوذ بک من الشیطان وشرکه واعوذ بک ان

اقترف علی نفسی سوءا او اجره الی مسلم

اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب

والشهادة رب کل شیء وملیکه اعو

من شر نفسی وشر الشیطان وشرکه

... اللهم خلقت نفسی وانت توفا

لك مماتها ومحیاها ان احییتها فاحفظها و

فاغفر لها اللهم اسئلك العافیة ٥

اللهم انی اعوذ بك وبوجهك الک

کلماتك التامة من شر ما انت ا

بناصیته اللهم انت تکشف المغرم و

العظیم ربنا و رب کل شیء فالق الحب والنوی

ومنزل التوراة والانجیل والفرقان اعوذ بک

من شر کل شیء انت اخذ بناصیته اللهم

انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الاخر فلیس

بعدک شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت

الباطن فلیس دونک شیء اقض عنا

الدین واغننا من الفقر ۔ بسم الله

اللهم اسلمت وجهی الیک وفوضت

امری الیک والجأت ظهری الیک رغبة و

رَهبةً اِلَيكَ لَا مَلجَا وَلَا مَنجَا مِنكَ اِلَّا اِلَيكَ اٰمَنتُ

بِكِتَابِكَ الَّذِي اَنزَلتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِي

اَرسَلتَ وَليَجعَلهُنَّ اٰخِرَ مَا يَتَكَلَّمُ بِهٖ ۔ وَليَقرَءْ

قُل يَا اَيُّهَا الكَافِرُونَ ط ثُمَّ لِيَنَم عَلٰى خَاتِمَتِهَا

[illegible] وَكَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عَلَيهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ يَقرَءُ المُسَبِّحَاتِ قَبلَ اَن يَرقُدَ

وَيَقُولُ اِنَّ فِيهِنَّ اٰيَةً خَيرٌ مِن اَلفِ اٰيَةٍ [illegible]

وَهُنَّ الحَدِيدُ وَالحَشرُ وَالصَّفُّ وَالجُمُعَةُ وَ

تَغَابُنُ وَالاَعلٰى ۔ وَيَحيٰى يَقرَءُ الٓمّٓ السَّجدَةَ

وتبارك الملك ـ میں ـ وحتى يقرء بني اسرائيل

والزمر ـ مسـ ما كنت ارى احدا يعقل

ينام قبل ان يقرء الايات الثلاث الاواخر

من سورة البقرة ـ اذا وضعت جنبك

على الفراش وقرأت فاتحة الكتاب وقل

هو الله احد فقد امنت من كل شيء الا الموت

ما من رجل ياوي الى فراشه فيقرء سورة

من كتاب الله الا بعث الله اليه ملكا يحفظه

من كل شيء يؤذيه حتى يهب من نومه متى

هب اذا اوى الرجل الى فراشه ابتدره ملك

وشيطان فيقول الملك اختم بخير ويقول وا

الشيطان اختم بشر فان ذكر الله ثم نام بات

الملك يكلؤه الحديث باتي تيمنه س

واذا راى في منامه ما يحب فليحمد الله

عليها وليحدث بها ولا يحدث بها الا من يحب

واذا راى ما يكره فلينفل ح اوليبصق

اولينفث ثلثا ثلثا ان يساره ع ولتعوذ

بالله من الشيطان ومن شرها ع ثلثا ثلثا ولا

يذكرها لاحد حتى ... فانها لا تضره ع

وليتحول عن جنبه الذي كان عليه او

ليقم فليصل وإذا فزع او وجد وحشة او

ارق فليقل اعوذ بكلمات الله التامة من غضبه

وعقابه وشر عباده ومن همزات الشياطين

وان يحضرون وكان عبد الله بن عمرو

يلقنها من عقل من ولده ومن لم يعقل كتبها

في صك ثم علقها في عنقه ... مص اعوذ

بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن بر

وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ

فِيهَا وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَءَ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا

وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَفِتَنِ النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمٰنُ

وَفِي الْاَرَقِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ

وَمَا اَظَلَّتْ وَرَبَّ الْاَرَضِيْنَ وَمَا اَقَلَّتْ وَرَبَّ

الشَّيَاطِيْنِ وَمَا اَضَلَّتْ كُنْ لِّي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ

اَجْمَعِيْنَ اَنْ يَّفْرُطَ اَحَدٌ مِّنْهُمْ اَوْ اَنْ يَّطْغٰى

عَزَّ جَارُكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ صر مصر اَللّٰهُمَّ غَارَ

النُّجُومُ وَهَدَأَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُ

سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ اهْدِئْ لَيْلِي وَأَنِمْ

عَيْنِي . وَإِذَا انْتَبَهَ مِنَ النَّوْمِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ نَفْسِي وَلَمْ يُمِتْهَا فِي مَنَامِهَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِي يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ

زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ

حَلِيمًا غَفُورًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

حب ، ص . الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَحْيَانَا

بَعْدَ مَا اَمَاتَنَا وَاِلَيْهِ النُّشُوْرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

لَا شَرِيْكَ لَكَ سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ اَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِيْ وَ

اَسْئَلُكَ رَحْمَتَكَ اَللّٰهُمَّ زِدْنِيْ عِلْمًا وَّلَا تُزِغْ

قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ وَهَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الحمد وهو علىٰ كل شئ قدير الحمد لله وسبحان

الله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا

قوة الا بالله اللهم اغفر لي او يدعو استجيب له

فان توضأ وصلى قبلت صلوته ۔ من قال

حين يتحرك من الليل بسم الله عشر مرات وسبحان

الله عشر مرات وآمنت بالله وكفرت

بالطاغوت عشرا وقي كل شئ يتخوفه ولم

ينبغ لذنب ان يدركه الى مثلها ۔ واذا قام

من الليل عن فراشه ثم عاد اليه فلينفضه بصنفه

اِزَارِهٖ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَاِنَّهٗ لَا يَدْرِيْ مَا خَلَفَهٗ

عَلَيْهِ فَاِذَا اضْطَجَعَ فَلْيَقُلْ بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ وَضَعْتُ جَنْبِيْ

وَبِكَ اَرْفَعُهٗ اِنْ اَمْسَكْتَ نَفْسِيْ فَارْحَمْهَا وَاِنْ رَدَدْتَهَا

فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهٖ اَحَدًا مِّنْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ

وَاِذَا قَامَ لِيَتَهَجَّدَ فَاِنْ دَخَلَ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ

بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْٓ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ

وَالْخَبَآئِثِ وَاِذَا خَرَجَ غُفْرَانَكَ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَذْهَبَ عَنِّي الْاَذٰى وَعَافَانِيْ

وَاِذَا تَوَضَّاَ فَلْيُسَمِّ اللّٰهَ ثُمَّ يَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ

اغفر لی ذنبی ووسع لی فی داری وبارک لی فی
رزقی واذا فرغ من الوضوء رفع نظرہ
الی السماء ولیقل اشھد ان لا الہ الا اللہ
وحدہ لا شریک لہ واشھد ان محمد
عبدہ ورسولہ ثلاث مرات
اللھم اجعلنی من التوابین واجعلنی من
المتطھرین سبحانک اللھم وبحمدک اشھد
ان لا الہ الا انت استغفرک واتوب الیک
من توضا فقال سبحانک اللھم وبحمدک

اشهد ان لا اله الا انت استغفرك واتوب

اليك كتب له في رق ثم جعل في طابع فلم يكسر

الى يوم القيمة ۔ التهجد افضل الصلوة بعد

المكتوبة ۔ الصلوة في جوف الليل افضل

الصلوة صلوة المرء في بيته الا المكتوبة

صلوة الليل والنهار مثنى مثنى

وكان اذا قام من الليل يتهجد قال اللهم

لك الحمد انت قيم السموات والارض ومن فيهن و

لك الحمد انت ملك السموات والارض ومن فيهن

وَلَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ نُوْرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ

فِيْهِنَّ وَلَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَلِقَاؤُكَ

حَقٌّ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالنَّبِيُّوْنَ

حَقٌّ وَمُحَمَّدٌ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ

وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْكَ اَنَبْتُ

وَبِكَ خَاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حَاكَمْتُ اَنْتَ رَبُّنَا وَاِلَيْكَ

الْمَصِيْرُ فَاغْفِرْ لِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ

وَمَا اَعْلَنْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّيْ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ

وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ اَنْتَ اِلٰهِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ۔ سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهٗ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۔ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ

الْعٰلَمِيْنَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهٖ ۔ وَقَعَدَ الثُّلُثُ

الْاٰخِرُ مِنَ اللَّيْلِ فَنَظَرَ اِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اِنَّ فِيْ

خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ

النَّهَارِ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِى الْاَلْبَابِ ۔ الْعَشْرَ الْاَوَاخِرَ

مِنْ اٰلِ عِمْرَانَ حَتّٰى خَتَمَهَا ثُمَّ قَامَ فَتَوَضَّاَ وَاسْتَنَّ

فَصَلّٰى اِحْدٰى عَشْرَةَ رَكْعَةً ثُمَّ اَذَّنَ بِلَالٌ فَصَلّٰى

رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ خَرَجَ فَصَلَّى الصُّبْحَ ۔ لیس

وكان يصلي من الليل ثلاث عشرة ركعة يوتر

من ذلك بخمس لا يجلس في شيء الا في اخرهن

وكان يصلي من الليل احدى عشرة

ركعة يوتر بواحدة واذا قام لصلوة الليل

واستغفر كبر عشرا وحمد عشرا وسبح عشرا

وقال اللهم اغفرلي واهدني وارزقني و

عافني عشرا ويتعوذ بالله من

ضيق المقام يوم القيمة عشرا واذا

افتتح صلوة الليل قال اللهم رب جبريل و

ميكائيل واسرافيل فاطر السموات والارض عالم

الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما

كانوا فيه يختلفون اهدني لما اختلف فيه

من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط

مستقيم واذا صلى الوتر بالاثا فيقرء

في الاول سبح اسم ربك وفي ثانية قل يا ايها

الكافرون وفي الثالثة قل هو الله

احد والمعوذتين

ويفصل بين الشفع والوتر بتسليمة يسمعها او

لا يسلم في آخرهن او يوتر بواحدة

او بخمس او بسبع او بتسع او احدى عشرة

ركعة او اكثر من ذلك ويقنت في الآخرة

اذا رفع راسه من الركوع فيقول اللهم

اهدني فيمن هديت وعافني فيمن عافيت و

تولني فيمن توليت وبارك لي فيما اعطيت وقني

شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك و

انه لا يذل من واليت ولا يعز من عاديت تباركت

ربنا وتعاليت نستغفرك ونتوب اليك

الخيرَ ولا نكفرُكَ ونخلعُ ونتركُ من يفجرُكَ

بسمِ اللهِ الرحمنِ الرحيمِ اللّهمَّ إيّاكَ نعبدُ ولكَ

نصلّي ونسجدُ وإليكَ نسعى ونحفدُ ونخشى عذابَكَ

الجدَّ ونرجو رحمتَكَ إنَّ عذابَكَ الجِدَّ بالكفّارِ

ملحقٌ ... وإذا سلّمَ منه قالَ سبحانَ الملكِ القدّوسِ

ثلاثَ مرّاتٍ يمدُّ صوتَه في الثالثةِ ويرفعُ

[illegible] ربُّ الملائكةِ والرّوحِ

اللّهمَّ إنّي أعوذُ برضاكَ من سخطِكَ وبمعافاتِكَ

من عقوبتِكَ وأعوذُ بكَ منكَ لا أُحصي ثناءً

عليك انت كما اثنيت على نفسك

واذا صلى ركعتي الفجر يقرء في الاولى

قل يا ايها الكافرون وفي الثانية قل هو الله

احدا — او في الاولى قولوا امنا بالله

الاية وفي الثانية قل يا اهل الكتاب تعالوا

الاية — ويقول وهو جالس اللهم رب جبرئيل

وميكائيل واسرافيل ومحمد النبي صلى

الله عليه واله وسلم اعوذبك من النار ثلاث

مرات — ثم يضطجع على شقه الايمن

وَاِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهٖ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ

عَلَى اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ نَزِلَّ

اَوْ نَزِلَّ اَوْ نَضِلَّ اَوْ نَظْلِمَ اَوْ نُظْلَمَ اَوْ نَجْهَلَ اَوْ يُجْهَلَ عَلَيْنَا

بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ التُّكْلَانُ

عَلَى اللّٰهِ بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى

اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مَا

خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ مِنْ بَيْتِيْ

قَطُّ اِلَّا رَفَعَ طَرْفَهٗ اِلَى السَّمَآءِ فَقَالَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَزِلَّ اَوْ اُزَلَّ اَوْ

اظلم او اظلم او اجهل او يجهل علي ۔ فاذا خرج

للصلوة قال اللهم اجعل في قلبي نورا وفي بصري

نورا وفي سمعي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي

نورا وعن خلفي نورا واجعل لي نورا ۔

وفي عصبي نورا وفي لحمي نورا وفي دمي نورا

وفي شعري نورا وفي بشري نورا ۔

وفي لساني نورا واجعل في نفسي نورا واعظم

لي نورا ۔ واجعلني نورا ۔ اللهم اجعل

في قلبي نورا وفي لساني نورا واجعل في بصري نورا

واجعل في سمعي نورا

وَاجعَل مِن خَلفِي نُورًا وَمِن اَمَامِي نُورًا وَاجعَل

مِن فَوقِي نُورًا وَمِن تَحتِي نُورًا اَللّٰهُمَّ اَعطِنِي نُورًا

وعند دخول اَعُوذُ بِاللّٰهِ العَظِيمِ

وَبِوَجهِهِ الكَرِيمِ وَسُلطَانِهِ القَدِيمِ مِنَ

الشَّيطَانِ الرَّجِيمِ وَاِذَا دَخَلَهُ فَليُسَلِّمْ عَلَى

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

وَليَقُل اَللّٰهُمَّ افتَح لِي اَبوَابَ رَحمَتِكَ

اَللّٰهُمَّ افتَح لَنَا اَبوَابَ رَحمَتِكَ وَسَهِّل

لَنَا اَبوَابَ رِزقِكَ اَو يَقُولُ بِسمِ اللّٰهِ وَعَلٰى

سُنَّةِ رَسُولُ اللهِ بِسمِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلىٰ رَسُولِ

اللهِ ۔ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اَللّٰهُمَّ اغفِر لِي ذُنُوبِي وَافتَح لِي أَبوَابَ رَحمَتِكَ

وَبَعدَ دُخُولِهِ اَلسَّلَامُ عَلَينَا وَعَلىٰ

عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ ۔ وَإِذَا خَرَجَ مِنهُ

فَليُسَلِّم عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم

وَليَقُل اَللّٰهُمَّ اعصِمنِي مِنَ الشَّيطَانِ

الرَّجِيمِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ مِن فَضلِكَ

أَو بِسمِ اللهِ وَالسَّلَامُ عَلىٰ رَسُولِ اللهِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ وَافْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ فَضْلِكَ

وَلَا يَجْلِسُ حَتّٰى يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ

وَاِنْ سَمِعَ مَنْ يَّنْشُدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا رَدَّهَا

اللّٰهُ عَلَيْكَ فَاِنَّ الْمَسَاجِدَ لَمْ تُبْنَ لِهٰذَا وَاِنْ

رَاٰى مَنْ يَّبِيْعُ اَوْ يَبْتَاعُ فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَقُلْ لَا اَرْبَحَ

اللّٰهُ تِجَارَتَكَ وَالْاَذَانُ تِسْعَ عَشَرَ

كَلِمَةً مَّعْرُوْفٌ وَيُزَادُ فِي الصُّبْحِ

اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ مَرَّتَيْنِ وَاِذَا سَمِعَ

الْمُؤَذِّنُ فَلْيَقُلْ كَمَا يَقُولُ وَبَعْدَ الْحَيْعَلَةِ
مؤذن این بگوید چنانچه بگوید آن و بعد حی علی الصلوة
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ إِذَا قَالَ ذٰلِكَ
بگوید لا حول و نه توانائی مگر بخدا چون بگوید این را
مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ مَنْ قَالَ حِينَ
از دل خود داخل شود در بهشت هر که بگوید وقتی
يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا
که بشنود از مؤذن اشهد یعنی گواهی میدهم که نیست معبودی مگر خدا یگانه
شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ رَبًّا
نیست انباز او و گواهی میدهم که حضرت محمد بنده او و فرستاده او خوشنود شدم خدا را
وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ
و حضرت محمد را از روی رسالت و به اسلام از روی دین آمرزیده شود مر او را گناه او
مَنْ قَالَ مِثْلَ مَقَالِهِ يَعْنِي الْمُؤَذِّنَ
هر که بگوید مانند گفتن او یعنی مؤذن
وَشَهِدَ مِثْلَ شَهَادَتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَكَانَ
و گواهی دهد مانند گواهی دادن او پس مر او راست بهشت و بود پیغمبر
إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يَتَشَهَّدُ قَالَ وَأَنَا وَأَنَا
چون شنید مؤذن را که کلمه شهادت میگفت فرمود من گواهی میدهم

ثُمَّ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

پس بفرستد [illegible] درود خدا بروی باد و او و آل او و سلام

ثُمَّ لِيَسْئَلِ اللهَ لَهُ الْوَسِيلَةَ [illegible] بِقَوْلِ اللّٰهُمَّ

پس بخواهد از خدا برای او وسیله [illegible] بگوید ای بار خدایا

رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ

پروردگار این دعوت که تمامست و نماز پاینده

آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا

بده حضرت محمد را وسیله و بزرگی و برانگیز او را جای

مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ [illegible] إِنَّكَ لَا

ستوده آنکه وعده کردی [illegible] بدرستی تو

تُخْلِفُ الْمِيعَادَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَسْمَعُ النِّدَاءَ

خلاف نکنی وعده را نیست هیچ مسلمانی که بشنود بانگ را

فَيُكَبِّرُ وَيُكَبِّرُ وَيَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

پس الله اکبر بگوید موذن و بگوید موذن که گواهی میدهم که نیست معبود حقی [illegible]

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ ثُمَّ يَقُولُ اللّٰهُمَّ

و گواهی میدهم بدرستی که محمد فرستاده خداست پس بگوید ای بار خدایا

أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَاجْعَلْهُ

بده حضرت محمد و وسیله و بزرگی و بگردان [illegible]

فِي الاعلين درجته وفي المصطفين محبته وفي

در برترینان مرتبه او و در برگزیدگان محبت او را و در

المقربين ذكره الا وجبت له شفاعة يوم

نزدیکان ذکر او را مگر واجب باشد شفاعت روز

القيمة من قال حين ينادي المنادي اللهم

قیامت هر که بگوید وقتی که آواز دهد آواز دهنده ای بار خدا

رب هذه الدعوة القائمة والصلوة النافعة

پروردگار این دعوت باقی‌مانده و نماز نفع کننده

صل على محمد وارض عني رضا لا تسخط بعده

درود فرست بر محمد و راضی شو از من خوشنودی که خشم نگیری

استجاب الله دعوته من نزل به كرب

قبول کند خدا دعای او را کسی که نازل شود بر او رنجی

اوشدة فليتحين المنادي فاذا كبر كبر واذا

یا سختی پس باید که منتظر شود موذن را پس چون تکبیر گوید تکبیر گوید و چون

تشهد تشهد واذا قال حي على الصلوة قال

تشهد گوید موذن و چون موذن بیا بر نماز

حي على الصلوة واذا قال حي على الفلاح قال حي

بگوید بیا بر الصلوه و چون بگوید حي على الفلاح بگوید بیا

عَلَی الْفَلَاحِ ثُمَّ یَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ
پس بگوید ای بار خدایا پروردگار این دعوة
الصَّادِقَةِ الْمُسْتَجَابِ لَهَا دَعْوَةِ الْحَقِّ وَكَلِمَةِ
راست قبول کرده شده بر الدعوه راست و کلمه
التَّقْوٰی اَحْیِنَا عَلَیْهَا وَاَمِتْنَا عَلَیْهَا وَابْعَثْنَا
پرهیزگاری زنده کن ما را بران و بمیران ما را بران و برانگیز ما را
عَلَیْهَا وَاجْعَلْنَا مِنْ خِیَارِ اَهْلِهَا اَحْیَاءً وَاَمْوَاتًا
بران و بگردان ما را از بهترین اهل آن زندگان و مردگان
ثُمَّ یَسْئَلُ اللّٰهَ حَاجَتَهُ وَالدُّعَاءُ بَیْنَ الْاَذَانِ
پس بخواهد از خدا تعالی حاجت خود را و دعا خواستن میان اذان
وَالْاِقَامَةِ لَا یُرَدُّ مُسْتَجَابٌ
و تکبیر رد کرده نمیشود قبول کرده شده
فَادْعُوْا فَاسْئَلُوا اللّٰهَ الْعَافِیَةَ فِی الدُّنْیَا
پس دعا بخواهید پس بخواهید از خدا عافیت در دنیا
وَالْاٰخِرَةِ وَالْاِقَامَةُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ
و آخرة و تکبیر کلمه الله اکبر الله اکبر
اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ
اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمدا رسول الله

الله حی علی الصلوة حی علی الفلاح قد قامت

الله بیا بر نماز بیا بر رستگاری تحقیق برپا شد

الصلوة الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله

نماز خدا بزرگ است خدا نیست معبود بحق مگر خدا

او هی کالاذان الا فی الترجیع

یا آن تکبیر مانند اذان است مگر در دو شهادت

وزیادة قد قامت الصلوة قد قامت الصلوة

و زیاده لفظ قد قامت یعنی تحقیق برپا شد نماز

واذا قام الی الصلوة المکتوبة

چون برخیزد بسوی نماز فریضه

قال بعد التکبیر وجهت

گوید بعد تکبیر متوجه کردم

وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا

روی خود را برای آنکه آفرید آسمانها و زمین مایل بدین

مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی ونسکی

اسلام و تسلیم من از مشرکان بدرستی نماز من و قربانی من

ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له

و زندگانی من و مردن من خدا را پروردگار عالمها نیست انبازی او

وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ

و بان امر کرده شد و من از گردن نهادگانم بار خدایا توی

الْمَلِكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ

پادشاه نیست معبودی مگر تو توی رب من و من بنده توی

ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

ستم کردم نفس خود را و اقرار کردم بگناه خود پس بیامرز گناهان من

جَمِيعًا إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ

همه بدرستی که نیامرزد گناهان مگر تو و راه نما مرا بنیکوترین

الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ وَاصْرِفْ

اخلاقها و راه ننماید مر نیکوتر آنرا مگر تو و بگردان

عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ لَبَّيْكَ

از من گناهها را نگرداند از من بدی را مگر تو ایستاده ام بخدمت تو

وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ

و مساعدت میکنم طاعت ترا و نیکی همه آن در دو دست تست و بدی نیست

إِلَيْكَ وَأَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ أَسْتَغْفِرُكَ

بسوی تو ... من بتو بزرگی تو و برتری تو آمرزش میخواهم

وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مع ط اَللّٰهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَ

و باز میگردم بسوی تو ... بار خدایا دور گردان میان

بيني وبين خطاياي كما باعدت بين المشرق و

ومیان گناهان من جدائی ده دور ... میان مشرق و

المغرب اللهم اغسلني من خطاياي بالماء

[illegible] بشوی [illegible] از گناهان من باب

الثلج والبرد مرة ١ وسبحانك اللهم وبحمدك

[illegible] پاکی تو ای بار خدایا و ستایش تو

وتبارك اسمك وتعالى جدك لا اله غيرك

وبلند است نام تو و بزرگ است بزرگی تو نیست معبودی بجز تو

مرة ١٠ الله اكبر كبيرا والحمد لله

[illegible] بزرگ [illegible] وستایش خدا

كثيرا وسبحان الله بكرة واصيلا

بسیار است و پاکی خدا را [illegible] و شام

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا

سپاس خدای را سپاسی بسیار پاکیزه برکت داده شده

فيه اللهم باعد بيني وبين ذنبي كما

[illegible] دوری کن میان من و میان گناهان من

باعدت بين المشرق والمغرب ونقني من خطيئتي

چنانچه دوری کردی میان مشرق و مغرب و پاک کن مرا از خطاها

كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ مِنَ الدَّنَسِ ، وَفِي صَلوٰةِ

... و در نماز

التَّطَوُّعِ اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيرًا ثَلٰثًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

نفل ...

كَثِيرًا ثَلٰثًا سُبْحَانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَاَصِيلًا ثَلٰثًا

...

اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ نَفْخِهِ

...

وَنَفْثِهِ وَهَمْزِهِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ

...

وَالْمَلَكُوتِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ

و پادشاهی بزرگ ... و بزرگی ...

وَاِذَا قَالَ الْاِمَامُ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

و چون گوید امام ... لفظ غیر ... گرفته ...

الضَّالِّينَ فَلْيَقُلِ الْمَأْمُومُ اٰمِينَ بِجَهْرٍ

...

وَاِذَا اَمَّنَ الْاِمَامُ فَلْيُؤَمِّنِ الْمَأْمُومُ فَمَنْ وَافَقَ

و چون آمین گوید امام پس باید که آمین گوید ... پس هر که موافق

تأمينُه تأمينَ الملائكةِ غُفِرَ له ما تقدَّم من

شد آمین گفتن او آمین فرشتگان آمرزیده شود مراو را آنچه پیش بود

ذنبِه خ ولمّا قال صلّى الله عليه وآلِه وسلّم

از گناه ... وچون گفت درود خدا باد بر وی و آل او و سلام

آمين مدَّ بها صوتَه ا ... رفع بها صوتَه ا

آمین ... کشید آواز خود را ... بلند کرد آن آواز خود را

وكان اذا قال آمين يسمعُ من يليه من الصفِّ

و ... چون میگفت آمین می شنید هر که متصل بود

الأوّلِ فيرتجّ بها المسجدُ ق وقال آمين

از صف اول ... لرزید بآن مسجد ... وفرمود

ثلاثَ مرّاتٍ د وحين قال ولا الضّالّين قال ربّ

سه بار ... و وقتی که گفت ولا الضالین گفت ای

اغفر لي آمين ط واذا ركع يقول سبحان

بیامرز مرا آمین ... و چون رکوع کرد میفرمود پاکست

ربّيَ العظيم ... ثلثا وذلك أدناه

رب مرا کبزرگست ... سه بار و این کمترین است

سبحانك اللّهمّ ربّنا وبحمدك اللّهمّ اغفر لي

... پاکست تو ای بار خدایا ای رب ما و ستایش کرده ای بار خدایا بیامرز مرا

ثم ... سبحان الله وبحمده ثلاث مرات

اللهم لك ركعت وبك آمنت ولك

اسلمت وخشع لك سمعي وبصري ومخي وعظمي

وعصبي ... سبوح قدوس رب الملائكة

والروح ادرك لك سوادي وخيالي وآمن

بك فؤادي ابوء بنعمتك علي هذا يداي وما

جنيت على نفسي سبحان ذي الجبروت و

الملكوت والكبرياء والعظمة ... واذا

قام من الركوع قال سمع الله لمن حمده

اللهم ربنا لك الحمد ح ربنا ولك الحمد ح ربنا

ولك الحمد حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه خ

اللهم لك الحمد ملء السموات وملء الارض

وملء ما شئت من شيء بعد اللهم طهرني بالثلج

والبرد والماء البارد اللهم طهرني من الذنوب

والخطايا كما ينقى الثوب الابيض من

الوسخ اللهم ربنا لك الحمد ملء السموات

وملء الارض وملء ما بينهما وملء ما شئت

من شيء بعد اهل الثناء والمجد احق ما قال العبد

از چیزے پس سزاوار ثنای و بزرگی سزاوار [illegible]

وَكُلُّنَا لَكَ عَبْدٌ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ

لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ اَللّٰهُمَّ

لَكَ الْحَمْدُ مِلْأَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمِلْأَ مَا بَيْنَهُمَا

وَمِلْأَ مَا شِئْتَ بَعْدُ اَهْلَ الثَّنَاءِ وَاَهْلَ الْكِبْرِيَا

وَالْمَجْدِ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ

الْجَدُّ وَاِذَا سَجَدَ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰى

ثَلٰثًا وَذٰلِكَ اَدْنَاهُ اَللّٰهُمَّ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ

مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَاَعُوْذُ

بِكَ مِنْكَ لَا اُحْصِيْ ثَنَاءً عَلَيْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ

أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ ۞ اَللّٰهُمَّ سَجَدَ

لَكَ سَوَادِي وَخَيَالِي وَبِكَ آمَنَ فُؤَادِي أَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ

عَلَيَّ وَهٰذَا مَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ

اغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِيمَةَ إِلَّا الرَّبُّ

الْعَظِيمُ ۞ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ

ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ

الَّذِي لَا يَمُوتُ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَأَعُوذُ

بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ وَجْهُكَ

رَبِّ أَعْطِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكِّهَا أَنْتَ

مَنْ خَلْفَهٗ وَاِذَا جَلَسَ لِلتَّشَهُّدِ اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ

وَالصَّلَوٰاتُ وَالطَّيِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى

عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِيْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا

وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ

وَرَسُوْلُهٗ اَلتَّحِيَّاتُ مُبَارَكَةٌ

اَلصَّلَوٰاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا

النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِيْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا

الله واشهد ان محمداً رسول الله   التحیات

خدا و گواهی میدهم که محمد فرستاده خدا   ابن عباس رضی الله عنه گفت

الطیبات والصلوات لله السلام علیک ایها

پاکیزگیها و درودها مر خدای را سلام بر تو ای

النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا

پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر ما

وعلی عباد الله الصالحین اشهد ان لا اله الا

و بر بندگان خدا شایستگان و گواهی میدهم که نیست معبودی بحق مگر

الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده

خدا یگانه نیست شریک مر او را و گواهی میدهم که محمد بنده او

ورسوله   التحیات والطیبات والصلوات

و فرستاده او   ابی موسی الاشعری گفت تحیات و پاکیزها و درودها

والملک لله - بسم الله وبالله التحیات لله وا

و پادشاهی مر خدا را   بنام خدا و بخدا ثنای مر خدا را و

الصلوات والطیبات السلام علیک ایها

درودها و پاکیزگیها سلام بر تو ای

النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علینا وعلی

پیغمبر و رحمت خدا و برکات او سلام بر ما و بر

عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ

[illegible]

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ

گواهی میدهم که حضرت محمد [illegible] و فرستاده اوست [illegible]

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ الزَّاكِيَاتُ لِلّٰهِ الطَّيِّبَاتُ لِلّٰهِ

تحیتها [illegible] مر خدا را [illegible] پاکیزها مر خدا را

اَلصَّلَوٰةُ لِلّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ

درودها مر خدا را سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت

اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ

خدا [illegible]

الصّٰلِحِيْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَشْهَدُ

شایستگان گواهی میدهم نیست معبودی بجز خدا و گواهی میدهم

اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ بِسْمِ اللّٰهِ

درستی حضرت محمد [illegible]

وَبِاللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ اَلتَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ

و بخدا [illegible] نامهای تحیات و پاکیزها [illegible]

لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ

مر خدا را گواهی میدهم که نیست معبودی بجز [illegible] یکتا [illegible]

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَرْسَلَهٗ

بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا وَّاِنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ

فِيْهَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ

وَبَرَكَاتُهٗ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ

الصّٰلِحِيْنَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَاهْدِنِيْ

وَكَيْفِيَّةُ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

... یا اللہ درود بھیج حضرت محمدؐ پر اور آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ

بیشک تو ستودہ بزرگوار ہے یا اللہ برکت دے محمدؐ اور آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ وَعَلَىٰ اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ

محمد چنانچه برکت کړی دی بر ابراهیم و بر اولاد ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

همېشه تو ستوده بزرگوار ای بار خدایا درود و فرست بر محمد

وَعَلَىٰ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ اِبْرَاهِيْمَ وَعَلَىٰ

و بر اولاد محمد چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم و بر

اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

اولاد ابراهیم که ستوده و بزرگوار ای بار خدایا برکت ده بر محمد

وَعَلَىٰ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ وَعَلَىٰ اٰلِ

و بر اولاد محمد چنانچه برکت دادی بر ابراهیم و بر اولاد

اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

ابراهیم همېشه که ستوده بزرگوار ای بار خدایا درود

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ اِبْرَاهِيْمَ

بر محمد و اولاد محمد چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ

و بدرستی که ستوده بزرگوار ای بار خدایا برکت ده بر حضرت محمد و اولاد محمد

كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

چنانچه برکت دادی بر حضرت ابراهیم بدرستی که ستوده

مَجِيدٌ ‌ ‌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَزْوَاجِهٖ

بزرگوار ابوهریره ای بارخدایا درود بفرست بر محمد و بر همسرهای او

وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ

و اولاد او چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم و برکت بده

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا بَارَكْتَ

بر محمد و بر همسرهای او و اولاد او چنانچه برکت دادی

عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ ‌ ‌ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ

بر ابراهیم ... بدرستی که ستوده و بزرگوار

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ كَمَا

ای بارخدایا درود بفرست ... بنده ... فرستاده است چنانچه

صَلَّيْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ

درود فرستادی بر اولاد ابراهیم و برکت ... بر محمد و بر اولاد

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ

محمد چنانچه برکت دادی بر ابراهیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

... ای بارخدایا درود بفرست بر محمد چنانچه درود فرستادی بر

اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

ابراهیم و برکت ده بر حضرت محمد و اولاد محمد چنانچه

بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيْمَ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

بَارَكْتَ عَلٰى اٰلِ اِبْرٰهِيْمَ فِى الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ النَّبِيِّ

الْاُمِّيِّ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

اِبْرٰهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ كَمَا

بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

كما صليت وباركت على ابرهيم انك

حميد اقبل رجل حتى جلس بين يدي رسو

ل الله صلى الله عليه وآله وسلم ونحن عنده

فقال يا رسول الله اما السلام عليك فقد عرفنا

فكيف نصلي عليك اذا نحن صلينا عليك في

صلوتنا صلى الله عليك قال فصمت حتى احببنا

ان الرجل لم يسأله ثم قال اذا صليتم

علي فقولوا اللهم صل على محمد النبي الامي

وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وعلى

و برا اولاد محمد چنانچه درود فرستادی برابراهیم و بر

آلِ ابرٰهیم وبارِك علیٰ محمّدٍ النبیّ الاُمّیّ کما

اولاد ابراهیم و برکت ده بر محمد پیغمبر امّی همچنانکه

بارکتَ علیٰ ابراهیم وعلیٰ آل ابراهیم انّك حمید

برکت دادی بر ابراهیم و بر آل ابراهیم بدرستیکه ستوده

مجید من سرّه ان یکتال بالمکیال

و بزرگوار ... هر که خوش کرد اینکه پیموده شود به پیمانه

الاوفیٰ اذا صلّیٰ علینا اهل البیت فلیقل اللّهمّ

تمام ... چون درود فرستد بر ما اهل بیت پس باید بگوید بار خدایا

صلّ علیٰ محمّدٍ النبیّ وازواجه امّهات المؤمنین

درود فرست بر محمد پیغمبر و جفتهای او که مادران مؤمنان اند

وذرّیّته واهل بیته کما صلّیت علیٰ ابراهیم انّك

و فرزندان او و اهل بیت او چنانچه درود فرستادی بر ابراهیم بدرستی

حمید مجید من صلّیٰ علیٰ محمّدٍ وقال اللّهمّ

که ستوده و بزرگواری ایضاً هر که درود فرستد بر محمد و گفت ای بار خدایا

انزله المقعد المقرّب عندك یوم القیٰمة وجبت له شفاعتی

نازل کن او را در نشستگاه نزدیک نزد خود روز قیامت واجب شد برای او شفاعت من

ثمّ لیتخیّر من الدعاء اعجبه الیه فیدعو و

ربیع ... پس باید که برگزیند از دعا دوست ترین دعا بسوی او پس بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی ظُلْمًا

حضرت ابی بکر رضی اللہ تعالیٰ ... ای بار خدایا ... من ستم کردم بر نفس خود

كَثِيْرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ

بسیار ... ونمی آمرزد گناهان مگر تو

فَاغْفِرْ لِیْ مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِیْ اِنَّكَ

پس بیامرز مرا آمرزیدنی از نزد خود و رحم کن مرا بدرستی

اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

تویی آمرزنده مهربان حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ ... ای بار خدایا

اَسْئَلُكَ بِاللّٰهِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِیْ لَمْ يَلِدْ وَ

من میخواهم از تو ... بحق خدای یگانه ... بی نیاز ... که نزاد و

لَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ اَنْ تَغْفِرَ لِیْ

ونزائیده شده و نبود مر او را همتای ... که بیامرزی مرا

ذُنُوْبِیْ اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ

گناهان مرا بدرستی تویی آمرزنده و مهربان ... ای بار خدایا

حَاسِبْنِیْ حِسَابًا يَّسِيْرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ

حساب کن ...

بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ

... از ...

القبر ونعوذ بك من فتنة المسيح الدجال ونعوذ

بك من فتنة المحيا والممات ويقول اللهم

اني اسئلك من الخير كله ما علمت منه و

ما لم اعلم اللهم اني اسئلك من خير ما سألك

عبادك الصالحون واعوذ بك من شر ما عاذ

منه عبادك الصالحون ربنا اتنا في الدنيا

حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار ربنا

اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار ربنا

واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة

انک لا تخلف المیعاد

سید الاستغفار

ان یقول الرجل اذا جلس فی صلوته اللهم

انت ربی لا الٰه الا انت خلقتنی وانا عبدک

وانا علی عهدک ووعدک ما استطعت اعوذ

بک من شر ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی و

ابوء بذنبی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب الا انت

واذا سلم لا الٰه الا الله وحده لا شریک

له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت بیده

الخیر وهو علی کل شیء قدیر

اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ

وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ اَوْ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَ

لَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ثَلَاثَ

مَرَّاتٍ اَوْ مَرَّةً وَبَعْدَهٗ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ

الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ

يَاذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ سُبْحَانَ اللّٰهِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ لِيَكُوْنَ

مِنْهُنَّ كُلِّهِنَّ ثَلٰثًا وَّثَلَاثِيْنَ مَرَّةً اَوْ اِحْدٰى

عَشَرَةَ وَاِحْدٰى عَشَرَةَ وَاِحْدٰى عَشَرَةَ فَذٰلِكَ

كُلُّهُ ثَلَاثٌ وَّثَلٰثُوْنَ اَوْ عَشْرًا عَشْرًا عَشْرًا

مَنْ سَبَّحَ اللّٰهَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلَاثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَ

حَمِدَ اللّٰهَ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ اللّٰهَ ثَلَاثًا وَّثَلٰثِيْنَ

ثُمَّ قَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ

مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ وَفَاعِلُهُنَّ

دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ ثَلَاثٌ وَّثَلٰثُوْنَ

تَسْبِيْحَةٍ وَّثَلَاثٍ وَّثَلٰثُوْنَ تَحْمِيْدَةً وَّاَرْبَعٌ وَّثَلٰثُوْنَ

تَكْبِيْرَةً مَنْ سَبَّحَ دُبُرَ كُلِّ

صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ مِائَةً وَكَبَّرَ مِائَةً وَهَلَّلَ مِائَةً

وَحَمِدَ مِائَةً غُفِرَ لَهُ ذُنُوْبُهُ وَاِنْ كَانَتْ اَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ

الْبَحْرِ. اَوْ مِنْ كُلٍّ خَمْسًا وَّعِشْرِيْنَ

او من كلّ من التسبيح والتحميد ثلثا وثلثين
والتكبير اربعا وثلثين ولا اله الا الله عشر
مرات او كذلك والتكبير ثلثا وثلثين
او من كل من التسبيح والتحميد والتكبير مائة
مع لا اله الا الله وحده لا شريك له ولا حول
ولا قوة الا بالله لو كانت خطاياه مثل زبد
البحر لمحتها وآية الكرسي دبر كل صلوة
مكتوبة لم يمنعه من دخول الجنة الا ان يموت
ومن كان في ذمة الله الى الصلوة الاخرى

وَلْيَقْرَءُ الْمُعَوِّذَتَيْنِ دُبُرَ كُلِّ صَلوٰةٍ

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُبِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ

وَاَعُوْذُبِكَ اَنْ اُرَدَّ اِلٰى اَرْذَلِ الْعُمُرِ وَاَعُوْذُبِكَ

مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَاَعُوْذُبِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ

رَبِّ قِنِيْ عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ

اَوْ تَجْمَعُ عِبَادَكَ اَللّٰهُمَّ

اغْفِرْلِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاهْدِنِيْ وَارْزُقْنِيْ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ جِبْرَئِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ وَاِسْرَافِيْلَ

اَعِذْنِيْ مِنْ حَرِّ النَّارِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ

اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَسْرَرْتُ وَمَا

اَعْلَنْتُ وَمَا اَسْرَفْتُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّيْ اَنْتَ

الْمُقَدِّمُ وَاَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ

عِبَادَتِكَ ۝ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ

شَيْءٍ اَنَا شَهِيْدٌ اَنَّكَ الرَّبُّ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ

لَكَ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ اَنَا شَهِيْدٌ اَنَّ

مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدُكَ وَرَسُوْلُكَ

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ اَنَا شَهِيْدٌ اَنَّ الْعِبَادَ

انعشني واجبني واجبرني وارزقني واهدني

لصالح الاعمال والاخلاق انه لا يهدي

لصالحها ولا يصرف سيئها الا انت

اللهم اصلح لي ديني ووسع لي في داري و

بارك في رزقي سبحان ربك رب العزة

عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله

رب العالمين وكان صلى الله عليه

واله وسلم اذا صلى وفرغ مسح بيمينه على

راسه فقال بسم الله الذي لا اله الا هو الرحمن

هم اذهب عني الهم والحزن

دبر صلوة الصبح وهو ثان رجليه

ل ان يتكلم لا اله الا الله وحده

شريك له الملك وله الحمد يحيي ويميت

ده الخير وهو على كل شيء قدير

شر مرات مائة مرة اللهم اني

ئلك رزقا طيبا وعلما نافعا وعملا متقبلا

دبر المغرب والصبح جميعا لا اله الا الله وحده

شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير

كُلِّهِمْ اِخْوَةٌ اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ

اِجْعَلْنِي مُخْلِصًا لَكَ وَاَهْلِي فِي كُلِّ سَاعَةٍ

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

اِسْمَعْ وَاسْتَجِبْ اَللّٰهُ اَكْبَرُ الْاَكْبَرُ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ

نِعْمَ الْوَكِيلُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ الْاَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ

اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي جَعَلْتَهُ

عِصْمَةَ اَمْرِي وَاَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا

مَعَاشِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ

اَعُوْذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا

مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا رَآدَّ

لِمَا قَضَيْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ خَطَائِيْ وَعَمَدِيْ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ

لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ وَالْاَخْلَاقِ لَا يَهْدِيْ لِصَالِحِهَا

وَلَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا اِلَّا اَنْتَ   اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ

بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ ا

لْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ ۶ و مس

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ خَطَايَايَ وَذُنُوْبِيْ كُلَّهَا اَللّٰهُمَّ

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ عَشَرَ مَرَّاتٍ

قَبْلَ اَنْ يَنْصَرِفَ وَيَثْنِيَ رِجْلَيْهِ مِنْهُمَا وَبَعْدَ

صَلٰوتَيِ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ اَيْضًا قَبْلَ اَنْ يَتَكَلَّمَ

اَللّٰهُمَّ اَجِرْنِيْ مِنَ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ

وَبَعْدَ صَلٰوةِ الضُّحٰى اَللّٰهُمَّ بِكَ اُحَاوِلُ وَبِكَ

اُصَاوِلُ وَبِكَ اُقَاتِلُ وَاِذَا دُعِيَ اِلَى الطَّعَامِ

فَلْيُجِبْ وَلَا ... سِيَّمَا وَلِيْمَةَ الْعُرْسِ

فَاِنْ كَانَ صَائِمًا صَلّٰى وَدَعَا

وَبَرَّكَ فِيْهِ وَاِذَا اَفْطَرَ قَالَ ذَهَبَ الظَّمَاءُ

وابتلت العروق وثبت الاجر ان شاء الله تعالى

اللهم اني اسئلك برحمتك التي

وسعت كل شيء ان تغفر لي ذنوبي

فان افطر عند قوم قال افطر عندكم

الصائمون واكل طعامكم الابرار وصلت

عليكم الملائكة ۔ واذا حضر الطعام

فليسم الله ولياكل مما يليه بيمينه

فان الشيطان يستحل الطعام الذي لا

يذكر اسم الله عليه ۔ قالوا يا رسول

الله انا نأكل ولا نشبع قال فلعلكم
تأكلون متفرقين قالوا نعم قال فاجتمعوا
على طعامكم واذكروا اسم الله يبارك لكم
فيه وأمر الصحابة في الشاة المسمومة
التي اهدتها اليه اليهودية ان اذكروا اسم
الله وكلوا فأكلوا فلم يصب احدا منهم شيء
وفي حديث مسيره صلى الله عليه وآله
وسلم وابي بكر وعمر الى بيت ابي الهيثم
واكلهم الرطب واللحم وشربهم الماء قوله

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اِنَّ هٰذَا هُوَ النَّعِيْمُ الَّذِيْ
تُسْئَلُوْنَ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَلَمَّا كَبُرَ عَلٰى اَصْحَابِهِ
قَالَ اِذَا اَصَبْتُمْ مِثْلَ هٰذَا وَضَرَبْتُمْ بِاَيْدِيْكُمْ
فَقُوْلُوْا بِسْمِ اللهِ وَعَلٰى بَرَكَةِ اللهِ فَاِذَا شَبِعْتُمْ
فَقُوْلُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هُوَ اَشْبَعَنَا وَاَرْوَانَا وَاَنْعَمَ
عَلَيْنَا وَاَفْضَلَ فَاِنَّ هٰذَا كِفَافُ هٰذَا
وَاِنْ نَسِيَ التَّسْمِيَةَ اَوَّلَ الطَّعَامِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ
اَوَّلُهُ وَاٰخِرُهُ وَاِنْ اَكَلَ مَعَ مَجْذُوْمٍ
اَوْذِيْ عَاهَةٍ قَالَ بِسْمِ اللهِ ثِقَةً بِاللهِ وَتَوَكُّلًا

عَلَيْهِ فَاِذَا فَرَغَ مِنَ الْاَكْلِ وَالشُّرْبِ

قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيْرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا

فِيْهِ غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُوَدَّعٍ وَلَا مُسْتَغْنًى عَنْهُ

رَبَّنَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ كَفَانَا وَاَرْوَانَا

غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مَكْفُوْرٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِيْنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِيْ اَطْعَمَ وَسَقٰى وَسَوَّغَهٗ وَجَعَلَ لَهٗ مَخْرَجًا

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَطْعَمَنِيْ هٰذَا الطَّعَامَ وَرَ

زَقَنِيْهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِّنِّيْ وَلَا قُوَّةٍ مس

وإذا أكل الطعام فليقل اللهم بارك لنا

فيه وأطعمنا خيراً منه ۔ فإن كان لبناً

فليقل اللهم بارك لنا فيه وزدنا منه ۔

إن الله ليرضى عن العبد أن يأكل الأكلة

فيحمده عليها أو يشرب الشربة فيحمده عليها

وإذا غسل يده الحمد لله الذي يُطعِم

ولا يُطعَم منّ علينا فهدانا وأطعمنا وسقانا و

كل بلاء حسن أبلانا الحمد لله غير مودّع

ولا مكافأ ولا مكفور ولا مستغنى عنه الحمد

لِلّٰہِ الَّذِیْ اَطْعَمَ مِنَ الطَّعَامِ وَسَقٰی مِنَ الشَّرَابِ وَکَسٰی

مِنَ الْعُرٰی وَھَدٰی مِنَ الضَّلَالَۃِ وَبَصَّرَ مِنَ الْعَمٰی

وَفَضَّلَ عَلٰی کَثِیْرٍ مِّمَّنْ خَلَقَ تَفْضِیْلًا اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ

رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ اَللّٰھُمَّ اَشْبَعْتَ وَاَرْوَیْتَ

فَھَنِّئْنَا وَرَزَقْتَنَا فَاَکْثَرْتَ وَاَطَبْتَ فَزِدْنَا

وَیَدْعُوْ لِاَھْلِ الطَّعَامِ اَللّٰھُمَّ بَارِکْ لَھُمْ فِیْمَا رَزَقْتَھُمْ

فَاغْفِرْ لَھُمْ وَارْحَمْھُمْ اَللّٰھُمَّ

اَطْعِمْ مَنْ اَطْعَمَنِیْ وَاسْقِ مَنْ سَقَانِیْ وَاِذَا لَبِسَ شَیْئًا

قَالَ اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ خَیْرِہٖ وَخَیْرِ مَا ھُوَ لَہٗ

وَاَعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا هُوَلَهُ وَاِنْ كَانَ

جَدِيدًا اَسْمَاءٌ بِاِسْمِهِ عِمَامَةً اَوْقَمِيصًا اَوْغَيْرَهُ

ثُمَّ يَقُولُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْتَ كَسَوْتَنِيْهِ اَسْئَلُكَ

خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ وَاَعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا

صُنِعَ لَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَسَانِي مَا

اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ فِي حَيٰوتِي

وَمَنْ لَبِسَ ثَوْبًا فَقَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي

هٰذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ غُفِرَلَهُ

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَاَخَّرَ وَاِذَا

رای علی صاحبه ثوبا جدیدا فقال له تبلی و

یخلف الله ابل واخلق ثم ابل واخلق

ابل واخلق فاذا خلع ثیابه فستر ما بین

اعین الجن وعورته ان یقول بسم الله

واذا هم بامر فلیرکع رکعتین من غیر الفریضة

ثم یقل اللھم انی استخیرک بعلمک واستقدرک

بقدرتک واستمدبک واسئلک من فضلک

العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم

انت علام الغیوب اللھم ان کنت تعلم ان ھذا

الامر خیر لی فی دینی ومعاشی وعاقبة امری

او عاجل امری واجله فاقدره لی ویسره لی ثم

بارک لی فیه وان کنت تعلم ان هذا الامر شر

لی فی دینی ومعاشی وعاقبة امری او عاجل

امری واجله فاصرفه عنی واصرفنی عنه واقدر

لی الخیر حیث کان ثم ارضنی به لیکان

خیرا فی دینی معادی وعاقبة امری فقدره

لی ویسره لی فیه وان کان شرا فی دینی معادی

ومعاشی وعاقبة امری فاصرفه عنی واصرفنی

عَنْهُ وَقَدِّرْ لِيَ الْخَيْرَ وَرَضِّنِي بِهٖ

خَيْرًا لِي فِي دِيْنِي وَخَيْرًا لِي فِي مَعِيْشَتِي وَخَيْرًا لِي فِي

عَاقِبَةِ اَمْرِي فَاقْدِرْهُ لِي وَبَارِكْ لِي فِيْهِ وَاِنْ

كَانَ غَيْرُ ذٰلِكَ خَيْرًا لِي فَاقْدِرْ لِيَ الْخَيْرَ

حَيْثُ مَا كَانَ وَرَضِّنِي بِقَدَرِكَ

خَيْرًا لِي فِي دِيْنِي وَمَعِيْشَتِي وَعَاقِبَةِ اَمْرِي فَاقْدِرْهُ

لِي وَيَسِّرْهُ لِي وَاِنْ كَانَ كَذَا وَكَذَا لِلْاَمْرِ

الَّذِي يُرِيْدُ شَرًّا لِي فِي دِيْنِي وَمَعِيْشَتِي وَ

عَاقِبَةِ اَمْرِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي ثُمَّ اقْدِرْ لِيَ الْخَيْرَ

أينما كان لا حول ولا قوة إلا بالله و

أسألك من فضلك ورحمتك فإنهما بيدك

لا يملكهما أحد سواك فإنك تعلم ولا أعلم

وتقدر ولا أقدر وأنت علام الغيوب اللهم

إن كان هذا الأمر الذي يريده خيرا لي

في ديني ودنياي وعاقبة أمري فوفقه و

سهله وإن كان غير ذلك خيرا لي فوفقني للخير

حيث كان فإن كان زواجا

فليكتم الخطبة ثم ليتوضأ فيحسن وضوءه

ثم لیصل ما کتب اللہ لہ ثم لیحمد اللہ و یمجد ثم

لیقل اللّٰهم انك تقدر ولا اقدر و تعلم ولا اعلم

و انت علام الغیوب فان رأیت ان فی فلانة

و تسمیہا باسمہا خیر الی فی دینی و دنیای و آخرتی

فاقدرہا لی وان کان غیرہا خیرا

منہا فی دینی و دنیای و آخرتی فاقدرہا لی

من سعادۃ ابن آدم استخارتہ اللہ و

من شقوتہ ترکہ استخارۃ اللہ وان تولی عقدا

فخطبتہ ان الحمد للہ نحمدہ و نستعینہ و

نستغفره ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن
سيئات اعمالنا من يهده الله فلا مضل له
ومن يضلله فلا هادي له واشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي
خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها
وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله
الذي تساءلون به والارحام ان الله كان
عليكم رقيبا يا ايها الذين امنوا اتقوا الله و

قولوا قولاً سديداً يصلح لكم اعمالكم الا

ته ... ورسوله ارسله بالحق بشيرا ونذيرا

بين يدي الساعة من يطع الله ورسوله فقد

رشد ومن يعصهما فانه لا يضر الا نفسه و

لا يضر الله شيئا ونسأل الله ان يجعلنا

ممن يطيعه ويطيع رسوله ويتبع رضوانه و

يجتنب سخطه فانما نحن به وله مو ... ويقول

لمن تزوج بارك الله لك ج ... وبارك الله

عليك وجمع بينكما في خير عه ... و

فبارك الله عليك ولما تزوج صلى
الله عليه وسلم عليا فاطمة دخل البيت
فقال لفاطمة ائتني بماء فقامت الى قعب
في البيت فاتت فيه بماء فاخذه ومج فيه
ثم قال لها تقدمي وتقدمت فنضح بين ثديها
وعلى راسها وقال اللهم اني اعيذها بك و
ذريتها من الشيطان الرجيم ثم قال ائتوني بماء
فقال علي فعلمت الذي يريد فقمت فملات
العقب ماء واتيته به فاخذه ومج فيه ثم

ثم قال لها اد
برت فض
كتفيها ثم قال
اللهم اني ا
بك وذ
الشيطا
جم

قال تقدم فتقدمت فصب على راسي و بين

يدي ثم قال اللهم اني اعيذه بك وذريته

من الشيطان الرجيم ثم قال ادبر فادبرت

فصب بين كتفي وقال اللهم اني اعيذه

بك وذريته من الشيطان الرجيم ثم قال ادخل

باهلك بسم الله والبركة وإذا

دخل باهله واشترى رقيقا فليأخذ بناصيتها

اللهم اني اسألك من خيرها

وخير ما جبلتها عليه ثم وكذلك

فِي الدَّابَّةِ وَيَأْخُذُ بِذُرْوَةِ سَنَامِ الْبَعِيرِ

وَكَانَ إِذَا اشْتَرَى مَمْلُوكًا قَالَ اللّٰهُمَّ

بَارِكْ فِيهِ وَاجْعَلْهُ طَوِيلَ الْعُمُرِ كَثِيرَ الرِّزْقِ

وَإِذَا أَرَادَ الْجِمَاعَ قَالَ اللّٰهُمَّ جَنِّبْنَا

الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا فَإِذَا أَنْزَلَ

قَالَ اللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيمَا رَزَقْتَنِي

نَصِيبًا وَإِذَا أُتِيَ بِمَوْلُودٍ أَذَّنَ فِي أُذُنِهِ

حِينَ وِلَادَتِهِ وَوَضَعَهُ فِي حِجْرِهِ وَ

حَنَّكَهُ بِتَمْرَةٍ وَدَعَا لَهُ وَبَرَّكَ عَلَيْهِ

وَامَرَ رَسُولُ اللّٰہ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَآلِہٖ وَ
سَلَّمَ بِتَسمِیَۃِ مَولُودٍ یَومَ سَابِعِہٖ وَ وَضعِ الاَذٰی
عَنہُ وَالعَقِّ وَتَعوِیذِ الطِّفلِ اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰہِ
التَّامَّاتِ مِن شَرِّ کُلِّ شَیطَانٍ وَ ھَامَّۃٍ
وَمِن کُلِّ عَینٍ لَامَّۃٍ وَاِذَا اَفصَحَ الوَلَدُ
فَلیُعَلِّمہُ لَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَکَانَ اِذَا اَفصَحَ
الوَلَدُ مِن بَنِی عَبدِ المُطَّلِبِ عَلَّمَہٗ وَقُل الحَمدُ لِلّٰہِ
الَّذِی لَم یَتَّخِذ وَلَدًا الاٰیَۃ اِضرِبُوہُ عَلَی
الصَّلٰوۃِ لِسَبعٍ وَاعزِلُوا فِرَاشَہٗ لِتِسعٍ وَزَوِّجُوہُ

لسبع عشرة فاذا فعل ذلك فليجلسه بين يديه

ثم ليقل لا جعلك الله عليه فتنة . وان كان

سفراً صالحاً وقال استودع الله دينك وامانتك

وخواتيم عملك . واقرء عليك

السلام . وتقول لمن يودعه استودعك و

او استودعكم الله الذي لا يخيب . او لا

يضيع ودائعه . ومن قال له اريد السفر فاوصني

قال له عليك بتقوى الله والتكبير على كل

شرف فاذا ولى قال اللهم اطو له البعد وهون

عليك السفر ... وزودك الله التقوى و

غفر ذنبك ويسر لك الخير حيث ما كنت

جعل الله التقوى زادك وغفر ذنبك و

وجّه لك الخير حيث ما توجهت ... واذا امّر

اميرا على جيش او سرية اوصاه في خاصته

بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيرا ثم قال

اغزوا بسم الله في سبيل الله قاتلوا من كفر

بالله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا

ولا تقتلوا وليدا ... انطلقوا بسم الله و

بِاللّٰہِ وَعَلٰی مِلَّۃِ رَسُوْلِ اللّٰہِ وَلَا تَقْتُلُوْا شَیْخًا فَانِیًا
وَلَا طِفْلًا وَلَا صَغِیْرًا وَلَا امْرَاَۃً وَلَا تَغُلُّوْا وَضُمُّوْا
غَنَائِمَکُمْ وَاَصْلِحُوْا وَاَحْسِنُوْا اِنَّ اللّٰہَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ

فَاِذَا مَشٰی مَعَھُمْ قَالَ انْطَلِقُوْا عَلَی اسْمِ اللّٰہِ
اَللّٰھُمَّ اَعِنْھُمْ — وَاِذَا اَرَادَ سَفَرًا قَالَ اَللّٰھُمَّ
بِکَ اَصُوْلُ وَبِکَ اَحُوْلُ وَبِکَ اَسِیْرُ وَ اِنْ
خَافَ مِنْ عَدُوٍّ اَوْ مِنْ غَیْرِہٖ فَقِرَاءَۃُ لِاِیْلٰفِ
قُرَیْشٍ اَمَانٌ مِّنْ کُلِّ سُوْءٍ مُجَرَّبٌ وَاِذَا
وَضَعَ رِجْلَہٗ فِی الرِّکَابِ قَالَ بِسْمِ اللّٰہِ فَاِذَا

استوی علی ظهرها قال الحمد للہ سبحان الذی
سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الی ربنا
لمنقلبون الحمد لله ثلاث مرات الله اکبر
ثلاث مرات لا اله الا الله مرۃ سبحانک انی ظلمت
نفسی فاغفرلی فانه لا یغفر الذنوب الا انت
فاذا استوی کبر ثلثا وقرء سبحان
الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
وقال اللهم انا نسئلک فی سفرنا هذا البر والتقوی
ومن العمل ما ترضی اللهم هون

عَلَيْنَا سَفَرَنَا هٰذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيْفَةُ فِي الْاَهْلِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَاٰبَةِ

الْمَنْظَرِ وَسُوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَ

الْوَلَدِ وَاِذَا رَجَعَ قَالَهُنَّ وَزَادَ فِيْهِنَّ اٰئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ

عَابِدُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ وَاِذَا رَكِبَ

مَدَّ اِصْبَعَهٗ وَقَالَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِي

السَّفَرِ وَالْخَلِيْفَةُ فِي الْاَهْلِ اَللّٰهُمَّ اَصْحِبْنَا

بِنُصْحِكَ وَاقْلِبْنَا بِذِمَّةٍ اَللّٰهُمَّ ازْوِلَنَا الْاَرْضَ

وهوّن علينا السّفر اللّهمّ انّي اعوذ بك من

وعثاء السّفر وكآبة المنقلب ... من ما

بعير الّا في ذروته شيطان فاذكروا اسم الله

عزّ وجلّ اذا ركبتموه كما امركم الله ثمّ ا

متهنوها لانفسكم فانّما يحمل الله عزّ وجلّ ... ونعوذ

في السّفر من وعثاء السّفر وكآبة المنقلب و

الحور بعد الكور ودعوة المظلوم وسوء

المنظر في الاهل والمال ... اللّهمّ

بلاغا يبلغ خيرا ومغفرة منك ورضوانا بيدك

الخير انك على كل شيء قدير اللهم انت الصاحب

في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون علينا

السفر واطو لنا الارض اللهم اني اعوذ بك من

وعثاء السفر وكآبة المنقلب اللهم

انت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل

اللهم اصحبنا في سفرنا واخلفنا في اهلنا

واذا علا ثنية كبر واذا هبط سبح

واذا اشرف على واد هلل وكبر

وان عثرت به دابته فليقل بسم الله

وإذا ركب البحر أمان من الغرق أن يقول

بسم الله مجريها ومرسها وما قدروا الله حق قدره

الآية يعني في سورة الزمر وإذا انفلتت

دابته فليناد أعينوني يا عباد الله رحمكم

الله وإذا أراد عونا فليقل يا عباد الله

أعينوني وقد جرب ذلك وإذا أشرف

على مكان مرتفع قال اللهم لك الشرف على

كل شرف ولك الحمد على كل حال

وما أضللت رأى بلدا يريد دخولها قال حين يراها

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَمَا اَظْلَلْنَ وَرَبَّ
الْاَرَضِيْنَ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبَّ الشَّيَاطِيْنِ وَمَا
اَضْلَلْنَ وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ فَاِنَّا نَسْئَلُكَ خَيْرَهَا
وَخَيْرَ اَهْلِهَا وَنَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ اَهْلِهَا
وَشَرِّ مَا فِيْهَا اَسْئَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا
وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا وَعِنْدَ
مَا يُرِيْدُ اَنْ يَدْخُلَهَا اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْهَا
ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا جَنَاهَا وَحَبِّبْنَا
اِلٰى اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِيْ اَهْلِهَا اِلَيْنَا وَاِذَا

نزل منزلا اعوذ بكلمات الله التامات من

شر ما خلق فانه لم يضره شيء حتى يرتحل

واذا امسى واقبل الليل

يا ارض ربي وربك الله اعوذ بالله من شرك

وشر ما خلق فيك وشر ما يدب عليك واعوذ

بالله من اسد واسود والحية والعقرب ومن

شر ساكن البلد ومن شر والد وما ولد

ووقت السحر يقول سمع سامع

بحمد الله ونعمته وحسن بلائه علينا ربنا

صاحبنا وافضل علينا عائذا بالله من النار

وقال صلی الله علیه واله و

سلم اتحب یا جبیر اذا خرجت فی سفر ان تكون

امثل اصحابك هيئة واكثرهم زادا فقلت

نعم بابی انت وامی فاقرء هذه السور

الخمس قل یا ایها الکافرون واذا جاء نصر

الله وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق

وقل اعوذ برب الناس وافتتح كل سورة

ببسم الله الرحمن الرحيم واختم قراءتك بها

قَالَ جُبَيْرٌ وَكُنْتُ غَنِيًّا كَثِيْرَ الْمَالِ وَكُنْتُ
اَخْرُجُ فِيْ سَفَرٍ فَاَكُوْنُ اَبَذَّهُمْ هَيْئَةً وَّاَقَلَّهُمْ زَادًا
فَمَا زِلْتُ مُنْذُ عَلِمْتُهُنَّ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَقَرَاْتُ بِهِنَّ اَكُوْنُ مِنْ
اَحْسَنِهِمْ هَيْئَةً وَّاَكْثَرِهِمْ زَادًا حَتّٰى اَرْجِعَ مِنْ
سَفَرِيْ مَا رَاكِبٌ يَّخْلُوْا فِيْ مَسِيْرِهٖ بِاللّٰهِ وَذِكْرِهٖ
اِلَّا رَدِفَهُ اللّٰهُ بِمَلَكٍ وَّلَا بِشِعْرٍ وَّنَحْوِهٖ اِلَّا
رَدِفَهُ بِشَيْطَانٍ وَاِنْ كَانَ فِيْ حَجٍّ فَاِذَا
اسْتَوَيْتَ بِهٖ رَاحِلَتَهُ عَلَى الْبَدَاءِ حَمِدَ اللّٰهَ

وَسَبَّحَ وَكَبَّرَ فَاِذَا اَحْرَمَ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ

لَبَّيْكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَ

الْخَيْرُ بِيَدَيْكَ لَبَّيْكَ وَالرَّغْبَاءُ اِلَيْكَ وَالْعَمَلُ

لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ

وَاِذَا فَرَغَ مِنْ تَلْبِيَتِهٖ سَئَلَ اللّٰهَ مَغْفِرَتَهٗ وَرِضْوَانَهٗ

وَاسْتَعْفَاهُ مِنَ النَّارِ فَاِذَا طَافَ كُلَّمَا

اَتَى الرُّكْنَ كَبَّرَ وَيَقُوْلُ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا

عَذَابَ النَّارِ وَكَذٰلِكَ بَيْنَ

الركن والحجر وفي الطواف او بين
الركنين والمقام اللهم قنعني بما رزقتني
وبارك لي فيه واخلف على كل غائبة لي
بخير لا اله الا الله وحده لا شريك له
له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير
فاذا فرغ من الطواف تقدم الى مقام
ابراهيم وقرء واتخذوا من مقام ابراهيم مصلى
وجعل المقام بينه وبين البيت وصلى ر
كعتين يقرء في الاولى قل يا ايها الكافرون

وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ثُمَّ يَرْجِعُ اِلَى الرُّكْنِ

فَلْيَسْتَلِمْهُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ الْبَابِ اِلَى الصَّفَا فَاِذَا دَنَى

مِنْهُ قَرَءَ اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ اَبْدَأُ

بِمَا بَدَأَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ فَيَرْقَى الصَّفَا حَتّٰى يَرَى

الْبَيْتَ فَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيُوَحِّدُ اللّٰهَ وَيُكَبِّرُهُ وَ

يَقُوْلُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ

وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ

وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ ثُمَّ يَدْعُوْ بَيْنَ ذٰلِكَ وَيَقُوْلُ

مثل هذا ثلاث مرات ثم نزل المروة حتى اذا

انصبت قدماه في بطن الوادي سعى حتى اذا صعد

مشى حتى اذا اتى المروة فعل على المروة كما

فعل على الصفا ۔ واذا رقى الصفا

كبر ثلاثا ويقول لا اله الا الله وحده لا

شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء

قدير يصنع ذلك سبع مرات فيصير من التكبير

احدى وعشرون ومن التهليل سبع ويدعو فيما

بين ذلك ويسئل الله ثم هبط فاذا رقى

عَلَى الْمَرْوَةِ ضَعْ كَمَا ضَعْ عَلَى الصَّفَا
وَيَدْعُوا عَلَى الصَّفَا اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ ادْعُوْنِيْ
اَسْتَجِبْ لَكُمْ وَاِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ وَاِنِّيْ
اَسْئَلُكَ كَمَا هَدَيْتَنِيْ لِلْاِسْلَامِ اَنْ لَا تَنْزِعَهُ مِنِّيْ
حَتّٰى تَتَوَفَّانِيْ وَاَنَا مُسْلِمٌ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ
رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ
وَاِذَا سَارَ اِلٰى عَرَفَاتٍ لَبّٰى وَكَبَّرَ
خَيْرُ الدُّعَآءِ دُعَاءُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَخَيْرُ مَا قُلْتُ اَنَا
وَالنَّبِيُّوْنَ قَبْلِيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ لَهُ

الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير

اكثر دعائي ودعاء الانبياء قبلي بعرفة لا اله

الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد

وهو على كل شيء قدير اللهم اجعل في

قلبي نورا وفي سمعي نورا وفي بصري نورا اللهم

اشرح لي صدري ويسر لي امري واعوذ

بك من وساوس الصدر وشتات الامر وفتنة

القبر اللهم اني اعوذ بك من شر ما يلج في

الليل ومن شر ما يلج في النهار وشر ما تهب

بِهِ الرِّبَاحَ وَالتَّلْبِيَةُ بِعَرَفَاتٍ سُنَّةٌ

وَلَمَّا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ قَالَ لَبَّيْكَ اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَ

قَالَ اِنَّمَا الْخَيْرُ خَيْرُ الْاٰخِرَةِ فَاِذَا صَلَّى الْعَصْرَ

وَوَقَفَ بِعَرَفَةَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَيَقُوْلُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَ

لِلّٰهِ الْحَمْدُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ بِالْهُدٰى

وَنَقِّنِيْ بِالتَّقْوٰى وَاغْفِرْ لِيْ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى

ثُمَّ يَرُدُّ يَدَيْهِ فَسَكَتَ قَدْرَ مَا يَقْرَءُ اِنْسَانٌ فَاتِحَةً

الكتاب ثم يعود فيرفع يديه ويقول

ذلك وإذا رجع وأتى المشعر الح

استقبل القبلة فدعاه وكبره وهلله وو

فلم يزل واقفا حتى أسفر جدا

ولم يزل يلبي حتى يرمي الجمرة أي ج

العقبة وإذا أراد رمي الجمار فإذا أتى الج

الدنيا رماها بسبع حصيات يكبر

إثر كل حصاة أو مع كل حصاة

ثم يتقدم فيسهل فيقوم مستقبل الق

قياماً طويلاً فيدعوا ويرفع يديه ثم يرمي الجمرة
الوسطى كذلك فيأخذ ذات الشمال فليسهل
ويقوم مستقبل القبلة قياماً طويلاً فيدعو ويرفع
يديه ثم يرمي الجمرة ذات العقبة من بطن الوادي
ولا يقف عندها ويستبطن الوادي حتى اذا
فرغ قال اللهم اجعله حجاً مبروراً وذنباً
مغفوراً امش ويدعوا عند الجمرات كلها
ولا يوقت شيئاً مع واذا ذبح سمى وكبر ووضع
رجله على صفاحها اي عرضها ع ويقول في

الاضحیة بسم اللہ اللھم تقبل منی ومن امة محمد

انی وجھت وجھی للذی فطر السموات والارض

علی ملة ابرھیم حنیفا مسلما وما انا من المشرکین

ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی للہ رب العالمین

لا شریک لہ وبذلک امرت وانا من المسلمین اللھم

منک ولک بسم اللہ واللہ اکبر ثم یذبح

وقال صلی اللہ علیہ والہ وسلم لفاطمة قومی الی

اضحیتک فاشھدیھا فانہ یغفر لک عند اول قطرة

من دمھا کل ذنب عملتہ وقولی ان صلوتی ونسکی

إلى آخره قال عمران قلت يا رسول الله هذا لك

ولأهل بيتك خاصة قال بل للمسلمين عامة

فإن كانت بدنة فليقمها ثم ليقل الله أكبر الله

أكبر الله أكبر اللهم منك ولك ثم ليسم الله ثم ينحر و

إن كان عقيقة فعل كالأضحية ويسمي

على العقيقة كما يسمي على الأضحية بسم الله عقيقة

فلان وإذا دخل بيتا كبر في نواحيه كلها

فإذا خرج ركع في قبل البيت ركعتين و

دخل النبي صلى الله عليه وآله وسلم الكعبة

وفي روا

في نواح

هُوَ وَاُسَامَةُ وَعُثْمَانُ بْنُ طَلْحَةَ الْحَجَبِيُّ وَبِلَالُ ابْنُ

رَبَاحٍ فَاَغْلَقَهَا عَلَيْهِ وَمَكَثَ فِيْهَا فَسَاَلْتُ بِلَالًا حِيْنَ

خَرَجَ مَاذَا صَنَعَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

وَسَلَّمَ فَقَالَ جَعَلَ عَمُوْدًا عَنْ يَسَارِهٖ وَعَمُوْدَيْنِ عَنْ

يَمِيْنِهٖ وَثَلَاثَةَ اَعْمِدَةٍ وَرَاءَهٗ وَكَانَ الْبَيْتُ يَوْمَئِذٍ عَلٰى

سِتَّةِ اَعْمِدَةٍ ثُمَّ صَلّٰى وَلَمَّا دَخَلَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ الْبَيْتَ اَمَرَ بِلَالًا فَاَجَافَ الْبَابَ وَ

الْبَيْتُ اِذْ ذَاكَ عَلٰى سِتَّةِ اَعْمِدَةٍ فَمَضٰى حَتّٰى اِذَا كَانَ

بَيْنَ الْاُسْطُوَانَتَيْنِ اللَّتَيْنِ تَلِيَانِ بَابَ الْكَعْبَةِ

جلس فحمد الله واثنى عليه وسأله واستغفره ثم

قام حتى اذا اتى ما استقبل من دبر الكعبة فوضع

وجهه وخده عليه وحمد الله واثنى عليه وسأله

واستغفره ثم انصرف الى كل ركن من اركان

الكعبة فاستقبله بالتكبير والتهليل والتسبيح

والثناء على الله والمسألة والاستغفار ثم خرج

فصلى ركعتين مستقبل وجه الكعبة ثم انصرف

واذا شرب ماء زمزم فليستقبل الكعبة

وليذكر اسم الله وليتنفس ثلثا وليتضلع منها فاذا

فرغ فليحمد الله ان آية ما بيننا وبين المنافقين

لا يتضلعون من زمزم وماء زمزم لما

شرب له فان شربته تستشفي به شفاك الله وان

شربت مستعيذا اعاذك الله وان شربته ليقطع

ظماك قطعه وكان ابن عباس اذا شرب ماء

زمزم قال اللهم اني اسألك علما نا

فعا ورزقا واسعا وشفاء من كل

دهنده و روزی فراخ و صحت از همه

داء ولما اتى الامام الحجة

مرض و چون آمد امام حجة اسلام

عبد الله ابن المبارك زمزم واستقى منه

عبد الله ابن مبارک بر زمزم وکرفت از ان شربت

شربه ثم استقبل القبلة قال اللهم

سر به بنا پس رو بروا ستاد بقبله را گفت ای بار خدایا

ان ابن ابی الموال حدثنا عن محمد بن المنکدر عن

بدرستی پسر ابی الموال حدیث کرد ما را از محمد پسر منکدر و از حضرت

جابر ان رسول الله صلی الله علیه واله وسلم

جابر گفت که رسول خدا درود خدا بروی باد و بر آل و اولاد او و سلام

قال ماء زمزم لما شرب له وهذا اشربه لعطش

فرمود آب زمزم برای آنچه خورده شود برای آن و اینک آب زمزم می نوشم جهت تشنگی

یوم القیمة ثم شرب قلت هذا اسناد صحیح والرا

روز قیمت پس خورد گفتم این سند صحیح است و راوی

وی عن ابن المبارک ذالک سوید بن سعید ثقة روی

وی از پسر مبارک این سوید از پسر سعید معتبر است روایت کرده

له المسلم فی صحیحه وابن ابی الموال ثقة روی

امام مسلم در کتاب صحیح و پسر ابی الموال معتبر است روایت کرده

له البخاری فی صحیحه فصح الحدیث والحمد لله

او را صاحب کتاب بخاری در صحیح خود پس صحیح شد حدیث و سپاس مر خدا را است

وان كان سفر غزاة او لقي العدو اللهم

واگر باشد سفر جهاد [illegible] دشمن را [illegible] ای بار خدایا

انت عضدي وانت نصري بك احول وبك

توئی قوت بازوی من وتوئی یاور من بتو حمله میکنم [illegible]

اقاتل [illegible] رب بك اقاتل وبك

کارزار [illegible] کارزار میکنم وبتو

اصاول ولا حول ولا قوة الا بك اللهم

غلبه میکنم ونیست [illegible] ونه توانائی [illegible] بار خدایا

انت عضدي وانت ناصري وبك اقاتل

توئی قوة بازوی من وتوئی نصرت دهنده من وبتو کارزار میکنم

واذا ارادوا لقاء العدو انتظر الامام حتى مالت

وچون خواستند [illegible] دشمن را انتظار برد امام تا مایل گردید

الشمس ثم قام فقال يا ايها الناس لا تتمنوا

آفتاب پس [illegible] ای گروه مردمان آرزو مکنید

لقاء العدو وسئلوا الله العافية فاذا لقيتموهم

دیدار دشمن را وبخواهید از خدا عافیت را پس چون ملاقات کردید

فاصبروا واعلموا ان الجنة تحت ظلال السيوف

ایشان را پس شکیبائی نمائید وبدانید بدرستی بهشت زیر سایه شمشیرها ست

ثُمَّ قَالَ اَللّٰهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَمُجْرِيَ السَّحَابِ
پس فرمود اي بار خدايا فرو فرستنده كتاب و روان كننده ابرها

وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ اهْزِمْهُمْ وَانْصُرْنَا عَلَيْهِمْ
و گريزاننده گروهها را بگريزان ايشان را و نصرت ده ما را بر ايشان

اَللّٰهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ سَرِيعَ الْحِسَابِ اهْزِمِ
اي بار خدا نازل كننده كتاب زود نزديك حساب را بگريزان

الْأَحْزَابَ اَللّٰهُمَّ اهْزِمْهُمْ وَزَلْزِلْهُمْ وَ
گروهها را اي بار خدا بگريزان ايشان را و بجنبان ايشان را

إِذَا أَشْرَفَ عَلَى بَلَدِهِمْ اللهُ أَكْبَرُ خَرِبَتْ أَيْ
چون در آمد بر شهر ايشان فرمود خدا بزرگتر است خراب شد شد يعني

يُسَمِّي الْبَلْدَةَ الَّتِي قَصَدَهَا إِنَّا إِذَا نَزَلْنَا بِسَاحَةِ
نام كرد آن شهر را كه اراده كرده است بدرستي كه ما چون فرود آئيم بميدان

قَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ثَلَاثَ
گروهي پس بد است بامداد بيم شدگان

مَرَّاتٍ وَإِنْ خَافَ قَوْمًا اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي
بار و اگر ترسيد از گروهي اي بار خدا بدرستي ما ميگردانيم ترا در

نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ
سينهاي ايشان و پناه ميبريم بتو از بديهاي ايشان

فَاِنْ حَضَرَهُمْ عَدُوٌّ اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِنَا وَاٰمِنْ رَوْ

پس اگر حاضر شود ایشان را دشمن پس گوید بار خدایا بپوشان برهنگی ما را و ایمن کن ت

عَاتِنَا فَاِنْ اَصَابَتْهُ جِرَاحَةٌ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ

رسهای ما را پس اگر رسید او را جراحتی گوید بنام خدا

فَاِذَا انْهَزَمَ الْعَدُوُّ وَسَوَّى الْاِمَامُ الْجَيْشَ صُفُوفًا

پس چون منهزم شد دشمن و راست کند امام لشکر را صفها پس

خَلْفَهُ ثُمَّ قَالَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ لَا قَابِضَ

خود پس گوید بار خدایا تراست حمد همه آن نیست قبض کننده

لِمَا بَسَطْتَ وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ وَلَا هَادِيَ لِمَنْ

مر آنرا که گشاده ای و نیست گشاینده مر آنرا که بسته و نیست راه نماینده مر آنرا

اَضْلَلْتَ وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا

که گمراه کردی و نیست گمراه کننده مر آنرا که راه نمودی و نیست دهنده مر آنرا

مَنَعْتَ وَلَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَيْتَ وَلَا مُقَرِّبَ لِمَا

که منع کردی و نیست منع کننده آنرا که دادی و نیست مقرب کننده آنرا

بَاعَدْتَ وَلَا مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ اَللّٰهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا

که دور کردی و نیست دور کننده آنرا که نزدیک کرده ای بار خدایا بگستران بر ما

مِنْ بَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ

از برکتهای خود و رحمت خود و فضل خود و روزی خود

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ النَّعِیمَ الْمُقِیمَ الَّذِی لَا یَحُولُ

ای بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو نعمتهای پاینده که نه متغیر شوند

وَلَا یَزُولُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ الْاَمْنَ یَوْمَ الْخَوْفِ

و نه زایل شوند ای بار خدایا بدرستی که من میخواهم از تو امن روز ترس

اَللّٰهُمَّ اِنِّی عَائِذٌ مِنْ شَرِّ مَا اَعْطَیْتَنَا وَمِنْ شَرِّ مَا

ای بار خدایا بدرستی که من پناه گیرنده‌ام از بدی آنچه دادی تو ما را و از بدی آنکه باز

مَنَعْتَنَا اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَیْنَا الْاِیمَانَ وَزَیِّنْهُ فِی

داشتی از ما ای بار خدایا محبوب کن بسوی ما ایمان را و آراسته کن او را

قُلُوبِنَا وَکَرِّهْ اِلَیْنَا الْکُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْیَانَ

در دلهای ما و ناخوش کن بسوی ما کفر را و نافرمانی و گناه را

وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِینَ اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِینَ

و بگردان ما را از راه یافتگان ای بار خدایا بمیران ما را مسلمانان

وَاَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِینَ غَیْرَ خَزَایَا وَلَا مَفْتُونِینَ اَللّٰهُمَّ

و رسان ما را به نیکوکاران در حالی که نباشیم رسوا و آشفتگان ای بار خدایا

قَاتِلِ الْکَفَرَةَ الَّذِینَ یُکَذِّبُونَ رُسُلَکَ وَیَصُدُّونَ

کارزار کن با کافران که تکذیب کرده‌اند فرستادگان ترا و باز میدارند

عَنْ سَبِیلِکَ وَاجْعَلْ عَلَیْهِمْ رِجْزَکَ وَعَذَابَکَ اِلٰهَ

از راه تو و بگردان بر ایشان خود غضب و عذاب خود ای

اللّٰهمّ اسلم من ويعلم ... امن الحقّ

اغفرلي وارحمني واهدني وارزقني ... فاذا

رجع من سفره يكبّر على كلّ شرف من الارض

ثلاث تكبيرات ثمّ يقول لا اله الّا الله وحده لا

شريك له له الملك وله الحمد وهو على كلّ

شيءٍ قدير آئبون تائبون عابدون ساجدون

سائحون لربّنا حامدون صدق الله وعده

ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده

فاذا اشرف على بلده آئبون تائبون لربّنا

حامدون ولا يزال يقولها حتى يدخل بلدة

حمد گو گو یان و همچنین بگوید این را تا در آید در شهر

واذا دخل الى اهله قال توبا لربنا اوبا

و چون در آید بر اهل خود بگوید بازگشتم از گناه بپروردگار خویش

لا يغادر علينا حوبا ومن نزل به غم او

که نگذارد بر ما گناه و هر که را فرود آید اندوه یا

امر مهم فليقل لا اله الا الله العظيم الحليم لا

کاری مشکل پس باید بگوید نیست معبود بحق مگر خدا بزرگ بردبار نیست

اله الا الله رب العرش العظيم لا اله الا الله

معبود بحق مگر خدا پروردگار عرش بزرگ نیست معبود بحق مگر خدا

رب السموات والارض رب العرش الكريم

پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش عظیم

لا اله الا الله الحليم الكريم

نیست معبود بحق مگر خدا بردبار صاحب کرم

لا اله الا الله رب العرش العظيم لا اله الا الله

نیست معبود بحق مگر خدا پروردگار عرش بزرگ نیست معبود بحق مگر خدا

رب السموات ورب الارض رب العرش الكريم

پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش عظیم

نیز لا اله الا الله الحلیم العظیم لا اله الا الله رب
نیست معبود جز خدای بردبار بزرگ نیست معبود جز خدای پروردگار
العرش العظیم ثم یدعوا بعد لا اله الا الله
عرش بزرگ پس دعا خواهد بعد از آن نیست معبود جز خدای
الحلیم الکریم سبحان الله وتبارک الله رب العرش
بردبار کریم پاکیست خدا را و بزرگیست خدا پروردگار عرش
العظیم والحمد لله رب العالمین
عظیم و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمها
لا اله الا الله الحلیم الکریم و
نیست معبود جز الله بردبار کریم
سبحان رب السموات السبع ورب العرش
پاکیست خدا پروردگار آسمانهای هفت و رب العرش
العظیم الحمد لله رب العالمین اللهم انی اعوذ
بزرگ سپاس مر خدا را که پروردگار عالمها است ای بار خدایا بدرستی پناه میبرم
من شر عبادک صحیح السند لابن ابی عاصم فی
از بدی بندگان تو
کتابه الدعاء حسبنا الله ونعم الوکیل
بس است ما را خدا و نیکو کارساز

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

کافیست ما را خدای و نیکو کارساز

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا اُشْرِكُ بِهٖ شَيْئًا

خدا خدا [illegible] من [illegible] باو چیزی را

اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا اُشْرِكُ بِهٖ شَيْئًا اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لَا

پروردگار من [illegible] خدا [illegible] باو چیزی [illegible] پروردگار [illegible]

اُشْرِكُ بِهٖ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي

[illegible]

لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

[illegible] وسپاس مر خدا را که نگرفت فرزند را

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ

ونیست مر او را انباز [illegible] پادشاهی و نباشد مر او را دوستی

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُمَّ رَحْمَتَكَ

خواری و به بزرگی یاد کن ای بار خدایا رحمت

اَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَاَصْلِحْ لِي

امید میدارم پس مسپار مرا بسوی نفس من مقدار بر هم زدن چشم و شایسته کن مرا

شَاْنِي كُلَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

کار من همه را — نیست معبود بحق مگر تو

يا حيّ يا قيّوم برحمتك استغيث ... ويكرّرو
اى زنده اى باينده برحمت تو فرياد ميخواهم ... وتكرار كند اين

هو ساجد يا حيّ يا قيّوم ... لا اله الّا
اودر سجده باشد ... نيست معبودى بجز

انت سبحانك انّى كنت من الظالمين
تو ... پاكست ... بدرستى من بوده ام از ستمكاران

لم يدع بها رجل مسلم فى شيئ قطّ الّا استجاب
دعا ميكند باين مرد ... در چيزى البته ...

الله له ... وما قال عبد اصابه همّ
خدا مر او را ... ونه گفت ... بنده كه رسيده باشد ...

او حزن اللّهمّ انّى عبدك وابن عبدك
يا اندوه ... اى بار خدا بدرستى من بنده تو ام و پسر بنده ...

وابن امتك ناصيتى بيدك ماض فى حكمك
و پسر پرستار تو ... پيشانى من بدست ... جارى ... حكم تو

عدل فى قضاءك اسئلك بكلّ اسم هو لك
محكم است در قضاى تو ميخواهم از تو ... كه او مر تراست

سمّيت به نفسك او انزلته فى كتابك او
نام نهادى تو بآن ذات خود ... فرستادى ... در كتاب خود يا

عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ

الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ رَبِيعَ

قَلْبِي وَنُورَ بَصَرِي وَجَلَاءَ حُزْنِي وَذَهَابَ هَمِّي إِلَّا

أَذْهَبَ اللّٰهُ هَمَّهُ وَأَبْدَلَ مَكَانَ حُزْنِهِ فَرَجًا

مَنْ قَالَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ كَانَتْ

لَهُ دَوَاءً مِنْ تِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ دَاءً أَيْسَرُهَا الْهَمُّ

مَنْ لَزِمَ الْاِسْتِغْفَارَ مَنْ

أَكْثَرَ مِنَ الْاِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللّٰهُ لَهُ مِنْ كُلِّ

ضِيقٍ مَخْرَجًا وَمِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ

حيث لا يحتسب وتقدم ما يقول

من نزل به كرب او شق عند سماعه

المؤذن وان توقع بلاء او امرا مهولا او

وقع في امر عظيم قال حسبنا الله ونعم الوكيل

وان اصابته مصيبة فليقل انا لله و

انا اليه راجعون اللهم عندك احتسب مصيبتي

فاجرني فيها وابدلني منها خيرا انا

لله وانا اليه راجعون اللهم اجرني في مصيبتي

واخلف لي خيرا منها واذا خاف احدا اللهم

اكفناه بما شئت صحيح رواه ابو نعيم في
کفایت کن ما را از ایشان بآنچه خواهی صحیح روایت کرد آنرا ابو نعیم در کتاب
المستخرج على مسلم اللهم انا نعوذ بك من شرو
مستخرج بر مسلم بار خدایا ما پناه میگیریم بتو از بدیهای
رهم وندرء بك في نحورهم اللهم اني اجعلك
ایشان و میکنیم ترا در مقابل سینهای ایشان بار خدایا من میگردانم ترا
في نحورهم واعوذ بك من شرورهم وان
در مقابل سینهای ایشان و پناه میگیرم بتو از بدیهای ایشان و اگر
خاف سلطانا او ظالما فليقل الله اكبر
ترسد از بادشاه یا ستمکاری پس باید که بگوید خدا بزرگتر است
الله اعز من خلقه جميعا الله اعز مما اخاف و
خدا غالبتر است از خلق تمام او همه خدا غالبتر است از آنچه میترسم و
احذر اعوذ بالله الذي لا اله الا هو الممسك السماء
حذر میکنم پناه میگیرم بخدا که نیست معبودی مگر او نگاهدارنده آسمان
ان تقع على الارض الا باذنه من شر عبدك فلان
از آنکه بیفتد بر زمین مگر بحکم او از بدی بنده تو فلان
وجنوده واتباعه واشياعه من الجن والانس
و لشکرهای او و پیروان او و دوستان او از جن و انس

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِي جَارًا جَلَّ ثَنَاءُكَ وَعَزَّ جَارُكَ

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اَللّٰهُمَّ

اِنَّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا اَحَدٌ مِنْهُمْ اَوْ

اَنْ يَطْغٰى اَللّٰهُمَّ اِلٰهَ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ

وَاِسْرَافِيلَ وَاِلٰهَ اِبْرَاهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَ

اِسْحٰقَ عَافِنِي وَلَا تُسَلِّطَنَّ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ

بِشَيْءٍ لَا طَاقَةَ لِي بِهٖ رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا

خوشنود شدم

وَبِالْاِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْاٰنِ كِتَابًا

و به اسلام ... و قرآن کریم کتاب

حَكَمًا وَاِمَامًا وَاِنْ خَافَ شَيْطَانًا فَلْيَقُلْ

حکم و امام و اگر ترسید از شیطانی ابلیس باید بگوید

أَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَبِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ

پناه میبرم بذات خداوند کریم و بسخنهای خدا [illegible] کننده

الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

که [illegible] نیکوکار و بدکار از بدی آنچه آفرید

وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ

و [illegible] و از بدی آنچه فرود آید از آسمان و

مِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَ

و از بدی آنچه بالا میرود در آن و از بدی آنچه آفرید در ز

رْضِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ

مین و از بدی آنچه بیرون آید از آن و از بدی فتنه

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا

شب و روز و از بدی هر در آینده مگر

طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمٰنُ

در آینده که در آید به نیکوئی ای بخشنده

وَإِذَا تَغَوَّلَتِ الْغِيلَانُ يَقُولُ نَادَى بِالْأَذَانِ

و چون ظاهر شود غولان بیابان بگوید آواز دهید بانگ

وَقِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ . وَمَنْ فَزِعَ

و بخواند آیة الکرسی و هر که بترسد

فَلْيَقُلْ اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ

پس بايد بگويد پناه ميبرم بسخنهاى خداى تمام از

غَضَبِهٖ وَشَرِّ عِبَادِهٖ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ

غضب او و بدى بندگان او و از وسوسهاى شيطانان

وَاَنْ يَحْضُرُوْنِ وَمَنْ غَلَبَهٗ اَمْرٌ فَلْيَقُلْ

و از آنكه حاضر شوند و هر كه غالب شود بر او كارى پس بگويد

حَسْبِىَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ وَمَنْ

كافيست مرا خدا و نيكو كارساز و هر كه

وَقَعَ لَهٗ مَا لَا يَخْتَارُهٗ فَلَا يَقُلْ لَوْ اَنِّىْ فَعَلْتُ كَذَا وَ

واقع شود مر او را آنچه اختيار نكند پس نبايد بگويد اگر من ميكردم چنان و

كَذَا وَلٰكِنْ لِيَقُلْ بِقَدَرِ اللّٰهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ

چنين و ليكن بايد بگويد بقدرت خدا و آنچه خواست كرد

وَاِنِ اسْتَصْعَبَ عَلَيْهِ اَمْرٌ فَلْيَقُلْ

و اگر دشوار شود بروى كارى بگويد

اَللّٰهُمَّ لَا سَهْلَ اِلَّا مَا جَعَلْتَهٗ سَهْلًا وَاَنْتَ

اى بار خدايا نيست كار آسان مگر آنچه گردانيدى تو آنرا آسان و تو

تَجْعَلُ الْحَزْنَ سَهْلًا اِذَا شِئْتَ وَمَنْ كَانَ

ميگردانى غم را آسان چون خواهى تو و هر كه باشد

لہ حاجة الی الله تعالی او الی احد من بنی آدم

فلیتوضأ ولیحسن وضوءه ثم لیصل رکعتین

ثم لیثن علی الله ولیصل علی النبی صلی الله

علیه وآله وسلم ولیقل لا اله الا الله الحلیم

الکریم سبحان الله رب العرش العظیم

الحمد لله رب العالمین اسألك موجبات رحمتك

وعزائم مغفرتك والعصمة من کل ذنب

والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم

لا تدع لی ذنبا الا غفرته ولا هما الا

فرجته ولا حاجة هي لك رضا الا قضيتها

دور کنی ... و نه حاجتی ... آن را ... تمام کنی آن را

يا ارحم الراحمين ومن كانت له ضرورة

ای بخشنده‌ترین بخشندگان و هر کرا باشد مر او را ضرورتی

فليتوضأ فيحسن وضوءه ويصلي

پس باید که وضو کند پس نیکو کند وضوی او را و نماز خواند

ركعتين ثم يدعوا اللهم اني اسئلك و

دو رکعت پس بخواند ای الله بدرستی که من میخواهم از تو و

اتوجه اليك بنبيك محمد نبي الرحمة يا محمد

توجه میکنم بسوی تو به پیغمبر تو حضرت محمد ... رحمت یا محمد

اني اتوجه بك الى ربي في حاجتي هذه لتقضى

بدرستی که من توجه کردم بسوی تو ... در حاجت خود ... تا روا شود

لي اللهم فشفعه في ومن اراد

برای من ای الله پس شفیع کن او را ... و هر که اراده کند

حفظ القرآن فاذا كانت ليلة الجمعة فان استطاع

... پس چون باشد شب جمعه پس اگر تواند

ان يقوم في ثلث الليل الاخير فليقم فانها

که برخیزد در سوم حصه شب آخر پس باید برخیزد پس بتحقیق

ساعةٌ مشهودةٌ والدعاءُ فيها مستجابٌ فان لم

يستطع ففي وسطها فان لم يستطع ففي اوّلها

فيصلّي اربع ركعاتٍ يقرءُ في الاولى الفاتحة

ويٰس وفي الثانية الفاتحة وحٰم الدخان وفي

الثالثة الفاتحة والٓمٓ تنزيل السجده وفي الرابعة

الفاتحة وتبارك الذي بيده الملك واذا فرغ

من التشهّد فليحمد الله وليحسن الثناء على الله

تعالى وليصلّ على النبي صلّى الله عليه واٰله و

سلّم وليحسن وعلى سائر النبيّين وليستغفر

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلِإِخْوَانِهِ الَّذِينَ سَبَقُوهُ

برای مومنان و زنان مومن و برای برادران خود که پیشی گرفتند

بِالْإِيمَانِ ثُمَّ لِيَقُلْ فِي آخِرِ ذَلِكَ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي

به ایمان پس باید که بگوید در آخر این دعا ای بارخدایا رحمت کن مرا

بِتَرْكِ الْمَعَاصِي أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَارْحَمْنِي أَنْ

به ترک گناهان همیشه تا که زنده داری مرا و رحمت کن بر من از آنکه

أَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِينِي وَارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ

رنج کشم بکاری که مشغول نباشد مرا و روزی کن مرا نیکوئی دیدن

فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي اللَّهُمَّ بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ

در آنچه خوشنود گردانید ترا از من ای بارخدایا ای پدید آرنده آسمانها و زمین

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْعِزَّةِ الَّتِي لَا تُرَامُ

خداوند بزرگی و بخشش و ارجمندی آنکه در نیافته شود

أَسْأَلُكَ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ بِجَلَالِكَ وَنُورِ وَجْهِكَ

میخواهم از تو ای الله ای بخشنده به بزرگی تو و نور ذات تو

أَنْ تُكْرِمَ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي

آنکه لازم کنی دل مرا یاد کردن کتاب خود چنانچه آموختی مرا

وَارْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوَهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي

و روزی کن مرا آنکه بخوانم او را بر طریقی که خوشنود گرداند ترا از من

اَللّٰهُمَّ بَدِيعَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَ

ای بار خدایا افریننده آسمانها و زمین خداوند بزرگی و

لْاِكْرَامِ وَالْعِزَّةِ الَّتِي لَا تُرَامُ اَسْئَلُكَ يَا

بخشاینده وارجمندی که دریافته نشود میخواهم از تو ای

اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ بِجَلَالِكَ وَنُورِ وَجْهِكَ اَنْ تُنَوِّرَ

خدا ای بخشنده به بزرگی تو و روشنی ذات تو که روشن کنی

بِكِتَابِكَ بَصَرِي وَاَنْ تُطْلِقَ بِهٖ لِسَانِي وَاَنْ

بکتاب خود چشم من و روان کنی بان زبان من و آنکه

تُفَرِّجَ بِهٖ عَنْ قَلْبِي وَاَنْ تَشْرَحَ بِهٖ صَدْرِي وَاَنْ

دور کنی بان اندوه از دل من و کشاده کنی بان سینه من و آنکه

تَغْسِلَ بِهٖ بَدَنِي فَاِنَّهٗ لَا يُعِينُنِي عَلَى الْحَقِّ غَيْرُكَ وَ

بشوئی بان بدن مرا پس بدرستیکه مدد کنند بر حق جز تو و

لَا يُؤْتِيهِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

نادهد آنرا مگر تو و نیست گردانیدن و نه توانائی مگر بخدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَفْعَلُ ذٰلِكَ ثَلَاثَ جُمَعٍ اَوْ خَمْسًا اَوْ

بلند بزرگ بکند این طریق سه جمعه یا پنج و

سَبْعًا تُجَابُ بِاِذْنِ اللّٰهِ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا

هفت قبول کرده شود بفرمان خدا و قسم است بذات حق که برانگیخت مرا بحق

اخطأ مؤمن قط واذا اخطأ واذنب فاحب ان يتوب

الى الله فليأت فليمد يديه الى الله عز وجل ثم

ليقل اللهم انى اتوب اليك منها لا ارجع اليها

ابدا فانه يغفر له ما لم يرجع فى عمله ذلك

ما من رجل يذنب ذنبا ثم يقوم فيتطهر فيتوضأ

ثم يصلى ركعتين ثم يستغفر الله

لذلك الذنب الا غفر له وجاء

رجل الى النبى صلى الله عليه وآله وسلم

فقال واذنوباه فقال قل اللهم مغفرتك

أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتُكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ

واسع تر است از گناهان من و رحمت تو امیدوارم در نزد من از

عَمَلِي فَقَالَهَا ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ ثُمَّ قَالَ عُدْ فَعَادَ

اعمال من پس گفت آنرا پس فرمود باز گو باز گفت پس فرمود باز گو پس باز گفت

فَقَالَ قُمْ فَقَدْ غَفَرَ اللّٰهُ لَكَ ۔ إِنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ

گفت برخیز پس بتحقیق آمرزید خدا مر ترا بدرستی خدا گشاده میکند

يَدَاهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ وَيَبْسُطُ يَدَاهُ

دستهای خود را در شب تا توبه کند گناهکار روز و دراز میکند دستهای خود را

بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ

در روز تا توبه کند گناهکار در شب تا آنکه طلوع کند آفتاب

مِنْ مَغْرِبِهَا ۔ وَجَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

از مغرب و آمد مردی پس گفت ای رسول خدا

أَحَدُنَا يُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ

یکی از ما گناه می کند فرمود نوشته میشود بر او گفت پس استغفار میکند

مِنْهُ وَيَتُوبُ قَالَ يُغْفَرُ لَهُ وَيُتَابُ عَلَيْهِ قَالَ

از او و توبه میکند فرمود آمرزیده میشود او و رجوع کرده میشود بتوبه او گفت

فَيَعُودُ فَيُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ

پس باز عود میکند پس گناه میکند فرمود نوشته میشود بر او گفت پس

يَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ مِنْهُ وَيَتُوبُ قَالَ يُغْفَرُ لَهُ وَتَابَ
استغفار میخواهد از خدا از آن و توبه میکند فرمود آمرزیده میشود و رجوع کرد

عَلَيْهِ وَلَا يَمَلُّ اللّٰهُ حَتّٰى تَمَلُّوا وَاِذَا قَحَطُوا
بر وی از توبه و ملول نمی شود خدا از قبول توبه تا ملول شوید و چون بازداشته شد

الْمَطَرَ فَلْيَجْثُوا عَلَى الرُّكَبِ ثُمَّ لِيَقُولُوا يَا رَبِّ يَا رَبِّ
باران پس بنشینند بر زانوها پس باید که بگویند ای رب ای رب

وَدُعَاءُ الْاِسْتِسْقَاءِ اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا اَللّٰهُمَّ
و دعا خواستن باران ای بار خدایا آب ده ما را ای بار خدایا

اسْقِنَا اَللّٰهُمَّ اسْقِنَا اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا اَللّٰهُمَّ
بنوشان ما را ای بار خدایا بنوشان ما را ای بار خدا فریاد رس ما را ای بار خدا

اَغِثْنَا اَللّٰهُمَّ اَغِثْنَا وَاِنْ كَانَ اِمَامًا خَرَجَ
فریاد رس ما را ای بار خدایا فریاد رس ما را و اگر باشد امام برآید

اِذَا بَدَا حَاجِبُ الشَّمْسِ فَقَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَكَبَّرَ
وقتیکه ظاهر کند کناره آفتاب پس بنشیند بر منبر پس الله اکبر

وَحَمِدَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
و حمد گوید خدا تعالی بزرگ را و گوید ستایش خدا را پروردگار عالمها

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
بخشنده مهربان پادشاه روز جزا نیست معبود بحق مگر خدا

يفعل ما يريد اللهم انت الله لا اله الا انت

میکند انچه میخواهد ای بار خدایا توئی خدا نیست معبود بحق مگر تو

انت الغني ونحن الفقراء انزل علينا الغيث و

توئی بی نیاز و ما محتاجیم فرود آر بر ما ابر و

اجعل ما انزلت علينا قوة وبلاغا الى حين

بکن انچه فرستادی بر ما قوتی و رسیدن تا هنگامی

ثم رفع يديه حتى بدا بياض ابطيه ثم حول الى

پس بلند کرد دست خود را تا که ظاهر شد سفیدی دو بغل او پس بگردانید بسو

الناس ظهره وحول رداءه وهو رافع يديه

مردمان پشت خود و بگردانید چادر خود و حال آنکه بلند کننده است دست

ثم اقبل على الناس ونزل فصلى ركعتين

پس رو کرد بر مردمان و فرود آمد و نماز گزارد دو رکعت

اللهم اسقنا غيثا مغيثا مريئا مريعا

ای بار خدایا بده ما را ابر باران سود کننده

نافعا غير ضار عاجلا غير اجل غير

زیان رساننده شتاب دیر کننده

رائث اللهم اسق عبادك وبهائمك و

کننده ای بار خدایا بده بندگان خود و چهارپایان خود را

انشر رحمتك واحي بلدك الميت ۔ اللهم

اے اللہ ... اپنی رحمت پھیلا دے اور زندہ کر اپنے مردہ شہر کو

انزل على ارضها زينتها وسكنها اللهم

اور نازل کر ... زمین پر اس کی زینت اور ... اے اللہ

ضاحت جبالنا واغبرت ارضنا وهامت دوابنا

خشک ہو گئے پہاڑ ہمارے اور غبار آلود ہو گئی زمین ہماری اور ... ہمارے

معطي الخيرات من اماكنها ومنزل الرحمة

عطا کرنے والا خیرات کا ان کی جگہوں سے اور نازل کرنے والا رحمت کا

من معادنها ومجري البركات على اهلها ۵

ان کی کانوں سے اور جاری کرنے والا برکتوں کا ... اہل پر

بالغيث المغيث انت المستغفر الغفار فنستغفرك

... فریاد رس بارش ... بخشنے والا پس ہم مغفرت چاہتے ہیں

للجامات من ذنوبها ونتوب اليك من عوام

... گناہوں سے اور توبہ کرتے ہیں ہم تیری طرف ... عام

خطايانا اللهم فارسل السماء مدرارا واصل

خطاہائے ... اے اللہ پس بھیج آسمان سے بارش ... اور پہنچا

بالغيث واكفا من تحت عرشك حيث ينفعنا و

بارش ... تلے سے عرش کے ... جہاں سود مند ہو ہمارے

بعود علينا غيثاً عاماً طبقاً غدقاً مجللاً غدقاً

خصباً راتعاً ممرع النبات ــ واستسقى عمر

ابن الخطاب فما زاد على الاستغفار ــ واذا

رأى سحاباً مقبلاً اللهم انا نعوذ بك من شر ما

ارسل به اللهم سيباً نافعاً وان كشفه الله

ولم يمطر حمد الله على ذلك ــ واذا رأى المطر

اللهم صيباً نافعاً ــ اللهم سيباً نافعاً مرتين

او ثلاثاً ــ فاذا كثر وخيف الضرر اللهم

حوالينا ولا علينا اللهم على الآكام والآجام

والضراب والاودية ومنابت الشجر واذا سمع

الرعد والصواعق اللهم لا تقتلنا بغضبك و

لا تهلكنا بعذابك وعافنا قبل ذلك

سبحان الذي يسبح الرعد بحمده والملائكة

من خيفته . واذا هاجت الريح استقبلها

بوجهه وجثا على ركبتيه ومد يديه

وقال اللهم اني اسئلك خيرها وخير ما فيها

وخير ما ارسلت به واعوذ بك من شرها وشر

ما فيها وشر ما ارسلت به . اللهم

اجعلها رياحا ولا تجعلها ريحا اللهم اجعلها

رحمة ولا تجعلها عذابا وان جاء مع

الريح ظلمة تعوذ بالمعوذتين اللهم انا

نسئلك من خير هذه الريح وشر ما امرت به

اللهم لقحا لا عقيما واذا سمع

صياح الديكة فيسئل الله من فضله

واذا سمع نهيق الحمير فليتعوذ بالله من

الشيطان الرجيم وكذلك اذا

سمع نباح الكلب واذا راى الكسوف

فَلْيَدْعُ وَلْيُكَبِّرْ وَلْيُصَلِّ وَلْيَتَصَدَّقْ

وَإِذَا رَأَى الْهِلَالَ اللّٰهُ أَكْبَرُ

اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْيُمْنِ وَالْإِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ

وَالْإِسْلَامِ وَالتَّوْفِيْقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى رَبِّيْ وَ

رَبُّكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ هِلَالُ خَيْرٍ وَ

رُشْدٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هٰذَا الشَّهْرِ

وَخَيْرِ الْقَدَرِ وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهٖ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَهٗ وَنَصْرَهٗ وَبَرَكَتَهٗ وَ

فَتْحَهٗ وَنُوْرَهٗ وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهٖ وَشَرِّ مَا بَعْدَهٗ

وَاِذَا نَظَرَ اِلَى الْقَمَرِ فَلْيَقُلْ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ

مِنْ شَرِّ هٰذَا الْغَاسِقِ وَاِذَا رَاٰى لَيْلَةَ

الْقَدْرِ فَلْيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ

فَاعْفُ عَنِّىْ وَاِذَا نَظَرَ وَجْهَهٗ فِى

الْمِرْاٰةِ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ حَسَّنْتَ خَلْقِىْ فَاَحْسِنْ خُلُقِىْ

اَللّٰهُمَّ كَمَا اَحْسَنْتَ خَلْقِىْ فَحَسِّنْ

خُلُقِىْ وَحَرِّمْ وَجْهِىْ عَلَى النَّارِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ

سَوّٰى خَلْقِىْ وَاَحْسَنَ صُوْرَتِىْ وَزَانَ مِنِّىْ مَا

شَانَ مِنْ غَيْرِىْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِىْ سَوّٰى

خلقني فعدّله وصوّر صورة وجهي فاحسنها

وجعلني من المسلمين واذا سلّم على

احدٍ فليقل السّلام عليكم السّلام

عليك ورحمة الله وبركاته

فاذا ردّ السّلام وعليكم السّلام

ورحمة الله وبركاته وعلى اهل

الكتاب عليك او وعليك

فاذا بلغ سلاما من احدٍ فليقل و

عليه السّلام ورحمة الله وبركاته

او وعليك وعليه السلام وإذا عطس فليقل

الحمد لله على كل حال

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً

فيه مباركاً عليه كما يحب ربنا ويرضى

وليقل الحمد لله رب العالمين

له يرحمك الله وليرد عليه يهديكم

يغفر الله الله ويصلح بالكم

لنا ولكم لي ولكم

يرحمنا الله وإياكم ويغفر لنا ولكم

وان كان كتابا قيل له يهديكم الله

ويصلح بالكم ومن قال عند

كل عطسة الحمد لله رب العالمين على

كل حال ما كان لم يجد وجع ضرس ولا

اذن ابدا فاذا طنت اذنه فليذكر

النبي صلى الله عليه واله وسلم وليقل ذ

كر الله بخير من ذكرني واذا بشر

بما يسره فليحمد الله او حمد ... و

كبره ... او سجد لله شكرا سر واذا

رای من نفسه او ماله او غیره ما یعجبه فلیدع

بالبرکة - واذا اراد نمو ماله قال

اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک وعلی

المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات

واذا رای اخاه المسلم یضحک قال اضحک

الله سنک واذا احب اخاه فلیعلمه

ذلک فاذا قال انی احبک فی الله

قال احبک الذی احببتنی له واذا

قال له غفر الله لک قال ولک واذا

قيل له كيف اصبحت قال احمد الله اليك

واذا اتاه رجل ردّ عليه لبّيك واذا

صنع اليه معروف وقال لفاعله جزاك الله

خيرا فقد ابلغ في الثناء واذا عرض

عليه اخوه من اهله قال بارك الله في اهلك

ومالك واذا استوفى دينه قال

اوفيتني اوفى الله بك وفّى الله بك

او قال الله واذا رأى ما يحبّ قال

الحمد لله الذي بنعمته تتمّ الصالحات واذا رأى

ما يكره قال الحمد لله على كل حال

ناخوشی آید ... میگوید ستایش خدای را بر هر حال

ما انعم الله على عبد من نعمة فقال

انعام نکرد خدا بر بنده از هیچ نعمتی پس گفت

الحمد لله الا وقد ادى شكرها فان قالها

ستایش مر خدای را مگر که ادا کرد شکر آنرا پس اگر گفت آنرا

الثانية جدد الله له ثوابها فان قالها الثالثة

دوم بار نو کند خدای برای او ثواب پس اگر گوید آنرا سیم بار

غفر الله له ذنوبه ما انعم الله على عبد

بیامرزد خدای برای گناهان او انعام نکرد خدا بر بنده

نعمة فقال الحمد لله رب العالمين الا كان قد

نعمتی پس گفت ستایش مر خدای را که پروردگار عالمیان مگر بود که تحقیق

اعطي خيرا مما اخذ واذا ابتلي بالدين

داده شد بهتر از آنچه گرفت و چون مبتلا کرده شد بقرض

قال اللهم اكفني بحلالك عن حرامك و

بگوید ای بار خدایا بسنده باش مرا بحلال خود از حرام خود و

بفضلك عمن سواك اللهم فارج الهم

بفضل خود از آنکه جز تو بوده ای بار خدایا گشاینده اندوه

كاشف الغم مجيب دعوة المضطرين رحمن الدنيا و

الاخرة ورحيمهما انت ترحمني فارحمني برحمة

تغنيني بها عن رحمة من سواك اللهم

مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع

الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء

بيدك الخير انك على كل شيء قدير رحمن

الدنيا والاخرة تعطيهما من تشاء وتمنع منهما

من تشاء ارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من

سواك ٭ وتقدم ما يقول اذا اصبح واذا

ام

امسى وإذا أخذه لعباء من شغل وطلب

زيادة قوة فليسبح عند نومه ثلثا وثلثين وليحمد

زیادتی قوه پس باید تسبیح کند نزد خواب خود سی و سه بار و باید حمد کند

ثلثا وثلثين وليكبر اربعا وثلثين ومن كل ثلثا

سی و سه بار و باید تکبیر کند چهار و سی بار یا از هر یک سی

وثلثين او من احدهن اربعا وثلثين

سه بار یا از یکی از آنها چهار و سی بار

او من كل دبر كل صلوة عشرا وعند النوم ثلثا و

یا از هر یک پس هر نماز ده بار و نزد خواب سی و

ثلثين والتكبير اربعا وثلثين ومن ابتلي بالوسوسة

سه بار الله اکبر سی و چهار بار و هر که مبتلا شد بوسوسه

فليستعذ بالله ولينته او ليقل امنت بالله ورسله

پس باید استغفار کند بخدا و باید که باز ایستد یا باید بگوید ایمان آوردم بخدا و رسولان او

الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا

خدا یگانه خدا بی نیاز نزاید و نزاییده شده و نباشد مر او را همتا

احد وليتفل عن يساره ثلثا وليستعذ بالله من الشيطان

یگانه و باید تف کند از جانب چپ سه بار و باید که اعوذ بالله بگوید پناه میبرم بخدا از شیطان

وَمَن قَبْلَهٗ وَاِنْ كَانَتِ الْوَسْوَسَةُ
وارفتار وست وا گر باشد وسوسه
فِي الْاَعْمَالِ فَاِنَّ ذٰلِكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهٗ خَنْزَبُ
در کردارها پس بدرستی که آن شیطان گفته شود مر او را خنزب
فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ وَلْيَتْفُلْ عَنْ يَسَارِهٖ ثَلٰثًا
پس پناه برد بخدا از او و باید که تف کند از چپ خود سه بار
وَمَنْ غَضِبَ فَقَالَ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ
وهر که خشمناک شود و گوید پناه میبرم بخدا
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ
از دیو و شیطان رانده و برود از و آنچه یابد از خشم
وَمَنْ كَانَ حَدَّ اللِّسَانِ
و هر که باشد تیز زبان
فَاحِشَةً لَازَمَ الْاِسْتِغْفَارَ لِحَدِيْثِ حُذَيْفَةَ
ناشایسته لازم کند استغفار کند برای حدیث حذیفه
شَكَوْتُ اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
شکایت کند بسوی پیغمبر خدا درود خدا باد روی
وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ ذَرَبَ لِسَانِيْ فَقَالَ اَيْنَ اَنْتَ مِنَ
و اولاد او و سلام تیزی زبان خود را پس فرمود کجائی تو از

الاستغفار انی لاستغفر الله فی کل
یوم مائة مرة ومن انتهی الی
مجلس فلیسلم وکفارة المجلس
ان یقول قبل ان یقوم سبحان الله وبحمده
سبحانك اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله
الا انت استغفرك واتوب الیك
ثلاث مرات وعملت
سوء وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت ما جلس قوم مجلسا

لم يذكروا الله فيه ولم يصلوا على

ذکر خدا ... و نه درود خوانند بر

نبيهم صلى الله عليه وآله وسلم الا

پیغمبر خود درود خدا بروی باد و آل او و سلام مگر

كان عليهم ترة فان شاء عذبهم

باشد برایشان نقصان پس اگر خواهد خدا عذاب کند

وان شاء غفر لهم

و اگر خواهد بیامرزد ایشان را

ومن دخل السوق فقال لا اله الا الله وحده

و هر که در بازار درآید پس بگوید نیست معبودی بحق مگر خدا یگانه

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي

نیست مر او را انباز مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده کند

ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير و

و میمیراند و او زنده است نمیرد بدست اوست نیکویی

هو على كل شيء قدير كتب الله له الف

و او بر همه چیز توانا است بنوشت خدا برای هزار

الف حسنة ومحي عنه الف الف سيئة

هزار نیکویی و محو کند از و هزار هزار بدی

وَرَفَعَ لَهُ اَلْفَ اَلْفِ دَرَجَةٍ

و بلند کرد برای او هزار هزار پایه

وَبَنیٰ لَهُ فِی الْجَنَّةِ بَیْتًا وَاِذَا دَخَلَهُ

و بنا کند برای او در بهشت خانه و چون در آید در آن

اَوْ خَرَجَ اِلَیْهِ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

یا بیرون آید از آن بگوید بنام خدا ای بار خدایا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ خَیْرَ هٰذِهِ السُّوْقِ وَخَیْرَ مَا فِیْهَا

می خواهم از تو بهتر این بازار و بهتر آنچه در اوست

وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِیْهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

و پناه میبرم بتو از بدی آن و بدی آنچه در او ای بار خدایا بدرستیکه

اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اُصِیْبَ فِیْهَا یَمِیْنًا فَاجِرَةً

پناه میبرم بتو از آنکه برسم در آن سوگند دروغ

اَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً یَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ

یا داد و ستد زیانکار جماعت سوداگران

اَیَعْجِزُ اَحَدُكُمْ اِذَا رَجَعَ مِنْ سُوْقِهٖ اَنْ یَقْرَاَ

آیا عاجز میشود یکی از شما چون باز گردد از بازار خود آنکه بخواند

عَشْرَ اٰیَاتٍ فَیَكْتُبُ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ اٰیَةٍ حَسَنَةً

ده آیات پس بنویسد خدا برای او بهر آیه نیکوئی

وَاِذَا رَاَى بَاكُورَةَ ثَمَرٍ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا

وچون دیدی انسرور اول میوه را ای بار خدایا برکت ده

فِي ثَمَرِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي مَدِينَتِنَا وَبَارِكْ لَنَا

در میوه ما و برکت کن ما را در شهر ما و برکت ده ما را

فِي صَاعِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي مُدِّنَا

در پیمانهای ما و برکت کن ما را در ربع ما

فَاِذَا اُتِيَ بِشَيْءٍ مِنْهُ دَعَا اَصْغَرَ وَلِيدٍ حَاضِرٍ

پس چون آورده شود پیش از آن میوه طلبیدی خردسال حاضر را

فَيُعْطِيهِ ذٰلِكَ وَمَنْ رَاَى مُبْتَلًى

پس میدادی او را آنرا و هر که دید مبتلا را

فَقَالَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ

پس فرمود سپاس مر خدایرا که در عافیت داشت مرا از آنچه مبتلا کرد

بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلٰى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا

ترا بآن و فضیلت داد مرا بر بسیاری از کسانیکه بیافرید برگزیدنی

لَمْ يُصِبْهُ ذٰلِكَ الْبَلَاءُ يَقُولُ ذٰلِكَ

نرسد او را این بلا بگوید این دعا را

فِي نَفْسِهِ وَاِذَا ضَاعَ لَهُ شَيْءٌ اَوْ اَبَقَ اَللّٰهُمَّ

در نفس خود و چون گم شود او را چیزی یا گریخت ای بار خدایا

اللّٰهمّ لا یأتی بالحسنات الّا انت ولا یذهب

بالسّیّئات الّا انت ولا حول ولا قوّة الّا بک

ومن اصیب بعین رقی بقوله بسم اللّٰه

اللّٰهمّ اذهب حرّها وبردها ووصبها ثمّ قال

قم باذن اللّٰه وان کانت دابّة

نفث فی منخره الایمن اربعا وفی الایسر ثلثا و

قال لا بأس اذهب البأس ربّ النّاس اشف انت

الشافی لا یکشف الضّرّ الّا انت وان

اصیب احد بلمم من الجنّ وضعه بین یدیه و

عَوِّذْهُ بِالْفَاتِحَةِ وَآلٓمٓ اِلَى الْمُفْلِحُوْنَ وَاِلٰهُكُمْ

اِلٰهٌ وَّاحِدٌ الْاٰيَةَ وَاٰيَةَ الْكُرْسِيِّ وَلِلّٰهِ مَا فِي

السَّمٰوٰتِ اِلٰى اٰخِرِ الْبَقَرَةِ وَشَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ

الْاٰيَةَ وَاِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ فِي الْاَعْرَافِ الْاٰيَةَ وَ

فَتَعَالَى اللّٰهُ اِلٰى اٰخِرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَعَشْرٍ مِّنْ اَوَّلِ

الصّٰفّٰتِ اِلٰى لَازِبٍ وَّثَلٰثِ اٰيَاتٍ مِّنْ اٰخِرِ الْحَشْرِ

وَاَنَّهٗ تَعٰلٰى جَدُّ رَبِّنَا الْاٰيَةَ مِنَ الْجِنِّ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ

اَحَدٌ وَّالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَيَرْقِي الْمَعْتُوْهَ

بِالْفَاتِحَةِ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ غُدْوَةً وَّعَشِيَّةً كُلَّمَا

ختمها جمع بزاقه ثم تفله   ويرقي اللديغ

بالفاتحة سبع مرات   ولدغت النبي

صلى الله عليه وآله وسلم عقرب وهو يصلي

فلما فرغ قال لعن الله العقرب لا تدع مصليا

ولا غيره ثم دعا بماء وملح فجعل يمسح عليها

ويقرء قل يا ايها الكافرون وقل اعوذ برب

الفلق وقل اعوذ برب الناس   عرضنا

على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

رقية من الحمة فاذن لنا فيها وقال انما هي من مواثيق

لله شجة قرنية ملحة بحر قفطا

رق بقوله اذهب الباس رب الناس

لشافي لا شافي الا انت   واذا

ريق فليطفئه بالتكبير   مجرب

خلبن بوله او اصابته حصاة بقوله

لذي في السماء تقدس اسمك و

سماء والارض كما رحمتك في

جعل رحمتك في الارض فاغفر لنا

خطايانا انت رب الطيبين فانزل شفاء

مِن شِفائك ورحمة مِن رحمتك على هذا الوجع

فيبرء ويداوى مَن بهِ قرحة او جرح

بان يضع اصبعه السبابة بالارض ثم يرفعها

قائلا بسم الله تربة ارضنا بريقة بعضنا يشفى

سقيمنا باذن ربنا واذا خدرت رجله فليذكر

احب الناس اليه ومن اشتكى الما او شيئا

في جسده فليضع يده اليمنى على المكان الذي

يالم وليقل بسم الله ثلاث مرات وليقل سبع

مرات اعوذ بالله وقدرته من شر ما اجد

او اعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما اجد و

احاذر سبعا او اعوذ بعزة الله وقدرته

على كل شيء من شر ما اجد سبع مرات يضع

يده تحت المه او بسم الله اعوذ بعزة الله و

قدرته من شر ما اجد من وجعي هذا ثم

يرفع يده ثم يعيدها او يقرء على نفسه

بالمعوذات وينفث ومن اصابه

واگر برسد او را

رمد اللهم متعني ببصري واجعله الوارث

منى وارني في العدو ثاري وانصرني على من

از من و بنما مرا در دشمن کینه من

ظلمنی

ومن حصلت له حمی یقول بسم الله

الکبیر نعوذ بالله العظیم من شر کل عرق

نعار ومن شر حر النار

وان اصابه

ضر وسئم الحیوة فلا یتمنی الموت فان کان لا بد

فاعلا فلیقل اللهم احینی ما کانت الحیوة خیرا

لی وتوفنی اذا کانت الوفاة خیرا لی

واذا عاد مریضا قال لا باس طهورا ان شاء الله

تعالی لا باس طهورا انشاء الله

اگر خواهد خدا

بسم الله

بنام خدا

تربة ارضنا وریقة بعضنا یشفی سقیمنا

بِاِذْنِ رَبِّنَا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَمْسَحُ بِيَدِهِ

الْيُمْنٰى وَيَقُوْلُ اللّٰهُمَّ اَذْهِبِ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ

اشْفِهٖ وَاَنْتَ الشَّافِيْ لَا شِفَاءَ اِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً

لَا يُغَادِرُ سَقَمًا بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيْكَ مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ يُّؤْذِيْكَ وَمِنْ كُلِّ نَفْسٍ اَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ اَللّٰهُ

يَشْفِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيْكَ بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيْكَ

وَاللّٰهُ يَشْفِيْكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ فِيْكَ مِنْ شَرِّ

النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ

ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللّٰهِ اَرْقِيْكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

يُشْفِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ ذِي عَيْنٍ اَللّٰهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ عَلَيْكَ

يَنْكَاءُ لَكَ عَدُوًّا وَيَمْشِي لَكَ اِلٰى صَلٰوةٍ جَنَازَةٍ

اَللّٰهُمَّ اشْفِهِ اَللّٰهُمَّ عَافِهِ

اَللّٰهُمَّ اشْفِهِ اَللّٰهُمَّ عَافِهِ يَا فُلَانُ شَفَى اللّٰهُ

سُقْمَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَعَافَاكَ فِي دِيْنِكَ وَ

جِسْمِكَ اِلٰى مُدَّةِ اَجَلِكَ وَمَنْ عَادَ مَرِيْضًا

لَمْ يَحْضُرْ اَجَلُهُ فَقَالَ عِنْدَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ اَسْئَلُ

اللّٰهَ الْعَظِيْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ اَنْ يَشْفِيَكَ اِلَّا عَافَاهُ

الله من ذلك المرض وجاء

او را خدا از آن مرض و آمد

رجل الى علي فقال ان فلانا شاك فقال ابسرك

ان يبرء قال نعم قال قل يا حليم يا كريم اشف

فلانا فانه يبرء وايما مسلم دعا بقوله

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

اربعين مرة فمات في مرضه ذلك اعطي اجر

شهيد وان برء برء وقد غفر له جميع ذنوبه

شهيد و اگر [illegible] آمرزیده شد مر او را همه گناه

ومن قال في اخر مرضه لا اله الا الله و

و هر که گفت در آخر مرض [illegible] نیست معبود جز خدا و

الله اكبر لا اله الا الله وحده لا شريك له

خدا بزرگ است نیست معبود مگر خدا [illegible] نیست انباز مر او را

رَسُولِكَ فَاذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ وُجِّهَ اِلَى

الْقِبْلَةِ وَيَقُولُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْلِي وَارْحَمْنِي وَالْحِقْنِي

بِالرَّفِيقِ الْاَعْلٰى لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِنَّ لِلْمَوْتِ

سَكَرَاتٍ اللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلٰى غَمَرَاتِ

الْمَوْتِ وَسَكَرَاتِ الْمَوْتِ يَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اِنَّ

عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ كُلِّ خَيْرٍ يَحْمَدُنِي

وَاَنَا اَنْزِعُ نَفْسَهُ مِنْ بَيْنِ جَنْبَيْهِ وَمَنْ حَضَرَ

عِنْدَهُ فَلْيُلَقِّنْهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مَنْ كَانَ

اٰخِرُ كَلَامِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ

وَاذَا غمّضه دعا لنفسه بخيرٍ فانّ الملائكة يؤمنون

على ما يقول فيقول اللّهمّ اغفر لفلانٍ وارفع

درجته في المهديّين واخلفه في عقبه في

الغابرين واغفر لنا وله يا ربّ العالمين وافسح

له في قبره ونوّر له فيه وليقل اهله

اللّهمّ اغفر لي وله واعقبني منه عقبى حسنةً

وليقرأ عليه سورة يس

ويقول صاحب المصيبة انّا للّه وانّا اليه را

جعون اللّهمّ اجرني في مصيبتي واخلف لي خيرًا منها

وإذا مات ولد العبد قال الله تعالى للملائكة

قبضتم ولد عبدي فيقولون نعم فيقول قبضتم

ثمرة فؤاده فيقولون نعم فيقول ماذا قال عبدي

فيقولون حمدك واسترجع فيقول ابنوا لعبدي

بيتا في الجنة وسموه بيت الحمد

فإذا عزى أحد مسلما فيقول إن لله ما أخذ ولله

ما أعطى وكل عنده بأجل مسمى فلتصبر

ولتحتسب. وكتب صلى الله عليه

وآله وسلم إلى معاذ يعزيه في ابن له بسم الله

الرحمن الرحیم من محمد رسول الله الی معاذ بن
جبل سلام علیک فانی احمد الیک الله الذی
لا اله الا هو اما بعد فاعظم الله لک الاجر و
الهمک الصبر ورزقنا وایاک الشکر فان انفسنا
واموالنا واهلینا واولادنا من مواهب الله عز
وجل الهنیئة وعواریه المستودعة نمتع بها الی
الی اجل معدودة ونقبضها لوقت معلوم ثم
افترض علینا الشکر اذا اعطی والصبر اذا
بتلی فکان ابنک من مواهب الله الهنیئة وعواریة

المستودعة متعاب في غبطة وسرور وقبضه

منك باجر كبير الصلوة والرحمة والهدى

ان احتسبت فاصبر ولا يحبط جزعك اجرك

فتندم واعلم ان الجزع لا يرد شيئا ولا يدفع

حزنا وما هو نازل فكان قد والسلام

ولما توفي صلى الله عليه وآله وسلم عزتهم

الملائكة السلام عليكم ورحمة الله

وبركاته ان في الله عز وجل عزاء من كل

مصيبة وخلفا من كل فائت فبالله

فثقوا وإياه فارجوا فإنما المحروم من حرم الثواب

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ودخل رجل أشهب اللحية جسيم

صبيح فتخطى رقابهم فبكى ثم التفت إلى

الصحابة وقال إن في الله عزّ وجل عزاء من

كل مصيبة وعوضا من كل فائت و

خلفا من كل هالك فإلى الله فأنيبوا و

إليه فارغبوا ونظره إليكم في البلاء فانظروا

فإنما المصاب من لم يجبر وانصرف فقال أبو بكر

وعلى عليه السلام هذا الخضر عليه السلام

ومن رفع الميت على السرير وحمله

فليقل بسم الله وإذا صلى عليه

كبر ثم قرأ الفاتحة ثم صلى على النبي صلى

الله عليه وآله وسلم ثم قال اللهم عبدك

وابن أمتك يشهد أن لا إله إلا أنت وحدك

لا شريك لك ويشهد أن محمدا عبدك

ورسولك أصبح فقيرا إلى رحمتك وأصبحت

غنيا عن عذابه تخلى من الدنيا وأهلها إن

كَانَ زَاكِيًا فَزَكِّهِ وَإِنْ كَانَ مُخْطِئًا فَاغْفِرْ لَهُ

[illegible] باشد

اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ

[illegible]

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَ

[illegible]

اعْفُ عَنْهُ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ

واغسله بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا

كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَأَبْدِلْهُ

دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ

او را خانہ بہتر از خانۂ او و اہل بہتر از اہل او در دنیا

وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَأَعِذْهُ

و زن بہتر از زن در دنیا و در آور او را در بہشت و در پناہ

مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ

از عذاب قبر و عذاب آتش

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَصَغِيْرِنَا وَ

كَبِيْرِنَا وَذَكَرِنَا وَاُنْثَانَا وَشَاهِدِنَا وَ

غَائِبِنَا اَللّٰهُمَّ مَنْ اَحْيَيْتَهٗ مِنَّا فَاَحْيِهٖ عَلَى

الْاِيْمَانِ وَمَنْ تَوَفَّيْتَهٗ مِنَّا فَتَوَفَّهٗ عَلَى

الْاِسْلَامِ اَللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهٗ وَلَا تُضِلَّنَا

بَعْدَهٗ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبُّهَا

وَاَنْتَ خَالِقُهَا وَاَنْتَ هَدَيْتَهَا لِلْاِسْلَامِ وَاَنْتَ

قَبَضْتَ رُوْحَهَا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا

جِئْنَا شُفَعَاءَ فَاغْفِرْ لَهَا لَهٗ اَللّٰهُمَّ اِنَّ

فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ فِي ذِمَّتِكَ وَحَبْلِ جِوَارِكَ فَقِهِ

فلاں پسر فلاں [illegible] در ذمہ تست و در عہد امان تست [illegible]

مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ وَاَنْتَ اَهْلُ

[illegible] و عذاب آتش و فتنہ قبر [illegible]

الْوَفَاءِ وَالْحَمْدِ اَللّٰهُمَّ فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ

وفا و حمد [illegible] بیامرز [illegible] و رحمت [illegible]

اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ

بدرستی کہ تو ئی آمرزندہ مہربان [illegible] بندہ تو

وَابْنُ اَمَتِكَ احْتَاجَ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ غَنِيٌّ

و پسر کنیز او محتاج گشت بسوی رحمت تو و تو بے نیاز

عَنْ عَذَابِهِ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهِ

از عذاب او اگر باشد نیکوکار پس زیادہ کن در نیکوئی او

وَاِنْ كَانَ مُسِيْئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ

و اگر باشد گناہ کار پس تجاوز کن از او

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ كَانَ يَشْهَدُ

اے بار خدایا بندہ تو و پسر بندہ تو بود کہ گواہی میداد

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ

باینکہ نیست معبود بحق مگر خدا و بدرستی حضرت محمد بندہ تو و

انت اعلم به منى ان كان محسنا

سانه وان كان مسيئا فاغفر له ولا

جره ولا تفتنا بعده واذا

قبره قال منها خلقناكم و

كم ومنها نخرجكم تارة

سم الله وفى سبيل الله وعلى ملة

له بسم الله وعلى سنة

لله بسم الله وبالله وعلى

رسول الله فاذا فرغ من

دَفنِهِ وَقَفَ عَلَى القَبرِ فَقَالَ اسْتَغفِرُوا

دفن او بایستاد بر قبر پس گفت آمرزش خواهید

اللّٰهَ لِاَخِیکُم وَاسْئَلُوا لَهُ التَّثبِیتَ فَاِنَّهُ

خدا برای برادر خود و بخواهید برای او ثبات پس بدرستیکه

الآنَ یُسْئَلُ وَیَقرَءُ عَلَى القَبرِ

الحال پرسیده میشود و خوانده شود بر قبر

بَعدَ الدَّفنِ اَوَّلَ سُورَةِ البَقَرَةِ وَخَاتِمَتَهَا

بعد دفن اول سوره بقره و آخر آن رسول تعالی

فَاِذَا زَارَ القُبُورَ فَلیَقُلِ السَّلَامُ

پس زمانیکه زیارت کرد قبور را پس بگوید سلام

عَلَى اَهلِ الدِّیَارِ وَالسَّلَامُ عَلَیکُم اَهلَ

بر اهل قبور و سلام بر شما ای اهل

الدِّیَارِ مِنَ المُؤمِنِینَ وَالمُسلِمِینَ وَاِنَّا اِن

قبرها از مؤمنان و مسلمانان و بدرستیکه ما اگر

شَاءَ اللّٰهُ بِکُم لَاحِقُونَ نَسْئَلُ اللّٰهَ لَنَا

خواسته خدا بشما رسیدنیم میخواهیم از خدا برای ما

وَلَکُمُ العَافِیَةَ وَاَنتُم لَنَا فَرَطٌ وَ

و برای شما عافیت و شما برای ما پیش روندگانید

وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ   اَلسَّلَامُ عَلٰى اَهْلِ

و ما هم پس شما پیرو ایم   سلام بر ... اهل

الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَيَرْحَمُ اللّٰهُ

منزلها ... مومنان و مسلمانان و رحمت کناد خدا

الْمُسْتَقْدِمِيْنَ مِنَّا وَالْمُسْتَاخِرِيْنَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ

پیشی کنندگان ... ما و ... پس ماندگان و ما بی شک اگر خواهد خدا

بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ   اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

... سلام بر شما

دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِيْنَ وَاَتٰكُمْ مَا تُوْعَدُوْنَ غَدًا

سرای گروه مومنان و آمد ... شما را ... دا ده شد فردا

مُؤَجَّلُوْنَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ

... و بدرستی ما اگر خواهد ... شما رسنده گانیم

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِيْنَ وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللّٰهُ

سلام بر شما سرای گروه مومنان و ما اگر خواهد خدا

بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ   اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الْقُبُوْرِ

بشما رسنده گانیم   سلام بر شما ای اهل قبرها

يَغْفِرُ اللّٰهُ لَنَا وَلَكُمْ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْاَثَرِ

بیامرزد خدا مارا و شمارا شما پیشوایان مائید و ما در عقب شمائیم

الذكر الذي ورد فضله غير مخصوص

این ذکر که در فضیلت او وارد شده است مخصوص نیست

بوقت ولا سبب ولا مكان لا اله الا الله

بوقتی و نه بسببی و نه بمکانی گفتن لا اله الا الله

هي افضل الذكر وهي افضل الحسنات

این بهترین ذکر است و این بهترین نیکی است

اسعد الناس بشفاعتي يوم القيمة من قالها

نیکبخت ترین مردمان بشفاعت من روز قیامت کسی است که گوید او را

خالصا من قلبه او نفسه يخرج من النار

بخلوص از دل او و نفس او بیرون آورده شود از آتش

من قالها وفي قلبه وزن شعيرة من خير او من

کسی که گوید او را و حال آنکه در دل او باشد مقدار یک جو از نیکویی یا از ایمان

ايمان ويخرج من النار من قالها وفي قلبه وزن

و بیرون آید از آتش کسی که گوید او را و در دل او باشد وزن

برة من خير او من ايمان ويخرج من النار من قالها

دانه گندم از نیکی یا از ایمان و بیرون آید از آتش کسی که گوید

وفي قلبه وزن ذرة من خير او ايمان

و در دل او وزن مورچه خردی از نیکی یا از ایمان

وَلَمْ يَأْتِ اَحَدٌ بِاَفْضَلِ مِمَّا جَاءَ بِهٖ اِلَّا اَحَدٌ عَمِلَ

اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ هِيَ الَّتِيْ عَلَّمَهَا نُوحٌ ابْنَهُ

فَاِنَّ السَّمٰوٰتِ لَوْ كَانَتْ فِيْ كِفَّةٍ لَرَجَحَتْ بِهَا

وَلَوْ كَانَتْ حَلْقَةً لَقَصَمَتْهَا لَا اِلٰهَ اِلَّا

اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ كَلِمَتَانِ اِحْدٰهُمَا لَيْسَ لَهَا نِهَايَةٌ

دُوْنَ الْعَرْشِ وَالْاُخْرٰى تَمْلَاُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ

وَالْاَرْضِ وَهُمَا مَعًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ مَا عَلَى الْاَرْضِ اَحَدٌ يَقُوْلُهَا اِلَّا

كُفِّرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ

إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا

مگر خدا و یگانه نیست انباز او را و گواهی میدهم بدرستی که حضرت محمد

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عِيسٰى عَبْدُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمَتِهِ

بنده و فرستاده اوست و بدرستی حضرت عیسی بنده خداست و پسر کنیزک او

وَكَلِمَتُهُ اَلْقٰهَا اِلٰى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَاَنَّ

و کلمه اوست که افکند آن را بسوی مریم و روح حاصل ازو و تحقیق

الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ اَدْخَلَهُ اللّٰهُ مِنْ اَيِّ اَبْوَابِ

بهشت حق است و آتش دوزخ حق است درآورد او را خدا از هر کدام درهای

الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ شَاءَ مَنْ شَهِدَ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا

بهشت هشت که خواهد هرکه گواهی دهد بانکه نیست معبودی

اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

و یگانه نیست انباز مر او را و گواهی میدهم که محمد بنده او

وَرَسُولُهُ وَاَنَّ عِيسٰى عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُولُهُ وَابْنُ

و فرستاده اوست و بدرستی ... بنده خدا و فرستاده او و پسر

اَمَتِهِ وَكَلِمَتُهُ اَلْقٰهَا اِلٰى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ وَاَنَّ

... و کلمه اوست که افکند آن را بسوی مریم و روح ...

الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ اَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ عَلٰى مَا

بهشت حق است و آتش دوزخ حق است درآورد خدا او را در بهشت ...

كَانَ مِنْ عَمَلٍ وَمِنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ

شَاءَ كَانَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

نَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ

بَعْدَهُ حَدِيثُ لِاَعْرَابِيٍّ عَلِّمْ

اَقُولُهُ قَالَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

اَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيرًا وَ

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَا

من قال سبحان الله وبحمده كتب له عشرا

ومن قالها عشرا كتبت له مائة ومن قالها

مائة كتبت له ألفا ومن زاد زاده الله

من قالها مائة مرة حطت خطاياه و

إن كانت مثل زبد البحر هي أحب

الكلام إلى الله وهي أفضل

الكلام الذي اصطفى الله لملائكته

هي التي أمر بها نوح ابنه فإنها صلوة

الخلق وتسبيح الخلق وبها يرزق الخلق

وَمَن هَالَهُ اللَّيْلُ اَنْ يُكَابِدَهُ اَوْ بَخِلَ بِالْمَالِ اَنْ يُنْفِقَهُ اَوْ جَبُنَ عَنِ الْعَدُوِّ اَنْ يُقَاتِلَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ

فَاِنَّهَا اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ جَبَلِ ذَهَبٍ يُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

اَحَبُّ الْكَلَامِ اِلَى اللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّي وَبِحَمْدِهِ

مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ نَبَتَ لَهُ غَرْسٌ فِي الْجَنَّةِ

مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَ

بِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ

ة الخلق وبها انقطع ارزاقهم
ن خفيفتان على اللسان ثقيلتان
حبيبتان الى الرحمن سبحان الله
سبحان الله العظيم من
استغفر الله العظيم واتوب اليه
ت له كما قالها ثم علقت بالعرش لا
ذنب عمله صاحبها حتى يلقى الله يو
مغنومة كما قالها وقال صلى
يه واله وسلم لجويرية وقد خرج

مِن عِندِها بُكرةً حِينَ صلّى الصُّبحَ وهيَ

في مسجِدِها ثُمَّ رجعَ بعدَ أن أضحى وهيَ جالسةٌ

ما زِلتِ على الحالِ التي فارقتُكِ عليها قالت نعم

قالَ لقد قلتُ بعدكِ أربعَ كلماتٍ ثلاثَ

مرّاتٍ لو وُزِنت بما قُلتِ منذُ اليومِ لوزنتهُنَّ

سُبحانَ اللهِ وبحمدِهِ عددَ خلقِهِ ورضى نفسِهِ

وزِنةَ عرشِهِ ومِدادَ كلماتِهِ سُبحانَ

اللهِ عددَ خلقِهِ سُبحانَ اللهِ رِضى نفسِهِ

سُبحانَ اللهِ مِدادَ كلماتِهِ و

الحمد لله كذلك   سبحان الله وبحمده

ولا اله الا الله والله اكبر عدد خلقه و

رضى نفسه وزنة عرشه ومداد كلماته

وقال صلى الله عليه وآله وسلم لامراة د

خل عليها وبين يديها نوى او حصى تسبح به الا

اخبرك بما هو ايسر عليك من هذا او افضل

فقالت نعم قال سبحان الله عدد ما خلق في

السماء وسبحان الله عدد ما خلق في الارض

وسبحان الله عدد ما بين ذلك وسبحان الله

عَدَدَ مَا خَلَقَ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ مِثْلَ ذٰلِكَ وَالْحَمْدُ

مِثْلَ ذٰلِكَ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِثْلَ ذٰلِكَ وَلَا

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مِثْلَ ذٰلِكَ

وَدَخَلَ عَلٰى صَفِيَّةَ وَبَيْنَ يَدَيْهَا

اَرْبَعَةُ اٰلَافِ نَوَاةٍ وَتُسَبِّحُ بِهِنَّ فَقَالَ قَدْ

سَبَّحْتِ مُنْذُ وَقَفْتُ عَلٰى رَاْسِكِ اَكْثَرَ مِنْ

هٰذَا قَالَتْ عَلِّمْنِيْ قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ مَا

خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ وَقَالَ لِاَبِي الدَّرْدَاءِ

اَلَا اُعَلِّمُكَ شَيْئًا هُوَ اَفْضَلُ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ اللَّيْلَ

مَعَ النَّهَارِ وَالنَّهَارِ مَعَ اللَّيْلِ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ
مَا خَلَقَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ مَا خَلَقَ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ
عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ
وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَسُبْحَانَ
اللّٰهِ مِلْأَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا
خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْأَ مَا خَلَقَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ
كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْأَ
مَا أَحْصَى كِتَابُهُ وَقَالَ لِأَبِي أُمَامَةَ أَلَا

بِأَكْثَرَ وَأَفْضَلَ مِنْ ذِكْرِكَ اللَّيْلَ مَعَ النَّهَارِ

وَالنَّهَارَ مَعَ اللَّيْلِ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ

مَا خَلَقَ سُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ مَا خَلَقَ سُبْحَانَ اللّٰهِ

عَدَدَ مَا فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ مَا فِي

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ مَا أَحْصَى

كِتَابُهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْأَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ

وَسُبْحَانَ اللّٰهِ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

مِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلُ ذٰلِكَ

وَكَذَا رَوَاهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ مَوْضِعَ

لحمد لله ثم قال وتسبح مثل ذلك وتكبر
ت وكذا رواه سوى التكبير
سلمى ام بني رافع يا رسول الله اخبرني
ولا تكثر علي فقال قولي عشر مرات
كبر يقول الله هذا لي وقولي
الله عشر مرات يقول الله هذا لي وقولي
اغفر لي يقول الله قد فعلت فتقولين
ت قد فعلت افضل الكلام
ربي وبحمده سبحان ربي وبحمده

وَسُبْحَانَ اللّٰہِ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ یَمْلَاٰنِ مَا بَیْنَ
السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ یَمْلَاُ الْمِیْزَانَ
اَحَبُّ الْکَلَامِ اِلَی اللّٰہِ اَرْبَعٌ سُبْحَانَ اللّٰہِ
وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ وَلَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاللّٰہُ اَکْبَرُ لَا یَضُرُّکَ
بِاَیِّهِنَّ بَدَأْتَ ۔ هِیَ اَفْضَلُ الْکَلَامِ بَعْدَ
الْقُرْاٰنِ وَهِیَ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَنْ قَالَهَا کُتِبَتْ لَهٗ
بِکُلِّ حَرْفٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ ۔ لَاَنْ اَقُوْلَهَا
اَحَبُّ اِلَیَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ
اِنَّ الْجَنَّةَ طَیِّبَةُ التُّرْبَةِ عَذْبَةُ الْمَاءِ وَ

إِنَّهَا قِيعَانٌ وَإِنَّ غِرَاسَهَا هُنَّ يَغْرِسُ لَكَ بِكُلِّ
وَاحِدَةٍ شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ خُذُوا جُنَّتَكُمْ
مِنَ النَّارِ قُولُوا يَعْنِي هٰذِهٖ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِيْنَ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ مُجَنِّبَاتٍ وَمُعَقِّبَاتٍ وَهُنَّ الْبَاقِيَاتُ
الصَّالِحَاتُ وَكُلُّ تَسْبِيْحَةٍ
صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيْدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ
تَهْلِيْلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيْرَةٍ صَدَقَةٌ
وَهُنَّ اللَّوَاتِيْ يَقُلْنَ فِيْ صَلٰوةِ التَّسْبِيْحِ وَ
ذٰلِكَ أَنَّهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَمِّهٖ

العبّاس يا عبّاس يا عمّاه الا اعطيـ

الا احبوك الا افعل بك عشر خـ

فعلت ذلك غفر الله لك ذنبـ

واخره قديمه وحديثه خطاءه وعمـ

وكبيره سره وعلانيته عشر خصال ان تـ

ركعات تقرء في كل ركـ

وسورة فاذا فرغت من القران

وانت قائم قلت سبحان الله والـ

اله الا الله والله اكبر خمس عشر

تركع فتقولها وانت راكع عشراً ثم ترفع
راسك من الركوع فتقولها ساجداً تهوي
ساجداً فتقولها عشراً ثم ترفع راسك من السجود
فتقولها عشراً ثم تسجد فتقولها عشراً ثم ترفع راسك
من السجود فتقولها عشراً قبل ان تقوم فذلك
خمس وسبعون مرة في كل ركعة تفعل
ذلك في اربع ركعات ان استطعت ان
تصليها في كل يوم مرة فافعل لم تفعل
ففي كل شهر مرة فان لم تفعل ففي كل سنة

مرّة فان لم تفعل ففي عمرك مرّة

وهي مع ولا حول ولا قوّة الا بالله فانّهنّ البا

قيات الصالحات وهنّ يحططن الخطايا كما تحط

الشجرة ورقها وهنّ من كنوز الجنّة

تجزئ من القرآن من لا يستطيعه وكذلك

مع اللّهمّ ارحمني وارزقني وعافني واهدني تجزي

من القرآن لمن لا يستطيعه من اخذه فقد ملأ

يده من الخير وهنّ ايضا بغير الدّعاء

وتبارك الله قبض عليهنّ ملك فضمّهنّ تحت

جناحه وصعد بهن لا يمر بهن على جمع من الملئكة
الا استغفروا لقائلهن حتى يحيى بهن وجه
الرحمن   ان الله اصطفى من الكلام
اربعا سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اكبر ومن قال سبحان الله كتب له عشرون حسنة
وحط عنه عشرون سيئة ومن قال الحمد لله
فمثل ذلك ومن قال لا اله الا الله فمثل ذلك
ومن قال الله اكبر فمثل ذلك ومن قال
الحمد لله رب العالمين من قبل نفسه كتب له

ثلاثون حسنة وحطت عنه ثلاثون سيئة

اما يستطيع احدكم ان يعمل

كل يوم مثل احد عملا قالوا يا رسول الله

ومن يستطيع ذلك قال كلكم يستطيعه

قالوا يا رسول الله ما ذا قال سبحان الله اعظم

من احد ولا اله الا الله اعظم من احد وا

لحمد لله اعظم من احد والله اكبر اعظم من ا

حد ۔ سبحان الله تعدل مائة رقبة من ولد

اسمعيل والحمد لله تعدل مائة فرس مسرجة

مُلجمةٍ يُحمل عليها في سبيل الله والله أكبر

مائةً تعدل مائة بدنةٍ مُقلّدةٍ

نُحر بِكة ولا إله إلا الله ملأ ما بين

السماء والأرض بخٍ بخٍ بخٍ ما أثقلهن

في الميزان لا إله إلا الله وسبحان الله والحمد

لله والله أكبر والولد الصالح يُتوفّى للمرء

المسلم فيحتسبه ـــ إن مما تذكرون

جلال الله سبحان الله ولا إله إلا الله

والحمد لله ينعطفن حول العرش لهن دويٌّ كدوي

النحل تذكر بصاحبها اما يحب

يكون ولا يزال من يذكر به

من الباقيات الصالحات الله ا

الا الله وسبحان الله والحمد لله ولا

قوة الا بالله قل لا حول

بالله فانها كنز من كنوز الجنة

من ابواب الجنة غراس الجنة

وتقدم انها دواء من تسعة و

ايسرها الهم كنت عند النبي

وآلہ وسلم فقلتہا فقال تدری ما تفسیرہا

قلت اللہ ورسولہ اعلم قال لاحول عن معصیۃ

اللہ الا بعصمۃ اللہ ولا قوۃ علی طاعۃ اللہ

الا بعون اللہ وھی مع ولا منجا من اللہ الا

الیہ کنز من کنوز الجنۃ من قال رضیت

باللہ ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی اللہ علیہ

وآلہ وسلم نبیا وجبت لہ الجنۃ

من قال اللہم رب السموات والارض عالم

الغیب والشہادۃ انی اعھد الیک فی ھذہ

الحیوة الدنیا انی اشهد ان لا اله الا انت

وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ور

سولک فانک ان تکلنی الی نفسی تقربنی

من الشر وتباعدنی من الخیر وانی لا اثق

الا برحمتک فاجعل لی عندک عهدا توفینه

یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد الا قال

الله عز وجل یوم القیمة لملئکته

ان عبدی عهد عندی عهدا فاوفوه ایاه

فیدخله الله عز وجل الجنة قال سهیل

فأخبرت القاسم بن عبد الرحمن ابن عوف فأخبرني

بكذا وكذا فقال ما في أهلنا جارية

إلا وهي تقول هذا في خدرها ولما جلس الرجل

وقال الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً

فيه كما يحب ربنا ويرضى فقال صلى الله عليه

وآله والذي نفسي بيده لقد ابتدرها أملاك

أملاء اثني عشر كلهم حريص على أن يكتبوها فما

دروا كيف يكتبونها حتى رفعوها إلى ذي العزة

فقال اكتبوها كما قال عبدي .

ونقدم سيد الاستغفار   إني

لأستغفر الله   وأتوب إليه في يوم سبعين

مرة   أكثر من سبعين مرة

مائة مرة   توبوا إلى ربكم فإني أتوب

إليه مائة مرة   ما أصر من استغفر وإن

عاد في اليوم سبعين مرة   وإنه ليغان

على قلبي وإني لأستغفر الله في اليوم مائة

مرة   والذي نفسي بيده لو أخطأتم

حتى تملأ خطاياكم ما بين السماء والأرض

استغفرتم الله لغفر لكم والذي نفس محمد

بيده لو لم تخطئوا لجاء الله بقوم يخطئون ثم يستغفرو

ن فيغفر لهم — والذي نفسي بيده لو لم تذ

نبوا لذهب الله بكم ولجاء بقوم يذنبون

فيستغفرون الله فيغفر لهم — من استغفر الله غفر

الله له — من احب ان تسره صحيفته فليكثر

فيها من الاستغفار — ما من مسلم يعمل ذنبا

الا وقف الملك الموكل باحصاء ذنوبه ثلاث

ساعات فان استغفر الله من ذنبه ذلك في

شيء من تلك الساعة لم يوقفه عليه ولم يعذب

يوم القيامة ان ابليس قال لربه عز وجل و

عزتك وجلالك لا ابرح اغوي بني ادم ما

دامت الارواح فيهم فقال له ربه فبعزتي

وجلالي لا ابرح اغفر لهم ما استغفروني

ونقدم حديث الرجل الذي جاء الى النبي

صلى الله عليه وآله وسلم فقال واذنوباه

ما من حافظين يرفعان الى الله في يوم صحيفة

فيرى في اول الصحيفة وفي آخرها استغفارا

الا قال تبارك الله وتعالى قد غفرت لعبدي
ما بين طرفي الصحيفة   من استغفر للمؤمنين
والمؤمنات كتب الله له بكل مؤمن ومؤمنة
حسنة وتقدم من لزم الاستغفار ومن اكثر منه
جعل الله له من كل ضيق مخرجا الحديث ومن
كل هم فرجا ورزقه من حيث لا يحتسب
الحديث   وتقدم من استغفر للمؤمنين
والمؤمنات كل يوم الحديث   وتقدم
حديث الرجل الذي جاءه فقال يا رسول الله

اَحَدُنَا يُذْنِبُ قَالَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ قَالَ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ قَالَ

يُغْفَرُ لَهُ   يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى يَا بْنَ اٰدَمَ اِنَّكَ

مَا دَعَوْتَنِيْ وَرَجَوْتَنِيْ غَفَرْتُ لَكَ عَلٰى مَا كَانَ

مِنْكَ وَلَا اُبَالِيْ يَا بْنَ اٰدَمَ لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوْبُكَ

عِنَانَ السَّمَآءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِيْ غَفَرْتُ لَكَ لَوْ

اَتَيْتَنِيْ بِقُرَابِ الْاَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيْتَنِيْ لَا تُشْرِكُ

بِيْ شَيْئًا لَاَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً   اِنَّ عَبْدًا

اَصَابَ ذَنْبًا فَقَالَ رَبِّ اَذْنَبْتُ ذَنْبًا فَاغْفِرْهُ

لِيْ فَقَالَ رَبُّهُ اَعَلِمَ عَبْدِيْ اَنَّ لَهُ رَبًّا يَغْفِرُ الذَّنْبَ

ويأخذ به غفرت لعبدي ثم مكث ما شاء الله
ثم أصاب ذنبا فقال رب أذنبت ذنبا آخر فا
غفره لي فقال أعلم عبدي أن له ربا يغفر الذنب
ويأخذ به غفرت لعبدي ثم مكث ما شاء الله
ثم أصاب ذنبا فقال رب أذنبت ذنبا آخر فا
غفره لي فقال أعلم عبدي أن له ربا يغفر الذنب
ويأخذ به غفرت لعبدي ثلاثا فليعمل ما شاء
طوبى لمن وجد في صحيفته استغفارا
كثيرا وتقدم حديث الذي شكى إلى رسول

اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ذرب لسانہ فقال

این انت من الاستغفار وکیفیۃ

الاستغفار استغفر اللہ استغفر اللہ

من قال استغفر اللہ الذی لا الہ الا ھو الحی

القیوم واتوب الیہ وان کان قد فر من الزحف

ثلاث مرات خمس مرات

غفر لہ وان کان علیہ مثل زبد البحر

وان کنا لنعد لرسول اللہ صلی اللہ علیہ

و آلہ وسلم فی المجلس الواحد رب اغفر لی وتب

تواب الغفور

وما احسن قول الربيع بن

ل احدكم استغفر الله واتوب اليه

ن ذنبا وكذبا بل يقول اللهم ا

ب علي وليس كما فهم بعض

الاستغفار على هذا الوجه يكون

بل هو ذنب فانه اذا استغفر عن

ولا يستحضر طلب المغفرة ولا بالجاء

لبه فان ذلك ذنبا عقابه الحرمان

وهذا كقول رابعة استغفارنا يحتاج

الى استغفار كثير واما اذا قال توب الى الله

ولم يتب فلا شك انه كذب واما الدعاء

بالمغفرة والتوبة فانه وان كان غافلا فقد

يصادف وقتا فيقبل فمن اكثر طرق الباب

يوشك ان يلج ويوضح ذلك اكثاره صلى

الله عليه واله وسلم في المجلس الواحد منه

مائة مرة وقطعه لمن قال استغفر الله واتوب

اليه بالمغفرة وان كان قد فر من الزحف

مرّةً او ثلاث مرّاتٍ فبها قد كشف لك الغطاءُ

فاختر لنفسك ما يحلو وفى كتاب الزهد عن

لقمان عوّد لسانك باللّهمّ اغفر لى فانّ لله

ساعاتٍ لا يردّ فيهنّ سائلاً العظيم

وسورةٍ منه وآياتٍ فاقرؤا القران فانّه ياتى

يوم القيمة شفيعاً لاصحابه يقول الله سبحانه

وتعالى من شغله القران عن ذكرى ومسئلتى

اعطيته افضل ما اعطى السائلين وفضل كلام

الله على سائر الكلام كفضل الله على خلقه

تعلموا القرآن واقرأوه فإن مثل القرآن

لمن تعلمه فقرأه وقام به كمثل جراب ملأ

مسكا يفوح ريحه في كل مكان ومثل من

تعلمه فيرقد وهو في جوفه كمثل جراب

أوكي على مسك   من قرأ حرفا من

كتاب الله فله حسنة والحسنة بعشر

أمثالها لا أقول الم حرف ألف حرف ولام حرف

وميم حرف   لا حسد إلا في اثنين رجل

آتاه الله القرآن فهو يقوم به آناء الليل وآناء

آناءَ اللَّيْلِ وَآناءَ النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُهُ آنَاءَ اللَّيْلِ

وَآنَاءَ النَّهَارِ يُقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ اقْرَءْ

وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ

مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ الَّذِي يَقْرَءُ الْقُرْآنَ وَ

هُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذِي

يَقْرَءُهُ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ

الْفَاتِحَةُ أَعْظَمُ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ هِيَ

السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ

أُعْطِيتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ

بينا جبرئيل قاعد عند النبيّ صلّى الله

عليه وآله وسلّم سمع نقيضاً من فوقه فرفع

راسه فقال هذا ملك نزل الى الارض لم

ينزل قط الّا اليوم فسلّم فقال ابشر بنورين او

تيتهما لم يؤتهما نبيّ قبلك فاتحة الكتا

وخواتيم سورة البقرة لن تقرء بحرف منهما الّا

اعطيته   البقرة انّ الشيطان ينفر من البيت

الّذي تقرء فيه البقرة   اقرؤها فانّ

اخذها بركة وتركها حسرة ولا يستطيعها

البطلة لِكُلِّ شَيءٍ سنامٌ وسنامُ القرآن

البقرةُ من قرأها ليلاً لم يدخلِ

الشيطانُ بيتهُ ثلثَ ليالٍ ومن قرأها نهاراً

لم يدخلِ الشيطانُ بيتهُ ثلاثةَ ايامٍ اعطيتُ

البقرةَ من الذكرِ الاوّلِ البقرةُ وآلِ

عمران اقرأوا الزهراوينِ البقرةَ وآلَ عمرانَ

فانهما تاتيانِ يومَ القيمةِ كانهما غمامتانِ

او كانهما غيابتانِ او كانهما فرقانِ من

طيرٍ صوافٍ تحاجانِ عن اصحابهما ۔ ايةُ الكر

هِيَ اَعْظَمُ اٰيَةٍ فِيْ كِتَابِ اللّٰهِ   هِيَ سَيِّدَةُ

اٰيِ الْقُرْاٰنِ   لَا تَضَعُهَا عَلٰى مَارِدٍ اِلَّا

وَلَّدِ فَيَقْرَبُكَ شَيْطَانٌ   اَلْاٰيَتَانِ اٰمَنَ الرَّ

سُوْلُ اٰخِرُ الْبَقَرَةِ لَا تُقْرَاٰنِ فِيْ دَارٍ ثَلٰثَ لَيَالٍ

فَيَقْرَبُهَا الشَّيْطَانُ   اِنَّ اللّٰهَ خَتَمَ

الْبَقَرَةَ بِاٰيَتَيْنِ اَعْطَانِيْهِمَا مِنْ كَنْزِهِ الَّذِيْ

تَحْتَ عَرْشِهٖ فَتَعَلَّمُوْهُنَّ وَعَلِّمُوْهُنَّ نِسَاءَكُمْ وَ

اَبْنَاءَكُمْ فَاِنَّهَا صَلٰوةٌ وَّقُرْاٰنٌ وَّدُعَاءٌ

اَلْاَنْعَامُ لَمَّا نَزَلَتْ سَبَّحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ لَقَدْ شَيَّعَ هٰذِهِ السُّوْرَةَ

مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا سَدُّوا الْأُفُقَ الْكَهْفِ مَنْ

قَرَأَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّوْرِ مَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ

مَنْ قَرَأَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ

النُّوْرِ فِيْمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْبَيْتِ الْعَتِيْقِ وَمَنْ

قَرَأَهَا كَمَا أُنْزِلَتْ كَانَتْ لَهُ نُوْرًا مِنْ مَقَامِهِ

إِلَى مَكَّةَ وَمَنْ قَرَءَ بِعَشْرِ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا ثُمَّ خَرَجَ

الدَّجَّالُ لَمْ يَضُرُّهُ - مَنْ حَفِظَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ

قَرَءَ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنَ الْكَهْفِ عُصِمَ مِنْ فِتْنَةِ

الدجال من قرأ ثلاث آيات من أول الكهف

عصم من فتنة الدجال من أدرك الدجال

فليقرأ عليه فواتحها الحديث فإنها

جوار له من فتنته واعطيت طه والطواسين

والحواميم من ألواح موسى قلب القرآن

يس لا يقرأها رجل يريد الله والدار الآخرة

إلا غفر له اقرأوها على موتاكم

الفتح هي أحب إلي مما طلعت عليه الشمس

تبارك الملك ثلاثون آية شفعت

لِرَجُلٍ حَتّٰى غُفِرَ لَهٗ　　تَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهَا

حَتّٰى يُغْفَرَ لَهٗ　　وَدِدْتُ اَنَّهَا فِيْ قَلْبِ كُلِّ

مُؤْمِنٍ　　يُؤْتَى الرَّجُلُ فِيْ قَبْرِهٖ فَيُؤْتٰى رِجْلَاهُ

فَيَقُوْلُ لَيْسَ لَكُمْ سَبِيْلٌ كَانَ يَقْرَءُ بِيْ سُوْرَةَ

الْمُلْكِ ثُمَّ يُؤْتٰى مِنْ صَدْرِهٖ وَمِنْ بَطْنِهٖ ثُمَّ يُؤْتٰى

مِنْ رَاْسِهٖ كُلٌّ يَقُوْلُ كَذٰلِكَ فَهِيَ تَمْنَعُ

مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَهِيَ فِي التَّوْرٰىةِ مَنْ قَرَاَهَا

لَيْلَةً فَقَدْ اَكْثَرَ وَاَطْيَبَ　　اِذَا زُلْزِلَتِ

الْاَرْضُ رُبُعَ الْقُرْاٰنِ　　تَعْدِلُ نِصْفَ الْقُرْاٰنِ

يا رسول الله اقرأني سورة جامعة

فاقرأه اذا زلزلت الارض حتى فرغ منها

فقال والذي بعثك بالحق لا ازيد عليها

ابدا ثم ادبر الرجل فقال النبي صلى الله

عليه وآله وسلم افلح الرويجل مرتين

الكافرون ربع القرآن

نعم السورتان هما تقرآن في الركعتين

قبل الفجر الكافرون والاخلاص اذا

جاء نصر الله ربع القرآن قل هو الله احد

ثُلث القُرآنِ ۔ تعدِلُ ثُلث القرآن

وقال عن رجلٍ کان یقرءُ بہا

لاِصحابہٖ فِی الصّلوٰۃ اخبرُوُہ انّ اللہ یُحِبُّہٗ

وقال لِرجلٍ کان بلازِم قِرأتہا مع غیرِھا

فِی الصّلوٰۃِ حبُّكَ ایّاھا ادخلكَ الجنّۃَ

وسمع رجلاً یقرؤھا فقال وجبت الجنّۃ اِی وَاللہ

والّذی نفسی بیدہٖ انّہا لتعدِلُ ثُلث

القُرآنِ ۔ من اراد ان ینام علٰی فراشہ

فنام علٰی یمینہٖ ثُمّ قرا مِائۃ مرّۃٍ قُل ھُو اللہ احدٌ

اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَقُوْلُ الرَّبُّ يَا عَبْدِيْ

اُدْخُلْ عَلٰى يَمِيْنِكَ الْجَنَّةَ ـ اَلْفَلَقُ وَالنَّاسُ

اَلَا اُعَلِّمُكَ خَيْرَ سُوْرَتَيْنِ قُرِئَتَا

اِقْرَأْهُمَا وَلَنْ تَقْرَءَ بِمِثْلِهِمَا

وَكَانَ صَلَّى اللّٰهُ

عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْجَانِّ وَعَيْنِ

الْاِنْسَانِ حَتّٰى نَزَلَتِ الْمُعَوَّذَتَانِ

اَخَذَ بِهِمَا وَتَرَكَ مَا سِوٰهُمَا

مَا سَأَلَ سَائِلٌ وَلَا اسْتَعَاذَ

مُسْتَعِيْذٌ بِمِثْلِهِمَا اِقْرَءْ بِهِمَا

كُلَّمَا نِمْتَ وَكُلَّمَا قُمْتَ اِقْرَءْ

بِاَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ فَاِنَّكَ لَنْ تَقْرَءَ بِسُوْرَةٍ

اَحَبَّ اِلَى اللهِ وَاَبْلَغَ عِنْدَهُ مِنْهُ فَاِنِ

اسْتَطَعْتَ اَنْ لَا تَفُوْتَكَ فَافْعَلْ

لَنْ تَقْرَءَ شَيْئًا اَبْلَغَ عِنْدَ اللهِ مِنْ قُلْ
اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

اَلَمْ تَرَ اٰيَاتٍ

نَزَلَتِ اللَّيْلَةَ لَمْ تَرَ مِثْلَهُنَّ قَطُّ

الْفَلَقُ وَالنَّاسُ

وَالادعيةُ التي هي غير مخصوصة بوقت
ولا سبب اللهم اني اعوذبك من الكسل و
الهرم والمغرم والماثم اللهم اني اعوذبك
من عذاب النار وفتنة النار وفتنة القبر و
عذاب القبر وشر فتنة الغنى وشر فتنة
الفقر وشر فتنة المسيح الدجال اللهم اغسل
خطاياي بماء الثلج والبرد ونق قلبي من
الخطايا كما ينقى الثوب الابيض من
الدنس وباعد بيني وبين خطاياي كما باعد

بين المشرق والمغرب اللهم اني اعوذ

بك من العجز والكسل والجبن والهرم

واعوذ بك من عذاب القبر واعوذ بك من فتنة

المحيا والممات واعوذ بك من القسوة

والغفلة والعيلة والذلة والمسكنة واعوذ

بك من الفقر والكفر والفسوق والشقاق

والسمعة والرياء واعوذ بك من الصمم والبكم

والجنون والجذام وسيئ الاسقام

اللهم اني اعوذ بك من الهم والحزن

الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَضَلَعِ

الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ

بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُرَدَّ اِلٰی اَرْذَلِ

الْعُمُرِ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْیَا وَاَعُوْذُ بِكَ

مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ

بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْهَرَمِ وَ

عَذَابِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اٰتِ نَفْسِیْ تَقْوٰهَا وَزَكِّهَا

اَنْتَ خَیْرُ مَنْ زَكّٰهَا اَنْتَ وَلِیُّهَا وَمَوْلٰهَا

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَّا یَنْفَعُ وَمِنْ

قلبٍ لا يخشع ومن نفسٍ لا تشبع ومن دعاءٍ لا

يستجاب لها اللهم انى اعوذ بك

من الجبن والبخل وسوء العمر وفتنة الصدر

وعذاب القبر اللهم انى

اعوذ بعزتك لا اله الا انت ان تضلنى انت

الحى الذى لا يموت والجن والانس يموتون

اللهم انا نعوذ بك من جهد

البلاء ودرك الشقاء وسوء القضاء وشماتة

الاعداء اللهم انى اعوذ بك من شر ما

عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ اَعْمَلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی

اَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ اَعْلَمْ

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُبِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ

وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَجَمِيْعِ سَخَطِكَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِیْ وَمِنْ

شَرِّ بَصَرِیْ وَمِنْ شَرِّ لِسَانِیْ وَمِنْ شَرِّ قَلْبِیْ وَمِنْ

شَرِّ مَنِیِّیْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُبِكَ

مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَالذِّلَّةِ وَاَعُوْذُبِكَ مِنْ

اَنْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُبِكَ

مِنَ الهَدَمِ وَاعُوْذُ بِكَ مِنَ التَّرَدِّی وَاعُوْذُ

بِكَ مِنَ الغَرَقِ وَالحَرَقِ وَالهَرَمِ وَاعُوْذُ بِكَ

اَنْ یَّتَخَبَّطَنِی الشَّیطَانُ عِنْدَ المَوْتِ وَاعُوْذُ بِكَ

مِنْ اَنْ اَمُوْتَ فِی سَبِیْلِكَ مُدْبِرًا وَاعُوْذُ بِكَ

مِنْ اَنْ اَمُوْتَ لَدِیْغًا ۔ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ

بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الاَخْلَاقِ وَالاَعْمَالِ وَ

الاَهْوَاءِ وَالاَدْوَاءِ ۔ اَللّٰهُمَّ

اِنَّا نَسْئَلُكَ مِنْ خَیْرِ مَا سَاَلَكَ نَبِیُّكَ مُحَمَّدٌ

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ

شرِّ مَا استعاذ منهُ نبیُّك محمّدٌ وانت المستعان

وعلیك البلاغ ولاحول ولاقوّة الّا باللّٰه

اَللّٰھُمّ اِنّی اعوذ بك من جار السّوء فی دار

المُقامة فانّ جار البادیة یتحوّل

اعوذ بك من الکفر والدَّین اللّٰھُمّ انّی

اعوذ بك من غلبة الدَّین وغلبة العدوّ

وشماتة الاعداء اللّٰھمّ انّی اعوذ

بك من علمٍ لا ینفع ومن قلبٍ لا یخشع ومن

دعاءٍ لا یُسمع ونفسٍ لا یشبع ومن

الجوع فإنّه بئس الضجيع ومن الخيانة

فبئست البطانة ومن الكسل والبخل و

الجبن والهرم ومن أن أردّ إلى أرذل العمر

ومن فتنة الدجّال وعذاب القبر وفتنة

المحيا والممات اللّهمّ إنّي أسألك عزائم

مغفرتك ومنجيات أمرك والسّلامة من كلّ إثم

والغنيمة من كلّ برّ والفوز بالجنّة والنّجاة من

النّار اللّهمّ إنّي أسألك علمًا نافعًا وأعوذ

بك من علم لا ينفع وعمل لا يرفع وقلب لا يخشع

وقول لا يسمع   اللهم انا نعوذ

بك ان نرجع على اعقابنا او نفتن عن ديننا

نعوذ بالله من عذاب القبر نعوذ بالله من الفتن

ما ظهر منها وما بطن نعوذ بالله من فتنة الدجال

اللهم انى اعوذ بك من علم لا ينفع ومن

قلب لا يخشع ومن نفس لا تشبع ومن دعاء لا

يسمع اللهم انى اعوذ بك من هؤلاء الاربع

اللهم اغفر لى ذنوبى وخطائى

وعمدى ۔ اللهم انى اعوذ بك من دعاء

وَقَلبٍ لَا يَخشَعُ وَنَفسٍ لَا تَشبَعُ اَللّٰهُمَّ

وذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالهَرَمِ وَفِتنَةِ

وَعَذَابِ القَبرِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

يَومِ السَّوءِ وَمِن لَيلَةِ السَّوءِ وَمِن سَاعَةِ

وَمِن صَاحِبِ السَّوءِ وَمِن جَارِ السَّوءِ

مُقَامَةِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

صِ وَالجُنُونِ وَالجُذَامِ وَسَيِّئِ الأَسقَامِ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشِّقَاقِ

اقِ وَسُوءِ الأَخلَاقِ ۔ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

بِكَ مِنَ الْجُوعِ فَاِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ
الْخِيَانَةِ فَاِنَّهَا بِئْسَتِ الْبِطَانَةُ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْاَرْبَعِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ
وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ
اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِی الْاٰخِرَةِ
حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِیْ خَطِيْئَتِیْ وَجَهْلِیْ وَاِسْرَافِیْ فِیْ اَمْرِیْ
وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّیْ ــ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ هَزْلِیْ
وَجِدِّیْ وَخَطَائِیْ وَعَمْدِیْ وَكُلُّ ذٰلِكَ عِنْدِیْ

اَللّٰهُمَّ اَنتَ المُقَدِّمُ وَاَنتَ المُؤَخِّرُ وَ

اَنتَ عَلٰی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ اغفِر

لِی جِدِّی وَ هَزلِی وَخَطَایَ وَعَمدِی وَکُلِّ

ذٰلِکَ عِندِی اَللّٰهُمَّ اغسِل عَنِّی خَطَایَایَ

بِمَاءِ الثَّلجِ وَالبَرَدِ وَنَقِّ قَلبِی مِنَ الخَطَایَا کَمَا

نَقَّیتَ الثَّوبَ الاَبیَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَبَاعِد بَینِی وَ

بَینَ خَطَایَایَ کَمَا بَاعَدتَ بَینَ المَشرِقِ وَ

المَغرِبِ اَللّٰهُمَّ مُصَرِّفَ القُلُوبِ صَرِّف

قُلُوبَنَا عَلٰی طَاعَتِکَ اَللّٰهُمَّ اهدِنِی وَ

سدادی اللهم انی اسئلک الهدی والسداد

اللهم انی اسئلک الهدی والتقی والعفاف

والغنی اللهم اصلح لی دینی الذی

هو عصمة امری واصلح لی دنیای التی فیها

معاشی واصلح لی اخرتی التی فیها معادی و

اجعل الحیوة زیادة لی فی کل خیر واجعل

الموت راحة لی من کل شر اللهم اغفر

لی وارحمنی وعافنی وارزقنی واهدنی

رب اعنی ولا تعن علی وانصرنی ولا تنصر علی

وامكر لي ولا تمكر علي واهدني ويسر

الهدى لي وانصرني على من بغى علي رب اجعلني

لك ذكارا لك شكارا لك رهابا لك

مطواعا لك مخبتا إليك أواها منيبا رب تقبل

توبتي واغسل حوبتي وأجب دعوتي وثبت

حجتي وسدد لساني واهد قلبي واسلل سخيمة

صدري اللهم اغفر لنا وارحمنا

وارض عنا وتقبل منا وأدخلنا الجنة ونجنا

من النار وأصلح لنا شأننا كله اللهم

الف بين قلوبنا واصلح ذات بيننا واهدنا سبل

السلام ونجنا من الظلمات الى النور وجنبنا

الفواحش ما ظهر منها وما بطن وبارك لنا في

اسماعنا وابصارنا وقلوبنا وازواجنا وذريا

تنا وتب علينا انك انت التواب الرحيم واجعلنا

شاكرين لنعمتك ومثنين بها قابليها واتمها

علينا اللهم اني اسئلك الثبات

في الامر واسئلك شكر نعمتك وحسن

عبادتك واسئلك لسانا صادقا وقلبا

وَخُلُقًا مُسْتَقِيمًا وَاَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ مَا

سْئَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِمَا

لَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ

غْفِرْلِيْ مَا قَدَّمْتُ وَمَا اَخَّرْتُ وَمَا اَعْلَنْتُ

نْتَ اَعْلَمُ بِهٖ مِنِّيْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ

لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُوْلُ بِهٖ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَا

وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهٖ جَنَّتَكَ وَمِنَ

نَ مَا تُهَوِّنُ بِهٖ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَ

اَسْمَاعِنَا وَاَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا وَ

اجعله الوارث منا واجعل ثارنا على من ظلمنا

وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في

ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا ولا مبلغ علمنا

ولا غاية رغبتنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا

اللهم زدنا ولا تنقصنا واكرمنا

ولا تهنا واعطنا ولا تحرمنا واثرنا ولا تؤثر علينا

وارضنا وارض عنا اللهم الهمني

رشدي واعذني من شر نفسي اللهم

في شر نفسي واعزم لي على رشد امري اللهم

اغفر لي ما اسررت وما اعلنت وما اخطأت

وما عمدت وما جهلت اسئل الله

العافية في الدنيا والآخرة اللهم اني اسئلك

فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين

وان تغفر لي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة

فتوفني غير مفتون واسئلك حبك وحب من يحبك

وحب عمل يقرب الى حبك اللهم اني اسئلك

حبك وحب من يحبك والعمل الذي يبلغني

حبك اللهم اجعل حبك احب الي من نفسي و

اهلي ومن الماء البارد اللهم ارزقني

حبك وحب من ينفعني حبه عندك اللهم فما

رزقتني مما احب فاجعله قوة لي فيما تحب اللهم

وما زويت عني مما احب فاجعله فراغا لي فيما

تحب اللهم متعني بسمعي وبصري و

اجعلهما الوارث مني وانصرني على من

ظلمني وخذ بثاري يا مقلب القلوب ثبت

قلبي على دينك اللهم اني اسألك

ايمانا لا يرتد ونعيما لا ينفد ومرافقة نبينا

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فِي أَعْلٰى دَرَجَةِ

الْجَنَّةِ وَجَنَّةِ الْخُلْدِ   اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْئَلُكَ

صِحَّةً فِي إِيْمَانٍ وَإِيْمَانًا فِي حُسْنِ خُلُقٍ وَنَجَاحًا

تَتْبَعُهُ فَلَاحًا وَرَحْمَةً مِنْكَ وَعَافِيَةً وَمَغْفِرَةً مِنْكَ

وَرِضْوَانًا   اَللّٰهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ

عَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَارْزُقْنِي تَنْفَعُنِي بِهٖ

اَللّٰهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي

وَزِدْنِي عِلْمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى كُلِّ حَالٍ وَأَعُوْذُ

بِاللّٰهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ   اَللّٰهُمَّ بِعِلْمِكَ

الغيب وقدرتك على الخلق احيني ما علمت الحيوة

خيرا لي وتوفني اذا علمت الوفاة خيرا لي واسئلك

خشيتك في الغيب والشهادة وكلمة الاخلاص

في الرضى والغضب واسئلك نعيما لا ينفد

وقرة عين لا تنقطع واسئلك الرضا بالقضاء

وبرد العيش بعد الموت ولذة النظر الى و

جهك والشوق الى لقائك واعوذ بك من ضراء

مضرة وفتنة مضلة اللهم زينا بزينة الايمان واجعلنا

هداة مهتدين اللهم اني اسئلك من

الخیر کله عاجله وآجله ما علمت منه وما

از نیکوئی همه آن بشتاب آن و دیرتر آن آنچه دانستم از آن و آنچه

لم اعلم واعوذ بك من الشر کله عاجله

ندانم من و پناه میبرم بتو از بدی همه آن شتابنده

وآجله ما علمت منه وما لم اعلم اللهم انی اسا

و دیرتر آن آنچه دانستم از آن و آنچه ندانستم ای بار خدایا بدرستیکه من

لك من خیر ما سألك عبدك ونبیك واعوذ

از تو از نیکوئی آنچه خواست از تو بنده تو و پیغمبر تو و پناه میبرم

بك من شر ما عاذ منه عبدك ونبیك اللهم

بتو از بدی آنچه پناه جست بنده تو و پیغمبر تو ای بار خدایا

انی اسألك الجنة وما قرب الیها من قول او

بدرستیکه من میخواهم از تو بهشت و آنچه نزدیک کند بسوی آن از گفتار یا

عمل واعوذ بك من النار ومن قرب الیها

کردار و پناه میبرم بتو از آتش دوزخ و آنچه نزدیک کند بآن

من قول او عمل واسألك ان تجعل کل قضاء

از گفتار یا کردار و میخواهم از تو آنکه گردانی همه قضا را

لی خیرا واسألك ما قضیت لی

برای من نیکوئی و میخواهم از تو آنچه قضا کردی برای من

من امرٍ ان تجعل عاقبته رشداً اللهم
از کاری که بگردانی عاقبت او را روشنی ای بار خدایا

احسن عاقبتنا فی الامور کلها واجرنا من
نیکو کن عاقبت ما را در کارهای همه آن و برهان ما را از

خزی الدنیا وعذاب الآخرة اللهم
خواری دنیا و عذاب آخرت ای بار خدا

احفظنی بالاسلام قائماً واحفظنی بالاسلام
نگاه دار مرا با اسلام ایستاده و نگاه دار مرا با اسلام

قاعداً واحفظنی بالاسلام راقداً ولا تشمت بی
نشسته و نگاه دار مرا با اسلام در خواب و شاد مکن بمن

عدواً ولا حاسداً اللهم انی اسئلک من کل
دشمن و نه حاسد ای بار خدایا بدرستی میخواهم از تو از همه

خیر خزائنه بیدک اللهم انی اعوذ
نیکوئی که خزینهای آن بدست تست ای بار خدایا بدرستی پناه

بک من شر ما انت آخذ بناصیته واسألک
میبرم بتو از بدی آنچه توئی گیرنده پیشانی وی و میخواهم

من الخیر الذی هو بیدک کله اللهم
از نیکوئی آن که آن بدست تست همه آن ای بار خدا

بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَاخْلُفْ عَلَى كُلِّ

غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عِيشَةً

نَقِيَّةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَمَرَدًّا غَيْرَ مُخْزِيٍّ وَلَا

اَللّٰهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ

اِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْاِسْلَامَ مُنْتَهٰى

رِضَايَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّنِي وَاِنِّي

ذَلِيلٌ فَاَعِزَّنِي وَفَقِيرٌ فَارْزُقْنِي اَللّٰهُمَّ

اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَاَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَا

شَيْءَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ نَاصِيَتُهَا

بيدك واعوذ بك من الاثم والكسل وعذاب

... در دست تست ... و پناه میبرم بتو از گناه و کاهلی و عذاب

القبر وفتنة الفقر واعوذ بك من المأثم والمغرم

قبر و فتنه محتاجی و پناه میبرم بتو از هر گناه و تاوان

اللهم نقني من خطاياي كما نقيت الثوب

بار خدایا پاک کن مرا از خطاهای خود چنانکه پاک کردی جامه

الابيض من الدنس اللهم باعد بيني وبين

سفید را از چرک ... بار خدایا دور دار میان من و میان

خطاياي كما باعدت بين المشرق والمغرب

گناهان ... چنانکه دوری کردی میان مشرق و

المغرب هذا ما سأل محمد ربه اللهم

مغرب این است که حضرت محمد خواست از پروردگار ای بار خدایا

اني اسئلك خير المسألة وخير الدعاء وخير

من می‌خواهم از تو نیکی مسئلت و نیکی دعا و نیکی

النجاح وخير العمل وخير الثواب وخير الحياة

رستگاری و بهترین کردار و بهترین پاداش و بهترین زندگانی

وخير الممات وثبتني وثقل موازيني وحقق

و بهترین مردن ... و ثابت کن مرا ... گران کن ترازوی من و ثابت کن

ایمانی وارفع درجتی وتقبل صلوتی واغفر

ایمان مرا و بلند کن پایہ مرا وقبول کن نماز مرا و بیامرز

خطیئتی واسئلک الدرجات العلی من الجنۃ

گناہ مرا … از تو درجہای بلند را … بہشت

امین اللہم انی اسئلک فواتح الخیر وخواتمہ

… می خواہم از تو ابتدای نیکی و تمام

وجوامعہ واولہ واخرہ وظاہرہ وباطنہ

ومجموع آنرا واول آن وآخر آن وآشکارای آن وپنہان آن

والدرجات العلی من الجنۃ امین اللہم انی

ودرجہای بلند از بہشت … خداوندا

اسئلک خیر ما اتی بہ وخیر ما افعل وخیر ما

می خواہم … کنم …

اعمل وخیر ما بطن وخیر ما ظہر والدرجات العلی من

… درجہای بلند بلند از

الجنۃ امین اللہم انی اسئلک ان ترفع

بہشت … می خواہم از تو آنکہ بلند کنی

ذکری وتضع وزری وتصلح امری

ذکر مرا و فرود کنی بار گناہ مرا و شایستہ کنی کار

وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتُحَصِّنَ فَرْجِي وَتُنَوِّرَ قَلْبِي وَتَغْفِرَ

وپاک کنی دل مرا و نگاه داری فرج مرا و روشن کنی دل مرا و بیامرزی

لِي ذَنْبِي وَاَسْئَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى مِنَ

گناه مرا و میخواهم از تو درجهای بلند از

الْجَنَّةِ اٰمِين اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ لِي

بهشت چنین باد ای بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو ان برکت کنی در

فِي سَمْعِي وَفِي بَصَرِي وَفِي رُوحِي وَفِي خُلُقِي وَ

شنوائی من و در بینائی من و در روح من و در صورت من و

فِي اَهْلِي وَفِي مَحْيَايَ وَفِي مَمَاتِي وَفِي عَمَلِي

در اهل و در زندگانی من و در مردن من و در کردار من

وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي وَاَسْئَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى

و قبول کنی نیکیهای من و میخواهم از تو درجهای بلند

مِنَ الْجَنَّةِ اٰمِين اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوْسَعَ

از بهشت چنین باد ای بار خدایا بگردان فراخ

رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَانْقِطَاعِ

روزی خود را بر من نزدیک بزرگی سال من و تمام شدن

عُمْرِي اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَخَطَايَ

عمر من ای بار خدایا بیامرز گناهان مرا و خطا

عمدی یا من لا تراه العیون ولا تخالطه

و دل نشیند ... ای آنکه نمی بیند او را چشمها و نه آمیزد با او

الظنون ولا یصفه الواصفون ولا تغیره الحوادث

گمانها و نه صفت کنند او را صفت کنندگان و نه متغیر سازد او را حادثها

ولا یخشی الدوائر ویعلم مثاقیل الجبال ومکاییل

و نه ترسد از گردشها و میداند ... و ... های کوهها و پیمانهای

البحار وعدد قطر الامطار وعدد ورق الاشجار

دریاها را و شمار قطرهای بارانها و شمار ورقهای درختها

وعدد ما اظلم علیه اللیل واشرق علیه النهار

و شمار آنچه تاریک شد بر وی شب و روشن شد بر وی روز

ولا تواری منه سماء سماء ولا ارض ارضا و

و نه پوشد از او آسمان آسمانی را و نه زمین زمینی را و

لا بحر ما فی قعره ولا جبل ما فی وعره اجعل

نه دریا آنچه در ته عمق اوست و نه کوه آنچه در بلندی آن بگردان

خیر عمری آخره وخیر عملی خواتیمه وخیر ایامی

بهترین عمر مرا آخر آن و بهترین کردار مرا آخر آن و بهترین روزهای من

یوم القاک فیه یا ولی الاسلام واهله

روزی که ملاقات تو کنم ای دوست اسلام و اهل آن

ثبتنی به حتی القاک اللهم انی اسئلک الرضا

بالقضاء وبرد العیش بعد الموت ولذة النظر

الی وجهک والشوق الی لقائک فی غیر ضراء

مضرة ولا فتنة مضلة اللهم احسن عاقبتنا

فی الامور کلها واجرنا من خزی الدنیا وعذاب

الآخرة من کان ذلک دعاءه مات قبل

ان یصیبه البلاء اللهم انی اسئلک

غنای وغنی مولای اللهم انی اسئلک

عیشة نقیة ومیتة سویة ومردا غیر مخزی

ولا فاضح اللهم اغفر لي وارحمني وادخلني الجنة

اللهم بارك لي في ديني الذي هو عصمة امري

وفي آخرتي التي اليها مصيري وفي دنياي التي

فيها بلاغي واجعل الحيوة زيادة لي في كل

خير واجعل الموت راحة لي من كل شر اللهم

اجعلني صبورا واجعلني شكورا واجعلني في

عيني صغيرا وفي اعين الناس كبيرا اللهم

اللهم اني اسألك الطيبات وفعل الخيرات وترك

المنكرات وحب المساكين وان تتوب علي

ناشائستہا و دوستی درویشان و رجوع کنی بر من

أمري وأعوذ بك من شر نفسي ا

كار خود و پناه میبرم بتو از بدی نفس خود

استغفرك لذنبي واستهديك لمراشد

آمرزش میخواهم برای گناه خود و طلب هدایت میکنم از تو برای دوستی

وأتوب إليك فتب علي إنك أنت

و توبه میکنم بسوی تو پس توبه ده مرا بدرستیکه توئی توبه

فاجعل رغبتي إليك واجعل غناي في

پس بگردان خواهش مرا بسوی تو و بگردان بی‌نیازی من در

وبارك فيما رزقتني وتقبل مني إنك أنت

و برکت ده در روزی من پس قبول کن از من بدرستیکه توئی

يا من أظهر الجميل وستر على ال

ای آنکه آشکارا کرد نیکی و پوشید بر بد

خذ بالجريرة ولا يهتك الستر يا

گناه و نمیدرد پرده را ای

العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة

بخشش ای نیکو درگذرنده ای فراخ آمرزش

اليدين بالرحمة يا صاحب ك

دو دست خود برحمت ای صاحب هر راز

يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيْمَ الصَّفْحِ يَا

اى نهايت هر شكايت اى بزرگ درگذر كننده اى

عَظِيْمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا

بزرگ منت اى ابتدا كننده بنعمت پيش از استحقاق اى

رَبَّنَا وَيَا سَيِّدَنَا وَيَا مَوْلَانَا وَيَا غَايَةَ رَغْبَتِنَا

پروردگار ما واى سيد ما واى دوست ما واى نهايت خواهش ما

اَسْئَلُكَ يَا اللّٰهُ اَنْ لَا تُشْوِيَ خَلْقِي بِالنَّارِ ثُمَّ

ميخواهم از تو اى خدا آنكه نسوزانى خلقت مرا بآتش پس

هَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ

راه نمودى پس مر تراست ستايش بزرگ است بردبارى تو پس عفو كردى پس مر تراست

الْحَمْدُ بَسَطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ

ستايش كشاده كردى دست خود را پس دادى تو پس مر تراست ستايش

رَبَّنَا وَجْهُكَ اَكْرَمُ الْوُجُوْهِ وَجَاهُكَ اَعْظَمُ

اى رب ما روى تو بهترين رويهاست و قدر تو بهترين

الْجَاهِ وَعَطِيَّتُكَ اَفْضَلُ الْعَطِيَّةِ وَاَهْنَاُهَا

قدرها و عطاى تو بهترين عطاهاست و گواراترين

تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ وَتُجِيْبُ

اطاعت كرده ميشوى اى پروردگار ما پس ثواب ميدهى و نافرمانى پروردگار ما پس مى‌آمرزى و اجابت

الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتَغْفِرُ

بیچاره را و میبردی [illegible] را و شفا میدهی مریض را و می‌آمرزی

الذَّنْبَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَلَا يَجْزِي بِآلَائِكَ

گناه را و می‌پذیری توبه را و نه پاداش [illegible] همه نعمتهای تو هیچ

أَحَدٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ

کسی و نه [illegible] ستایش تو [illegible] گوینده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ

ای بار خدایا بدرستیکه میخواهم از تو [illegible] و رحمت تو پس [illegible]

لَا يَمْلِكُهَا إِلَّا أَنْتَ ‏ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا

مالک نمیشود آنرا [illegible] ای بار خدایا بیامرز مرا

أَخْطَأْتُ وَمَا تَعَمَّدْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ

خطا کردم [illegible] و آنچه [illegible] نمودم و آنچه پنهان کردم و آنچه آشکارا کردم

وَمَا جَهِلْتُ وَمَا عَلِمْتُ ‏ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا

و آنچه نادانی کردم و آنچه دانستم ای بار خدایا بیامرز ما را

ذُنُوبَنَا وَظُلْمَنَا وَهَزْلَنَا وَجِدَّنَا وَخَطَأَنَا

گناهان ما [illegible] ستم ما را بیهودگی ما را و کوشش ما را و خطای ما را

وَعَمْدَنَا وَكُلُّ ذٰلِكَ عِنْدَنَا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

و دانسته ما و همه [illegible] ای بار خدایا بیامرز مرا

وخطائی وعمدی وهزلی وجدی ولا تحرمنی برکة

ما اعطیتنی ولا تفتنی فیما احرمتنی اللهم

احسنت خلقی فاحسن خلقی رب اغفر و

ارحم واهدنی السبیل الاقوم سلوا الله

العفو والعافیة فان احدا لم یعط بعد الیقین

خیرا من العافیة یا رسول الله

علمنی شیئا ادعو الله به فقال سل ربک العافیة

فمکثت ایاما ثم جئت فقلت یا رسول الله

علمنی شیئا اسئله ربی عز وجل فقال یا عم

سَلِ اللّٰهَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا عَمُّ

بخواه از خدا صحت را در دنیا و آخرت ای عمو

اَكْثِرِ الدُّعَاءَ بِالْعَافِيَةِ مَا سَأَلَ اللّٰهَ الْعِبَادُ

بسیار بکن دعا را بصحت بخواسته از خدا بندگان

شَيْئًا اَفْضَلَ مِنْ اَنْ تَغْفِرَ لَهُمْ وَيُعَافِيَهُمْ

چیزی را زیاده تر از آنکه بیامرزد ایشان را و عافیت دهد

يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلَا تُعَلِّمُنِي دَعْوَةً اَدْعُو بِهَا

ای رسول خدا آیا تعلیم نمیکنی مرا دعائی که بخوانم بآن برای

لِنَفْسِي قَالَ بَلٰى قُولِي اَللّٰهُمَّ رَبَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ

نفس خود فرمود آری بگو ای بار خدایا پروردگار پیغمبر محمد بیامرز

لِي ذَنْبِي وَاَذْهِبْ غَيْظَ قَلْبِي وَاَجِرْنِي مِنْ مُضِلَّاتِ

گناه مرا و ببر خشم دل من و پناه ده مرا از گمراه کنندگان

الْفِتَنِ مَا اَحْيَيْتَنَا لَا يَقُولَنَّ اَحَدُكُمُ اللّٰهُمَّ

فتنه ها تا زنده داری ما را نمیگوید یکی از شما ای بار خدایا

لَقِّنِّي حُجَّتِي فَاِنَّ الْكَافِرَ يُلَقَّنُ حُجَّتَهُ وَلٰكِنْ يَقُولُ

بیاموز مرا حجت مرا پس بدرستیکه کافر آموخته میشود حجت او ولیکن بگوید

اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّةَ الْاِيمَانِ عِنْدَ الْمَمَاتِ

ای بار خدایا بیاموز مرا حجت ایمان نزدیک مرگ

مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللهَ فِيهِ

وَلَمْ يُصَلُّوا عَلَى نَبِيِّهِمْ اِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ يَوْمَ

الْقِيٰمَةِ وَاِنْ دَخَلُوا الْجَنَّةَ لِلثَّوَابِ

اَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلٰوةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ

لَيْسَ يُصَلِّي عَلَيَّ اَحَدٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ اِلَّا عُرِضَتْ

عَلَيَّ صَلٰوتُهُ ... مَا مِنْ اَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ اِلَّا

رَدَّ اللهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتّٰى اَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ

عَلَيهِ وَمَن سَلَّمَ عَلَيكَ سَلَّمتُ عَلَيهِ فَسَجَدتُ

لِلّٰهِ شُكرًا   يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّي جَعَلتُ

لَكَ صَلَوَاتي كُلَّهَا قَالَ اِذًا يُكفَى

هَمَّكَ وَيُغفَرُ ذَنبُكَ الحَدِيث

مَن صَلَّى عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ عَشرًا

جَاءَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ

يَومٍ وَالبِشرُ فِي وَجهِهِ فَقَالَ اِنَّهُ جَاءَنِي جَبرَئِيلُ

فَقَالَ اِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ اَمَا يُرضِيكَ يَا مُحَمَّدُ اَنَّهُ

لَا يُصَلِّي عَلَيكَ اَحَدٌ مِن اُمَّتِكَ اِلَّا سَلَّمتُ عَلَيهِ

من صلّى على واحدة عشراً

صلّى الله عليه عشر صلوات وحطّت عنه

عشر خطيئات و رفعت له عشر درجات

وكتبت له بها عشر حسنات

من صلّى على النبي صلّى الله عليه وآله

و سلّم واحدة صلّى الله عليه وملائكته سبعين

صلوة

تقدم قال علي عليه السلام كل دعاء

محجوب حتى يصلّى على محمد صلّى الله عليه وآله و سلّم

وآل محمد وعن عمر ان الدعاء موقوف

واولاد محمد واز حضرت عمر آمده که دعا موقوفست

بين السماء والارض لا يصعد منه شيء حتى

میان آسمان و زمین بالا نمیرود ازاو چیزی تا آنکه

يصلى على نبيك وقال الشيخ ابو سليمان

درود گفته شود بر پیغمبر وگفت شیخ ابو سلیمان

الداراني رحمة الله عليه اذا سألت الله حاجة

دارانی رحمت خدا بروی باد هرگاه خواستی تو از خدا حاجتی

فابدأ بالصلوة على النبي صلى الله عليه

پس ابتدا کن بدرود بر پیغمبر درود خدا بروی

وآله وسلم ثم ادع بما شئت ثم اختم بالصلوة عليه

و بر آل او و سلم پس بخوان هرچه خواهی پس تمام کن بدرود بروی

صلى الله عليه وآله وسلم فان الله سبحانه

درود خدا بروی باد و بر آل او و سلم پس بدرستی که خدای پاک

بكرمه يقبل الصلوتين وهو اكرم

بکرم خود قبول میکند هر دو درود را و او بخشنده ترست

من ان يدع ما بينهما اللهم صل على محمد

از آنکه بگذارد آنچه در میان هر دو است ای بار خدا درود فرست بر محمد

وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ

عَلٰى اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ وَبَارِكْ عَلٰى

مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ

عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰى اٰلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُوْنَ

اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَيْهِ كَمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ

الْغَافِلُوْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا اَللّٰهُمَّ

اجْعَلْهُ عِنْدَكَ ارْفَعْ عَنِ الْخَلْقِ مَا نَزَلَ بِهِمْ وَ

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ مَنْ لَا يَرْحَمُهُمْ فَقَدْ حَلَّ

بهم ما لا يرفعه غيرك ولا يدفعه سواك

اللهم فرج عنا يا كريم يا ارحم الراحمين

امين يا رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسئلك برحمتك التي وسعت

كل شيء وبقوتك التي قهرت

بها كل شيء وخضع كل شيء

وذل لها كل شيء وبجبروتك التي

غلبت بها كل شيء وبعزتك التي

لا يقوم لها شيء وبعظمتك التي ملأت كل

شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء

وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء

وبأسمائك التي ملأت أركان كل

شيء وبعلمك الذي أحاط بكل شيء

وبنور وجهك الذي أضاء له كل شيء يا

يا نور يا قدوس يا أول الأولين ويا آخر الآخرين

اللهم اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم

اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ

خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ

بِذِكْرِكَ وَاَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلٰى نَفْسِكَ وَاَسْئَلُكَ

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ اَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَاَنْ تُوزِعَنِي

شُكْرَكَ وَاَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ سُؤٰالَ خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ

از تو سؤال کسی را خاضع است و ذلیل

خاشِعًا اَنْ تُسامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ

با خشوع ... مسامحه نمائی و رحم ... مرا و بگردانی به قسمت خود

راضِيًا قانِعًا وَفِي جَمِيعِ الْاَحْوالِ مُتَواضِعًا اَللّٰهُمَّ

راضی و خوشنود در همه احوال تواضع کننده

وَاَسْئَلُكَ سُؤٰالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَاَنْزَلَ بِكَ

سؤال می‌کنم ترا سؤال کسی که سخت شده است فقر ... و ... بتو

عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ

در نزد سختیها حاجت ... و بزرگ شد ... آنچه است از خواهش او

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ وَعَلا مَكانُكَ وَخَفِيَ

ای بار خدایا بزرگست پادشاهی تو و بلند است مکان تو و پنهان است

مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ وَغَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ

مکر تو و ظاهر است امر تو و غالب است قهر تو و جاری است

قُدْرَتُكَ وَلا يُمْكِنُ الْفِرارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اَللّٰهُمَّ

قدرت تو و ممکن نیست گریختن از حکم تو ای بار خدایا

لا اَجِدُ لِذُنُوبِي غافِرًا وَلا لِقَبائِحِي ساتِرًا

نمی‌یابم ... گناهان آمرزنده برای قبائح خود پوشنده

لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك

براي چيزي از عمل قبيح من بعمل نيك بدل كننده غير تو

له الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت

الله بجز تو پاكي ياد ميكنم ترا وحمد ميكنم ترا ستم كردم

وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم

خود را وجرأت كردم بنادانيم و اعتماد كردم بر انچه پيوسته

ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي كم

كردي مرا و انعام كردي بر من الهي اي آقاي من چه

قبيح سترته وكم من فادح من البلاء

ترا وچه بسيار گران از بلاء

ته وكم من عثار وقيته وكم من

كردي از وچه بسيار لغزشها كه نگاهداشتي وچه بسيار از

كروه دفعته وكم من ثناء جميل

زشتي كه دفع كردي وچه بسيار ثناء نيكو

ت اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي و

بودم سزاوار آن پهن كردي الهي بزرگ است بلاي من و

رط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعد

كه گذشته است بدي حال من و نارسانست اعمال من وعاجز كرده

بِي اَغْلالي وَحَبَسَني عَنْ نَفْعي بُعْدُ آمالي وَ

مرا عملهای بدم [illegible] منع کرده است مرا از نفع خود دوری آرزوها

خَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها وَنَفْسي بِجِنايَتِها وَ

[illegible] داده است مرا دنیا بغرور و فریب داده مرا نفس من بجنایت خود و

مِطالي يا سَيِّدي فَاَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ اَنْ لا

و طول عمل من ای آقای من پس سؤال میکنم ترا بعزت تو که

يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائي سُوءُ عَمَلي وَفِعالي وَلا

منع نکند از تو دعای مرا [illegible] عملهای من و کردار من و رسوا

تَفْضَحْني بِخَفِيِّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرّي وَلا

مکن مرا به پنهانی آنچه مطلع شدی بر او از [illegible] و نه

تُعاجِلْني بِالْعُقُوبَةِ عَلى ما عَمِلْتُهُ في خَلَواتي

زود بگیر مرا بعقوبه برآنچه کرده ام آنرا در خلوتها

مِنْ سُوءِ فِعْلي وَاِسائَتي وَدَوامِ تَفْريطي وَجَهالَتي

از بدی کرده خود و گناه خود و دائم بوده تقصیر خود و نادانی

وَكَثْرَةِ شَهَواتي وَغَفْلَتي وَكُنِ اللّهُمَّ

و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا

بِعِزَّتِكَ لي فِي الاَحْوالِ كُلِّها رَؤُوفاً وَعَلَيَّ

بعزت خود برای من در همه احوال [illegible] و مهربان بر من در

جميع الامور عطوفا الهى وربى من لى غيرك اسئله

در همه امور ... اى خداى من و پروردگار من كيست مرا غير تو

كشف ضرى والنظر فى امرى الهى ومولاى

تا كشودن ... بدحالى خود و نظر ... اى خداى من اى مولاى من

اجريت على حكما اتبعت فيه هوى

جارى ساختى ... خواهش نفس خود را

نفسى ولم احترس فيه من تزيين عدوى فغرنى

و نگاه داشتن ... از زينت دادن دشمن خود

بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت

بما انچه خواستم ... قضائى پس درگذشتم

بما جرى على من ذلك بعض حدودك وخالفت

... حدهاى تو و مخالفت كردم

بعض اوامرك فلك الحمد على فى جميع ذلك

پاره اى ... پس ترا حمد ... در همه اين

ولا حجة لى فيما جرى على فيه قضاؤك والزمنى

و نيست حجتى مرا در انچه جارى شد ... و لازم كرد

حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهى بعد

حكم تو و امتحان تو و تحقيق كه ... اى خداى من بعد از

تقصيري واسرافي على نفسي معتذراً نادماً

منكسراً مستقيلاً مستغفراً منيباً مقرّاً

مذعناً معترفاً لا اجد مفرّاً ممّا كان منّي

ولا مفزعاً اتوجّه اليه في امري غير قبولك

عذري وادخالك ايّاي في سعة من رحمتك

اللّهمّ فاقبل عذري وارحم شدّة ضرّي و

فكّني من شدّ وثاقي يا ربّ ارحم ضعف

بدني ورقّة جلدي ودقّة عظمي يا من بدا

خلقي وذكري وتربيتي وبرّي وتغذيتي

ابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي

سيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد

توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من

معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي و

دعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم

من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته

او تشرد من اويته او تسلم الى البلاء من

كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي

وَاِلٰهِی وَمَوْلَایَ اَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلٰی وُجُوهٍ خَرَّتْ

لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلٰی اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِیدِكَ

صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلٰی قُلُوبٍ

اعْتَرَفَتْ بِاِلٰهِیَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلٰی ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ

بِكَ حَتّٰی صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلٰی جَوَارِحَ سَعَتْ

اِلٰی اَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَاَشَارَتْ

بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً مَا هٰكَذَا الظَّنُّ

بِكَ وَلَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ یَا كَرِیمُ

یَا رَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِی عَنْ قَلِیلٍ مِنْ بَلَاءِ

الدُّنیا وعُقوباتِها وما یجری فیها من

المکارِه علی اهلِها علی انّ ذلک بلاءٌ

ومکروهٌ قلیلٌ مکثُهُ یسیرٌ بقاؤهُ قصیرٌ

مدّتُهُ فکیف احتمالی لبلاءِ الاخرةِ وحلولِ

وقوعِ المکارِهِ فیها وهو بلاءٌ تطولُ مدّتُهُ

ویدومُ مقامُهُ ولا یُخفّفُ عن اهلِهِ لانّهُ لا

یکونُ الّا عن غضبِکَ وانتقامِکَ و

سخطِکَ وهذا ما لا تقومُ لهُ السّمواتُ و

الارضُ یا سیّدی فکیفَ بی وانا عبدُکَ

الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين

يا الهي وربي وسيدي ومولاي لأي الامور

اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لأليم

العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته

فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت

بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين

ميان من و میان اهل بلای خود وجدائی میان من و

احبائك واوليائك فهبني يا الهي وسيدي

دوستان و اولیای خود پس ببخش مرا ای خدای من و ای مولای من

ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر

على فراقك وهبني يا الهي صبرت على حر نارك

پس ببخش مرا ... من صبر کردم بر گرمی آتش

يف اصبر عن النظر الى كرامتك ام كيف

كن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا سيدي

لاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا

جن اليك بين اهلها ضجيج الاملين و

رخن اليك صراخ المستصرخين ولا

كين عليك بكاء الفاقدين ولانادينك

كنت يا ولي المؤمنين يا غاية امال

ارفين يا غياث المستغيثين يا حبيب قلو

صادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك

يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم
سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته
وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو
يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك
بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك
يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجوا
ما سلف من حلمك ورافتك ورحمتك ام
كيف تؤلمه النار وهو يامل فضلك ورحمتك ام
كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه

أَمْ كَيْفَ تَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

أَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ

تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو

فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ

بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ

بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ

لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ

مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا وَمَا كَانَ

لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

ان تملاها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين وان تخلد
فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتديا وتطولت
بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا
يستوون الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها
وبالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها
ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل
جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته
وكل جهل عملته كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته
وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذ

هم يحفظ ما يلون مني وجعلتهم شهوداً مع جوار
انت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي
فبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر
من كل خير انزلته او احسان فضلته او بر نشرته
رزق بسطته او ذنب تغفره او خطاً تستره يا رب يا رب
يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا من بيده
يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي
يا رب يا رب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك
اسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة

وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة حتى تكون

أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك

سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت أحوالي

يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي

واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك

والدوام في الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في

ميادين السابقين وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق

إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين

وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع

المؤمنين اللهم وارادني بسوء فارده ومن كادني

فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم

منزلة منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال

ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك

واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي

بحبك متيما ومن علي بحسن اجابتك واقلني عثرتي

واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك

وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يارب

نصبت وجهي واليك يارب مددت يدي فبعزتك

اَستَجِب لي دُعائي وَبِالغِنىٰ مُنايَ وَلا تَقطَع مِن فَضلِكَ

رَجائي وَاكفِني شَرَّ الجِنِّ وَالاِنسِ مِن اَعدائي يا سَريعَ

الرِّضا اِغفِر لِمَن لا يَملِكُ اِلَّا الدُّعاءَ فَاِنَّكَ فَعّالٌ

لِما تَشاءُ يا مَن اسمُهُ دَواءٌ وَذِكرُهُ شِفاءٌ وَطاعَتُهُ

غِناءٌ اِرحَم مَن رَأسُ مالِهِ الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ البُكاءُ

يا سابِغَ النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ يا نُورَ المُستَوحِشينَ

فِي الظُّلَمِ يا عالِماً لا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَافعَل بي ما اَنتَ اَهلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ رَسُولِهِ وَ

الاَئِمَّةِ المَيامينِ مِن آلِهِ وَسَلَّمَ تَسليماً كَثيراً

بسم الله الرحمن الرحیم

یا فارج الهموم و کاشف الغموم صل

علی محمد و آل محمد و افرج همی و اکشف

غمی یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم

یولد و لم یکن له کفوا احد اعصمنی

و طهرنی و اذهب بلیتی

اللهم انی اسئلک سؤال من

شتدت فاقته و ضعفت قوته و کثرت ذنوبه

لا يجد لفاقته مغنياً ولا لضعفه مقوياً ولا لذنبه

غافراً غيرك يا ذا الجلال والاكرام أسألك

عملاً تحب به من عمل به ويقيناً تنفع به من

استيقن به حق اليقين في نفاذ أمرك اللهم

صل على محمد وآل محمد واقبض على الصدق

نفسي واقطع من الدنيا حاجتي واجعل فيما

عندك رغبتي شوقاً الى لقائك وهب لي صدق

التوكل عليك أسألك من خير كتاب

قد خلا وأعوذ بك من شر كتاب قد خلا

اسألك خوف العابدين لك وعبادة الخاشعين

لك ويقين المتوكلين عليك وتوكل

المؤمنين عليك اللهم اجعل رغبتي في مسألتي

مثل رغبة اوليائك في مسائلهم ورهبتي

مثل رهبة اوليائك واستعملني في مرضاتك

عملا لا اترك معه شيئا من دينك مخافة احد

من خلقك اللهم هذه حاجتي فاعظم فيها رغبتي وا

واظهر فيها عذري ولقني فيها حجتي وعاف فيها

جسدي اللهم من اصبح له ثقة او رجاء غيرك فقد اصبحت

وانت ثقتی ورجائی فی الامور کلها فاقض لی بخیر ها

و تو ... امید در امور ... پس قضا ...

عافیة ونجنی من مضلات الفتن برحمتک یا ارحم

در عافیت و پناه کن ... رحمت ...

الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد رسول الله المصطفی وعلی

... درود ... رسول خدا ...

اله الطاهرین

اولاد

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدا بخشنده مهربان

بسم الله الذی لا ارجوا الا فضله ولا اخشی

بنام خدا آنکه ... امید وادم ... فضل او و ...

الا عدله ولا اعتمد الا قوله ولا امسک الا

مگر ... اعتماد ... مگر گفته او و ... دست ... مگر

بحبله بک استجیر یا ذا العفو والرضوان من

... خوشنودی از

الظلم والعدوان ومن غیر الزمان ومن

ستم و تجاوز از ... و از حادثه زمان ...

وَقَوِّمْنِي وَاحْفَظْنِي فِي يَقَظَتِي وَنَوْمِي فَأَنْتَ اللّٰهُ

وقوم من ... راست دار مرا در بیداری ... خواب ... ...

خَيْرٌ حَافِظًا وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بهتر ... مهربان و تو رحیم ... مهربانان ای ... بدرستی ...

أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي يَوْمِي هٰذَا وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْآحَادِ

بیزاری میجویم بسوی تو در روز این ... تا ...

مِنَ الشِّرْكِ وَالْإِلْحَادِ وَأُخْلِصُ لَكَ دُعَائِي تَعَرُّضًا

از کفر ... و الحاد ... و خالص میکردانم برای تو دعای خود ...

لِلْإِجَابَةِ وَأُقِيمُ عَلَى طَاعَتِكَ رَجَاءً لِلْإِثَابَةِ

قبول ... و ... ...

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِكَ الدَّاعِي إِلَىٰ حَقِّكَ

پس رحمت ... بر محمد برگزیده خلق تو ... که ... است بسوی ... تو

وَأَعِزَّنِي بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَاحْفَظْنِي بِعَيْنِكَ

... کن مرا بعزت تو ... ستم کرده میشود و نگاه دار مرا بچشم خود

الَّتِي لَا تَنَامُ وَاخْتِمْ بِالْاِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ أَمْرِي وَبِا

که خواب ... و ختم کن ... سدن بسوی تو ... کار من و با

الْمَغْفِرَةِ عُمْرِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

... عمر مرا بتحقیق تو ... آمرزنده و مهربانی ...

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لم يشهد احدا حين فطر السموات

والارض ولا اتخذ معينا حين برئ النسمات لم

يشارك في الالهية ولم يظاهر في الوحدانية

كلت الالسن عن غاية صفته والعقول

عن كنه معرفته وتواضعت الجبابرة لهيبته

وعنت الوجوه لخشيته وانقاد كل عظيم

لعظمته فلك الحمد متواترا متسقا ومتواليا

مُستوثقًا وصلوته على رسوله ابدًا وسلامه

رسیدنکم و رحمت او بر محمد همیشه و درود او

دائمًا سرمدًا اللّهمّ اجعل اوّل یومی هذا

دایم جاودانی خداوندا بگردان اول روز مرا

صلاحًا واوسطه فلاحًا واخره نجاحًا واعوذ

صلاح و میانه او فیروزی و آخر او را رستگاری و پناه

بك من یوم اوّله فزع واوسطه جزع وآخره

بتو از روزی که اول او بیمت و میانه او ... و آخر او

وجع اللّهمّ انّی استغفرك لكلّ نذر نذرته

ای خداوند ... بندگی ... تو ...

وكلّ وعد وعدته وكلّ عهد عاهدته

و هر وعده که ... پیمان ببستم و هر عهدی که ...

ثمّ لم اف به واسئلك فی مظالم عبادك عندی

پس وفا نکردم با او و تو سؤال میکنم ... ستم بندگان تو نزد من

فایّما عبد من عبیدك او امة من امائك كانت

پس هر بنده از بندگان تو یا کنیزی از کنیزان تو باشد

له قبلی مظلمة ظلمتها ایّاه فی نفسه او فی عرضه

مر او را نزد من حقی که ... زده باشم او را در نفس او یا در آبروی او

اوفي ماله اوفي اهله اوغيبة اغتبته بها

اوتحامل عليه بميل اوهوى اوانفة اوحمية

اورياء اوعصبية غائبا كان اوشاهدا

حيا كان اوميتا فقصرت يدي وضاق

وسعي عن ردها اليه والتحلل منه فاسئلك

يامن يملك الحاجات وهي مستجيبة لمشيته

ومسرعة الى ارادته ان تصلي على محمد و

على ال محمد وان ترضيه عني بما شئت و

تهب لي من عندك رحمة انه لا تنقصك المغفرة

ولا تضرك الموهبة يا ارحم الراحمين اللهم

و ضرر رساند تو را عطای تو ای مهربان ترین مهربانان خداوندا

أولني في كل يوم اثنتين نعمتين منك ثنتين

بده ... دو ... نعمت از تو دو تا

سعادة في اوله بطاعتك ونعمة في آخره

نیک بختی در اول او بطاعت تو و نعمت در آخر او و

بمغفرتك يا من هو الاله ولا يغفر الذنوب سوا

بآمرزش تو ای آنکه اوست اله و نیامرزد گناهان را جز او

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله والحمد حقه كما يستحقه حمدا

سپاس مر خدا را و ثنا و سزاوار آن چنانچه سزاوار اوست

كثيرا واعوذ به من شر نفسي ان النفس

بسیاری و پناه میبرم باو از بدی نفس خود بتحقیق نفس

لامارة بالسوء الا ما رحم ربي واعوذ به

امر کننده است به بدی مگر آنکه رحم کند پروردگار من و پناه میبرم باو

ن شرّ الشيطان الذي يريد ان يزيدني ذنبا الى ذنبي

احترز به من كل جبار فاجر وسلطان جائر

عدوٍ قاهرٍ اللّهمّ اجعلني من جندك فانّ

جندك هم الغالبون واجعلني من حزبك فانّ

حزبك هم المفلحون واجعلني من اوليائك

فانّ اولياءك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون

اللّهمّ اصلح لي ديني فانّه عصمة امري واصلح لي

آخرتي فانها دار مقرّي واليها من مجاورة اللئام

مفرّي واجعل الحيوة زيادة لي في كل خير

وَالْوَفَاةِ رَاحَةً مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و وفات راحتی از هر شر الٰہی درود بر

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَتَمَامِ عِدَّةِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ

محمد [illegible] پیغمبران و [illegible] تمام [illegible] شمار مرسلان و بر

اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ وَاَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِيْنَ وَهَبْ

آل او کہ پاکیزہ و پاک [illegible] اند و اصحاب او برگزیدہ و [illegible]

لِيْ فِي الثَّلٰثَاءِ ثَلٰثًا لَا تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ

[illegible] در سہ شنبہ سہ چیز [illegible] مگذار برای من گناهی را مگر آنکہ بیامرزی

وَلَا غَمًّا اِلَّا اَذْهَبْتَهُ وَلَا عَدُوًّا اِلَّا دَفَعْتَهُ

و نہ هیچ غمی مگر آنکہ [illegible] و نہ دشمنی او را مگر کہ بر طرف کنی

بِبِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ الْاَرْضِ

بہ نام خدا کہ بهترین نامها نام خدا پروردگار زمین

وَالسَّمَاءِ اَسْتَدْفِعُ كُلَّ مَكْرُوْهٍ اَوَّلُهُ

و آسمان دفع میکنم هر ناخوشی را ابتدای

سَخَطُهُ وَاَسْتَجْلِبُ كُلَّ مَحْبُوْبٍ اَوَّلُهُ رِضَاهُ فَاخْتِمْ

غضب او [illegible] و [illegible] هر [illegible] پسندیدہ کہ اول او خوشنودی خدا پس

لِيْ مِنْكَ بِالْغُفْرَانِ يَا وَلِيَّ الْاِحْسَانِ

ختم کن برای من از جانب خود با مرزش ای اولیای احسان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الليل لباسا والنوم

سباتا وجعل النهار نشورا لك الحمد ان بعثتني

من مرقدي ولو شئت جعلته سرمدا حمدا

دائما لا ينقطع ابدا ولا يحصي له الخلائق عددا

اللهم لك الحمد ان خلقت فسويت وقدرت

وقضيت وامت واحييت وامرضت وشفيت

وعافيت وابليت وعلى العرش استويت وعلى

الملك حتى بت ادعوك دعاء من ضعفت وسيلته
وانقطعت حيلته واقتربت اجله وتدانى في
الدنيا امله واشتدت الى رحمتك فاقته و
وعظمت لتفريطه حسرته وكثرت زلته
وعثرته وخلصت لوجهك توبته فصل على
محمد خاتم النبيين وعلى اهل بيته الطيبين
الطاهرين وارزقني شفاعة محمد صلى الله عليه
واله ولا تحرمني صحبته انك ارحم الراحمين
اللهم اقض لي في الاربعاء اربعا اجعل قوتي

فِي الاربعاء ربنا اجعل قوتي في طاعتك و
نشاطي في عبادتك ورغبتي في ثوابك وزهدي
فيما يوجب لي اليم عقابك انك لطيف لما تشاء

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي ذهب بالليل مظلما بقدرته
وجاء بالنهار مبصرا برحمته وكساني ضياءه
وانا في نعمته اللهم فكما ابقيتني له فابقني
لامثاله وصل على النبي محمد واله ولا تفجعني

فيه وفي غيره من الليالي والايام بارتكاب
المحارم واكتساب المآثم وارزقني خيره وخير
ما فيه وخير ما بعده واصرف عني شره وشر ما
فيه وشر ما بعده اللهم اني بذمة الاسلام
اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك
وبمحمد صلى الله عليه واله استشفع لديك
فاعرف اللهم ذمتي رجوت بها قضاء حاجتي
يا ارحم الراحمين اللهم اقض لي في الخمس خمسا
لا يتسع لها الا كرمك ولا يطيقها الا نعمك

سلامة اقوى بها جر يل مثوبتك وسعة في

الحال من الرزق الحلال وان تؤمنني في مواقف

الخوف بامنك وتجعلني من طوارق الهموم و

الغموم في حصنك صل على محمد و اجعل

توسلي به شافعا يوم القيمة نافعا انك انت ارحم

الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله قبل بعد الانشاء والاحياء والاخر

بعد فناء الاشياء العليم الذي لا ينسى من ذكره

وَلَا يَنْقُصُ مِنْ شُكْرِهِ وَلَا يَخِيبُ مَنْ دُعَاءٍ

وَلَا يَنْقَطِعُ رَجَاءُ مَنْ رَجَاهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ

وَكَفٰى بِكَ شَهِيدًا وَاُشْهِدُ جَمِيعَ مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانَ

سَمٰوٰاتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَنْ بَعَثْتَ مِنْ اَنْبِيَاءِكَ

وَرُسُلِكَ وَاَنْشَاْتَ مِنْ اَصْنَافِ خَلْقِكَ اِنِّي

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا عَدِيلَ وَلَا خُلْفَ لِقَوْلِكَ وَلَا

تَبْدِيلَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ عَبْدُكَ

وَرَسُولُكَ اَدّٰى مَا حَمَّلْتَهُ اِلَى الْعِبَادِ وَجَاهَدَ

فی اللہ عزوجل حق الجہاد وانہ بشر بما ہو

حق من الثواب وانذر بما ہو صدق من العقاب

اللہم ثبتنی علی دینک ما احییتنی ولا تزغ

قلبی بعد اذ ہدیتنی وہب لی من لدنک رحمۃ

انک انت الوہاب صل علی محمد وآل محمد

واجعلنی من اتباعہ وشیعتہ واحشرنی

فی زمرتہ ووفقنی لاداء فرض الجمعات وما اوجبت

علی فیہا من الطاعات وقسمت لاہلہا من العطاء

فی یوم الجزاء انک انت العزیز الحکیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله کلمة المعتصمین ومقالة المتحرزین

واعوذ بالله من جور الجائرین وکید الحاسدین

وبغی الظالمین واحمده فوق حمد الحامدین

اللهم انت الواحد بلا شریک والملک بلا تملیک

لا تضاد فی حکمک ولا تنازع فی ملکک

اسئلک ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک

وان توزعنی من شکر نعماک ما تبلغ بی غایة

رضاك وان تعيننی علی طاعتك ولزوم عبادتك
واستحقاق مثوبتك بلطف عنايتك وترحمنی
بصدّی عن معاصيك ما احييتنی وتوفقنی
لما ينفعنی ما ابقيتنی وان تشرح بكتابك
صدری وتحط بتلاوته وزری وتمنحنی السلامة
فی دينی ونفسی ولا توحش بی اهل انسی وتتم
احسانك فيما بقی من عمری كما احسنت
فيما مضی منه يا ارحم الراحمين
هر كه اين هفت حرز را در هفته بخواند در عصمت الهی محفوظ

ماند و هیچ مصیبتے دینی و دنیوی بدو نرسد و از جمیع آفات

و بلیات و مخافات محروس ماند و بر جمله اعدا و حسودان ظفر و نصرت یابد و در هیچ

شوری و شرّی نماند و عزّت و جهانی یابد و اهل و عیال او محروس و محفوظ اسرار این سبب اکتفا کرده شد

والسلام علی من اتبع الهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی لا ینسی من ذکره و لا یخیب

من دعاه و الحمد لله الذی من توکل علیه کفاه

الحمد لله الذی من وثق به لم یکله الی

غیره و الحمد لله الذی لا یحصی نعماءه و لا یفنی

الا اٰنَه والحمد لله الذی هو رجاءنا وثقتنا
حین تنقطع الحیل عنا والحمد لله الذی یجزی
بالاحسان احسانا وبالسیئات غفرانا والحمد
لله الذی یکشف ضرنا من بعد کربتنا والحمد
لله الذی یفرج غمنا ویدفع البلاء عنا و
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره
تکبیرا الله اکبر الله اکبر الله اکبر
کبیرا والحمد لله کثیرا وسبحان الله بکرة

وَاصِیلًا وَلَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْم
اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْت
فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَ
اللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ وَتَحَصَّنْتُ بِشَهَادَةِ اَنْ لَّا اِلٰهَ
اِلَّا وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ
وَرَسُوْلُهٗ وَاَحْرَزْتُ نَفْسِیْ وَاسْتَحْصَنْتُهَا بِاللّٰهِ
رَبِّیْ وَاحْتَجَبْتُ الشَّیْطَانَ عَنْ اِمَامِهٖ وَاَطْرَافِی
وَشَعْرِیْ وَبَصَرِیْ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَرَمَیْتُ مَنْ
رَمَانِیْ بِسُوْءٍ بِلَا حَوْلَ قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْم

قال الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم

فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل

فانقلبوا بنعمة من الله لم يمسسهم سوء واتبعو

رضوان الله والله ذو فضل عظيم انما ذلكم

الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون

ان كنتم مومنين تحصنت بالله وتوكلت

على الله عظيما فهو حسبه ان الله بالغ امره

قد جعل الله لكل شيء قدرا اخسؤا فيها ولا

تكلمون ووقع القول عليهم بما ظلموا فهم

لا ينطقون ان ربكم الله الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر
تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا
وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا
في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان
رحمة الله قريب من المحسنين اعيذ نفسي بالله الواحد
القهار من شر ما يكون في الليل والنهار ومن شر ما

يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السمآء

وما يعرج فيها وهو معكم رب نجني من القوم

الظالمين وقل رب اعوذ بك من همزات

الشياطين واعوذ بك رب ان يحضرون

قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله

والله لا يصلح عمل المفسدين ويريد الله ان يحق

الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين ليحق

الحق ويبطل الباطل ولو كره المجرمون وقل

جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا

يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ فَذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ

الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا

مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ وَلَا حَوْلَ وَ

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ

خیر خلقہ خاتم الانبیاء والمرسلین وصفی الاصفیا

وامام المتقین نبی الرحمۃ محمد و آلہ اجمعین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللھم صل علی محمد وعلی آل محمد و

بارک وسلم اعیذ نفسی باللہ الذی لا الہ الا

ھو الحی القیوم لا تاخذہ سنۃ ولا نوم لہ

ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع

عندہ الا باذنہ یعلم ما بین ایدیہم وما خلفہم

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ

الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى لَا انْفِصَامَ لَهَا

وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الَّذِي لَا إِلٰهَ

إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

اُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْخَالِقُ

ئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له

لسموات والارض وهو العزيز الحكيم

نفسي بالله من شر الوسواس الخناس الذي

ل في صدور الناس من الجنة والناس

نفسي بالله مالك الملك تؤتي الملك

ء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من

وتذل من تشاء بيدك الخير انك على

شيء قدير له مقاليد السموات والارض

لرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء

عليم اعيذ نفسى بالله العلى العظيم و باسمائه

الشريفة الكريمة المباركة المخزونة

المكنونة التى لا يجاوزهن بر ولا فاجر و بام

الكتاب و السبع المثانى و القران العظيم

اعيذ بالاسم العظيم الاعظم الكبير الاكبر

و بكلمات الله التامات الطيبات الزاكيات

التامات المباركات و بالذى يمسك

السماء ان تقع على الارض الا باذنه و بنور وجهك

جل جلاله و بالصافات صفا فالزاجرات زجرا

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ

اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِزِيْنَةِ الْكَوَاكِبِ وَ

وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ لَا يَسَّمَّعُوْنَ

اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُوْنَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ

دُحُوْرًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ وَّاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ

فَاَتْبَعَهٗ شِهَابٌ ثَاقِبٌ وَالطُّوْرِ وَكِتَابٍ مَّسْطُوْرٍ

فِيْ رَقٍّ مَّنْشُوْرٍ وَّالْبَيْتِ الْمَعْمُوْرِ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوْعِ

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَّا لَهٗ مِنْ

دافع يوم تمور السماء مورا وبالذي اتخذ

ابراهيم خليلا وموسى كليما ونوحا نجيا

وعيسى روحا ومحمدا صلى الله عليه واله نبيا

وبالاسم الذي قام به الكرسي وسيرت

به الجبال واشرقت به النجوم وبالاسم الذي

وضعه على النهار فاستنار وبالاسم الذي

وضعه على الليل فاظلم وبالاسم الذي اصلحت

به امور الاولين والاخرين ان تحفظني و

تحرسني من كل سلطان مريد وجبار عنيد لله

جارُنا وحافظنا وناصرُنا وكافينا ومونسنا
لا شريك لهُ ولا معزّ لمن أذلّ ولا مذلّ لمن
اعزّ وهو الواحد القهار وهُو حسبنا ونعم
الوكيل نعم المولى ونعم النصير ولا حول
ولا قوّة الّا باللّه العلي العظيم وصلّى اللّه على
خير خلقه محمّد وآله اجمعين خاتم الانبياء
والمرسلين وسيد الاصفياء والمنتجبين نبي
الرحمة وآله الطيبين الطاهرين المعصومين
اجمعين وسلّم تسليماً كثيراً

بسم الله الرحمن الرحيم

اعيذ نفسي بالله الذي خلق السموات والارض

وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم

يعدلون اعيذ نفسي بالله الذي خلق السموات

والارض الرحمن على العرش استوى له ما في

السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت

الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر و

اخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

اعیذ نفسی باللہ الملک القدوس السلام المؤمن

المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان اللہ

عما یشرکون اعیذ نفسی باللہ العظیم من کل

شیطان مرید وجبار عنید وجنی شدید و

ومن شر کل ذی شر ومن شر کل ذی ناب

ومن شر کل ذی مخلب باسط ذراعیه

بالوصید ومن شر کل ساحر وساحرة و

من شر کل ساکن وساکنة فی البر و

الابحار والاکام والاجام ومن شر ما یولع

بالفرش الممهود ومن شر كل انس ناقص
لمعهود ومن شر ما يعرض اجساد ومن يسترق السمع
والابصار ومن اذا ذكروا الله لا اله الا هو
ذاب كما يذوب الرصاص والحديد اعيذ رب
جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل
حملة العرش والكروبيين والملائكة
المقربين يحملون العرش ومن حوله يسبحون
بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين
امنوا اعيذ نفسي بالله الذي اعطى النور لموسى

ابن عمران بطور سيناء باخيه هرون وفاق البحر

واظفره على عدوه فرعون اعيذ نفسي بالله

الذي نجا ابرهيم من النار وبما انعم على ال

يعقوب عليه السلام وبالله العظيم المنان الذي

سخر لداود الجبال ولسليمان الريح والجن و

الانس وانه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم

ان لا تعلوا على واتوني مسلمين كتب الله لاغلبن

انا ورسلي ان الله قوي عزيز حميد لا يضركم

كيدهم شيئا ان الله بما يعملون محيط اعيذ

نفسی باللہ من شر کل فسقة العرب والعجم

ومن شر الجبال والسحاب ومن یتوکل علی اللہ

فهو حسبه ان اللہ بالغ امره قد جعل اللہ لکل

شیء قدرا واللہ من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید

فی لوح محفوظ توکلت علی اللہ والجأت

ظهری الی اللہ وافوض امری الی اللہ ان اللہ

بصیر بالعباد ویا قومنا اجیبوا داعی اللہ

وآمنوا به یغفر لکم من ذنوبکم ویجرکم

من عذاب الیم ومن لا یجب داعی اللہ فلیس بمعجز

فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ

رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ

الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا

دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ وَأَيُّوبَ

إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

الرَّاحِمِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ

مِنْ أَقْطَارِ السَّمَ
وَالْأَرْضِ فَانْفُ
لَا تَنْفُذُونَ

الوارثين امنت بالله واستمسكت بالعروة الوثقى

واعتصمت بحبل الله المتين وبكلمات الله

التامات انت الله الملك الحق المبين قل لن يصيبنا

الا ما كتب الله لنا هو مولنا وعلى الله فليتوكل

المؤمنون وهو حسبنا الله ونعم الوكيل ولا

حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله تعالى

على خير خلقه محمد واله اجمعين خاتم الانبياء

والمرسلين وسيد الاصفياء امام المتقين نبي

الرحمن واله اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم

تسليماً

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على خير خلقه محمد وعلى آل محمد

وبارك وسلم اعيذ نفسي بالله الذي لا اله

الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

اعيذ نفسي بالله العظيم الذي فلما تجلى ربه

للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا ومن شر

كل ساحر وساحرة وجن وجنية وغول

وغولة ومن ابليس وجنوده واتباعه ومن شر

كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَسَاحِرٍ عَلِيمٍ وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ

السَّلَاطِينِ وَالْحُسَّادِ وَالظَّالِمِينَ وَالْبَاغِينَ وَمِنْ

شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي

عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ

رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَالْعَرْشِ

الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ وَبِالْاِسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ

فِي سُرَادِقِ الْعَرْشِ بِالْمَجْدِ وَالْبَهَاءِ وَبِالْاِسْمِ

الْاَعْظَمِ الْاَعْلٰى وَاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَبِاَهْيَا

شَرَاهِيَّا اَدُونَيْ اَصْبَاؤُتْ وَبِمَا اُنْزِلَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

صلى الله عليه وآله وسلم ومن شر الشياطين

ومن أوليائهم وهمزاتهم وحيلهم ورجالهم و

شرورهم وأمانيهم واستقرائهم وغرورهم و

زينتهم وجمعهم ومن شر كل ساكن الهواء

والسهل والجبل ومن هو في ظلمات البر والبحر

وعبدة الأصنام والنيران والعيون والمياه

ويمشي في الأسواق ويكون مع الوحوش والله

وآبد والسباع ومن شر كل ساكن الآجام

والآكام والخرابات والعمران ومن يوسوس في

الصدور ويمحو الخطايا بسم الله الرحمن الرحيم

الكبير الاكبر العظيم الاعظم الجليل الاجل

الذي هو في سرادق عرشه الفائق الرفيع الذي

خلق به الملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما

امرهم ويفعلون ما يؤمرون وخلق به الجنة

والنار وخلق به الليل والنهار اعيذ نفسي

بالاسم الذي يغلق باب رحمته وبالاسم

العظيم والعرش الذي لا يرام وباسماء

العلى والنعماء التي لا تحصى وبالكريم

بالاسم الذي يميت به الاحياء ويحيي الموتى

اسمائك الحسنى واوجهها واجزلها وا
سرعها بالاجابة وبالاسم المكنون
المخزون الاعز الاعلى العظيم الاعظم و
بكل اسم في التورية والانجيل والزبور
والفرقان العظيم وبالاسم الذي دعا به حملة
عرشك وملائكتك في ارضك وسمائك
واصفيائك من خلقك من نبي او صديق او
شهيد او سعيد وبحقهم وبحق السائلين عليك
ان تحفظني وتحرسني من كل جبار عنيد

وَشَیطَانٍ مَرِیْدٍ وَقَاعِدٍ بِنَآءٍ اَوْ غَوَّاصٍ زَوْجٍ

فَرْدٍ مِنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثٰی وَمَا یَخْفٰی وَمَا یَظْهَرُ وَ

مَا دَارَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رَبُّ

الْمَلٰٓئِکَةِ وَالرُّوْحِ وَاَخَذْتُهٗ بِاِذْنِ اللّٰهِ اللَّطِیْفِ

الْخَبِیْرِ الَّذِیْ لَا یَاْتِیْهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلَا

مِنْ خَلْفِهٖ تَنْزِیْلٌ مِّنْ حَکِیْمٍ حَمِیْدٍ بِاللّٰهِ اَحْرَزْتُ

نَفْسِیْ بِسُلْطَانٍ اَلَا اِنَّ اَوْلِیَآءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ

وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُوْنَ

اَللّٰهُ حَافِظِیْ وَنَاصِرِیْ وَوَلِیِّیْ وَهُوَ حَسْبُنَا اللّٰهُ

ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير لا

و نعم کارسازاست نیکو مولی و نیکو یاری دهنده نیست

حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله

باز گشت و نه قوة مگر بخدا بزرگ و بلند و درود خدا

على خير خلقه محمد وآله اجمعين خاتم الانبياء

بر نیکوترین خلقه او محمد و آل او همه تمامی انبیا و برگزیده

وصفي الاصفياء نبي الرحمة وآله اجمعين

برگزیدگان او رحمت است و آل او همه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اعيذ نفسي بالله الذي قامت السموات بحكمه

پناه میدهم نفس خود را بخدا آنکه ایستاده است آسمان بحکم او

وهدأت النجوم بامره وسيرت الجبال باذنه

و میگردند ستارگان بامر او و کرد آنها ملبشود کوهها بامر او

ولله يسجد من في السموات والارض طوعا

و برای خدا سجده میکنند آنچه در آسمان و زمین بخشی و اکراه

وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَسُجِدُ

سایهای ایشان صبح و شام سجده میکنند و

لَهُ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ

اورا در آسمان و در زمین و آفتاب و ماهتاب و ستاره

وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ

و درخت و چرندگان و بسیاری از مردم و بسیاری ثابت شد

عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ

بر او عذاب و هر که را خوار کند خدا نیست اورا هیچ گرامی کننده بدرستی که خدای

اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أُعِيذُ نَفْسِي مِن شَرِّ مَا خَلَقَ وَ

میکند آنچه میخواهد پناه میدهم خود را از شر آنچه آفرید و

ذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِن شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ وَمِن شَرِّ طَوَارِقِ

و ظاهر ساخت و پیدا کرد و از شر هر جنبنده و از شر جنبنده

اللَّيْلِ وَطَوَارِقِ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ

شب و جنبنده روز مگر جنبنده که بجنبد به نیکی

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ

پس چون خواندی قرآن گردانیدیم میان تو و میان آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَىٰ

ایمان نمی آرند بآخرت پرده پوشیده کرده و گردانیدیم بر

قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي آذانهم وقرا

دلهاي ايشان غلافها از آنكه بفهمند و در گوشهاي ايشان گراني

قل كونوا حجارة او حديدا او خلقا مما يكبر في

بگو باشيد سنگ يا آهن يا آفريده اي از آنچه بزرگ است در

صدوركم والله يحيي ويميت واليه ترجعون اخذت

سينه هاي شما و خدا زنده ميكند و ميميراند و بسوي او باز گردانيده ميشويد گرفتم

سمعكم وابصاركم وقلوبكم لسمع الله وبصره و

گوشهاي شما و ديده هاي شما و دلهاي شما را براي شنيدن خدا و ديدن او و

قوته بيننا وبينكم بستر الله وستر النبوة التي يستر

قوت او ميان ما و ميان شما با پرده خدا و پرده پيغمبري كه ميپوشند

بها الانبياء والمرسلون من سطوات الجبابرة

بآن پيغمبران و مرسلان از قهرهاي جباران

والفراعنة جبرئيل عن يميننا وميكائيل عن

و فرعونان جبرئيل از طرف راست ما و ميكائيل از

يسارنا واسرافيل وراءنا ومحمد صلى الله عليه

طرف چپ ما و اسرافيل پشت سر ما و محمد درود خدا بر او

وآله وسلم امامنا والله عز وجل مطلع علينا

و آل او و سلام پيش روي ما و خداي عز و جل مطلع است بر ما

يحول بيننا وبينكم ومن يتوكل على الله
حجاب ميكند ميان ما وميان شما وهر كه توكل كند بر خدا

فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل
پس او كافيست بدرستيكه خدا رساننده حكم خود است بتحقيق خدا مقرر

شيء قدرا فوقهم الله شر ذلك اليوم ولقهم
چيزي را اندازه پس نگاه داشت ايشان را خدا از بدي آن روز و ملاقي شد

نظرة وسرورا وينقلب الى اهله مسرورا انهم
تازگي و خرمي و بازگردد سوي اهل او خرم بدرستيكه

لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون
ايشانند نصرت داده شدگان و بدرستيكه لشكر ما ايشان غالب انند

شهد الله انه لا اله الا هو العزيز الحكيم
گواهي داد خدا بتحقيق نيست اله مگر او غالب او دانا

ان الدين عند الله الاسلام اعيذ نفسي
بدرستيكه دين نزد خدا اسلام است در پناه مي دارم

بسم الله الرحمن الرحيم قل اوحي الي انه استمع
بنام خداي روزي دهنده مهربان بگو وحي كرده شد سوي من كه شنيدند

نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا يهدي
جماعتي از جن گفتند ما شنيديم قرآني عجب راه مي نمايد

إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

سوي راستی کہ ایمان آوردیم ما و ہرگز انباز نگیریم رب خود

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

بتحقیق کہ او عالی و منزہ است ما نگرفت زن و نہ فرزند

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

و بدرستی بود کہ میگفت سفیہ ما بر خدا دروغ

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا

تحقیق کہ ما فرستادیم سوی شما رسول را گواہ بر شما چنانچہ

أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

فرستادیم بسوی فرعون پیغمبر پس نافرمانی کرد فرعون رسول را

فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا وَلِعِيذ نفسی بک هیعص

پس گرفتیم او را گرفتن سخت و پناہ میآرم نفس خود را بکہیعص

وبحمعسق وبالمص وبالر وبالمر وكطه ما

و بحمعسق و بالم و بالمص و بالر و بالمر و بطہ نہ

أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى وَبِاللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا

فرستادیم بر تو قرآن را تا بر مشقت و بخدا کہ نیست الٰہ مگر

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَبِطس وَبِطسم وَبِيس وَالْقُرْآنِ

او زندہ قیوم و بطس و بطسم و بیس و قرآن

الحكيم وبص والقرآن ذي الذكر وبق

با حکمت وبه ص و قرآن خداوند ذکر وبق

والقرآن المجيد وبنون والقلم وما يسطرون

وقرآن ما[ن]ك وبه نون والقلم وهر نوشته اند

وبالصافات والذاريات انه لقرآن كريم

وبه صافات وبادها تحقیقا او قرآن بکرامت

في كتاب مكنون لا يمسه الا المطهرون

در کتاب صاف پوشیده نیست او را مگر پاکان

تنزيل من رب العالمين وباسمائه الشريفة

فرستادنی از رب عالمیان و بنامهای کرامی

الكاملة الكريمة وبحق السعداء وبحق ارواح

کامل با کرامت و بحق سعیدان و بحق ارواح شهدا

الشهداء وبحق التورية والانجيل والزبور

شهدا و بحق توریه والانجیل و زبور

والفرقان العظيم وكل حجة اقامها الله

و فرقان بزرگ و هر دلیل که قایم کرد خدا

عز وجل وبآلائه وقدرته وجلال الله وعزته

عزیز و بزرگ است و بنعمتهای او و قدرت او و عظمت خدا و عزتش

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

وگردانیدیم در پیش ایشان سدی و از پس ایشان سدی

فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ غَالِبٌ لَا يَفُوتُهُ

پس پوشیدیم ایشانرا پس ایشان هیچ نبینند غالب که نه فوت شود

هَارِبٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِينَ

گریزنده و او شنونده و داننده بدرستی که خدا با آنهاییست

اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي

که ترسیدند و آنکه ایشان نیکوکاران اند سلام بر نوح در

الْعَالَمِينَ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ قَالَتْ لَهُمْ رُ

عالمها بدرستیکه ما همچنان جزا دهیم نیکوکارانرا گفتند ایشانرا

سُلُهُمْ اِنْ نَحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ

رسولان ایشان نیستیم ما مگر بشر مثل شما را و لیکن خدای منت نهد

يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا

هر که خواهد از بندگان او و نباید ما را که بیاریم

اَنْ نَاْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَ

برای شما حجتی مگر بامر خدا و بر خدا پس

كَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ كَفَىٰ بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي

توکل کنند مومنان بگو کافیست خدا گواه میان من

وبينكم انه كان خبيرا بصيرا والله المستعان

على ما تصفون فحسبكم الله وهو

السميع وهو حسبنا ونعم الوكيل نعم

المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوة الا بالله

العلي العظيم وصلى الله وصلى الله على خير خلقه

محمد خاتم الانبياء والمرسلين وسيد الاصفياء

وامام المتقين وعلى آله الطيبين الطاهرين و

اصحابه المنتجبين اجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

اُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَبِكَلِمَاتِهِ

در پناه می آرم نفس خود را با انکه نیست اله مگر او و بکلمات او

التَّامَّاتِ الطَّيِّبَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الَّتِي قَالَتْ

تمام پاکیزه ها و برکت انکه فرمود

لِلسَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا

مر اسمان و زمین تا امدیم برغبت و اکراه گفتند

اَتَيْنَا طَائِعِينَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ

امدیم ما برغبت و از شر انچه باشد در شب

وَالنَّهَارِ وَيَعْقِلُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَتَرَبَّهُ الْاَعْيُنُ

و در روز ها و اطلاع دارند بران دلها و می بینند چشمها

قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ بَلْ هُمْ

بگو انکه اعتماد دهد شما را در شب و در روز از رحمان بلکه ایشان

عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ وَاُعِيذُ نَفْسِي مِنْ

از ذکر رب خود روی میگردانند و در پناه می ارم خود را

شَرِّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ قُلْ

از شر جن و انسان بگو او خدا یکیست غالب بگو

اَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِاَنْفُسِهِمْ

ایا گرفتید شما از جز او دوستان تا مالک نیستند مر نفسهای خود را

نَفعًا وَلاضَرًّا وَمَن يَهدِى اللهُ فَهُوَ المُهتَدِى

نفع ونه ضرر را وهر كه راه نمايد خدا پس او راه يابنده

وَمَن يُضلِلِ اللهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الخَاسِرُونَ لَو اَنزَلنَا

وهر كه را گمراه كند خدا پس اينانند زيانكاران اگر فرستاديمى

هٰذَا القُراٰنَ جَبَلٍ لَرَاَيتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِن

اين قرآن را بر كوه هر آينه ديدى او را ترسنده شكافته از

خَشيَةِ اللهِ وَتِلكَ الاَمثَالُ نَضرِبُهَا لِلنَّاسِ

خوف خدا واين مثالها كه بيان نمائيم براى مردمان

لَعَلَّهُم يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا

اميد است كه ايشان فكر كنند او است خدا انكه نيست اله مگر

هُوَ عَالِمُ الغَيبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ

او داننده عيب وآشكار را او است دهنده مهربان او

اللهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَلمَلِكُ القُدُّوسُ السَّلَامُ

خدا انكه نيست اله مگر او پادشاهى پاك خداوند سلامت

المُؤمِنُ المُهَيمِنُ العَزِيزُ الجَبَّارُ المُتَكَبِّرُ سُبحَانَ

باور دارنده شاهد غالب جابر بالاتر پاكيست

اللهِ عَمَّا يُشرِكُونَ هُوَ اللهُ الخَالِقُ البَارِئُ المُصَوِّرُ

خدا از انچه شريك مى نمايند او است خدا آفريننده پيدا كننده صورتگر

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا

عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ

وَلِيَ دِينِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر

بگو پناه می آرم برب صبحگاه از شر آنچه آفرید و از شر تاریکی

غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد

غایب شونده چون سیاه شود [illegible] در گرهها

ومن شر حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحیم

و از شر حسد کننده چون حسد کند بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من شر

بگو پناه می آرم برب مردمان پادشاه مردمان اله مردمان از شر

الوسواس الخناس الذی یوسوس

وسوسه شیطان آنکه وسوسه می افکند

فی صدور الناس من الجنة والناس

سینه‌های مردمان از جنیان و مردمان

انهم یکیدون کیدا واکید کیدا

بدرستی که ایشان مکر میکنند مکر کردنی و مکر میکنم مکر کردنی

فمهل الکافرین امهلهم رویدا

پس مهلت ده کافران را مهلت ده ایشان را نزدیک شدند

ابدانهم عنكم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما

دست ... ابدانها را گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت شد

على ابراهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين

بر ابراهیم و خواستند با او مکر را پس گردانیدیم زیانکاران

له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه

مر او را باز دارندگان از پیش دست و از پس او نگاه میدارند او را

من امر الله رب ادخلني مدخل صدق واخرجني

از امر خدا ای رب در آر مرا در مکان راستی و بیرون آر مرا

مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا

از مکان راستی و بگردان مرا از نزد خود توانایی

نصيرا سيجعل لهم الرحمن ودا لا يخاف دركا

یاری زود کرداند ایشان را خدا دوستی نمیترسید از پس رسیده

ولا تخشى لا تخف انك من الامنين وينصرك

و نترسی و نترسی بدرستی که تو از امن داشتگانی و یاری دهد

الله نصرا عزيزا اعيذ نفسي بالله الذي لا ينام

خدا یاری غالب در پناه آرم خود را بخدا انکه خواب نکند

وبالملك الذي لا يرام وبالكرسي الذي

و بپادشاه انکه مغلوب نشود و بکرسی انکه پای نشود

نزول وبالعرش الذی لا ینتهک ولعیذ نفسی
و ذاں لیں لشو بعرش کہ ذیر کردہ لشود و پناہ میدہم خود را
بما استعاذ به آدم وشیث وهابیل وادریس
با نچہ پناہ برد بآن آدم و شیث و ہابیل و ادریس و
وهود ونوح وصالح ولوط وشعیب ودانیال
و ہود و نوح و صالح و لوط و شعیب و دانیال
وابراهیم واسمعیل واسحٰق ویعقوب والاسباط
و ابراہیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اولاد
ویوسف وموسٰی وهرون وداؤد وسلیمان
و یوسف و موسیٰ و ہرون و داؤد و سلیمان
وزکریا ویحیٰی ویونس وذوالکفل وا
و زکریا و یحیی و یونس و ذوالکفل و عزیر
لخضر والعزیز ومحمد صلی الله علیه واٰله وسلم
و خضر و محمد درود خدا بر وی و بر آل او و سلام
ولعیذ نفسی بکل اسم استاثرت به فی علم
و پناہ میدہم نفس خود را بہر اسم برگزیدی آنرا در دانش
الغیب ولم تعلمه احدا من خلقک من ملک مقرب
غیب و نا آموختی بکسی از خلق تو از فرشتۂ مقرب

أو نبي مرسل وبحق هذه الأسماء وبحق هارسولك
و بنی مرسل و بحق این اسماء و بحق رسول تو
المصطفى وبحرمة إبراهيم خليلك وموسى كليمك
برگزیده و بحرمت ابراهیم دوست تو و موسی کلام کننده
وبحرمة نوح نجيك وبحق صحف إبراهيم وتوراة
و بحرمت نوح راز گوینده تو و بحق صحیفهای ابراهیم و توریت
موسى وانجيل عيسى وزبور داود وقرآن محمد
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد
صلى الله عليه وآله وسلم وبكل وحي
درود خدا بر او و آل او و سلام او و بهر وحی
وبكل أمر قضيته وبكل اسم سميته
و بحق هر حکم که فرمودی و بهر اسم که نام نهادی ذات
نفسك أن تحفظني من آفات الدنيا والآخرة
نفس خود را که نگاه داری مرا از آفات دنیا و آخرت
عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك أولئك
بلند است عزت تو و بلند است تعریف تو و نیست الٰهی غیر از تو آنگروه
طبع الله على قلوبهم وسمعهم وأبصارهم
آنانکه مهر کرد خدا بر دلهای ایشان و گوشهای ایشان و چشمهای ایشان

وَاُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُوْنَ وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ

لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا

صَبْرًا وَّثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ

وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ

النَّصِيْرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِهٖ وَاٰلِهٖ اَجْمَعِيْنَ خَاتَمِ الْاَ

نْبِيَاءِ وَصَفِيِّ الْاَصْفِيَاءِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ

الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الْمَعْصُوْمِيْنَ اَجْمَعِيْنَ

بسم الله الرحمن الرحيم

اعيذ نفسي بالله الحي القيوم ذي الجلال و

الاكرام ذا البطش الشديد والسلطان الرفيع

والقدرة القاهرة والعزة العالية له الجود

والبهاء والرفعة والثناء الواحد الاحد المنفرد

بالوحدانية اعيذ بالله الجبار المتكبر يسبح

له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم

من شر عين ناظرة ولسان ناطقة واذن سامعة

چشم بیننده و زبان گوینده و گوش شنونده

وَ ایدٍ باطشةٍ وَ ارجلٍ ماشیةٍ و قلوبٍ واعیةٍ

وَ صُدُورٍ رخاویةٍ فمن یستمع الاٰن یجد لهٗ شهابًا

رَصَدًا اعیذُ نفسی باللّٰہ الرّحمٰن الرّحیم الا لهُ

الخلق وَ الامرُ تبارک اللّٰہ ربّ العالمین فتبارک

اللّٰہ احسن الخالقین اعیذُ نفسی باللّٰہ المتکبّر

لهٗ فیها بالغدوّ والاصال اعیذُ نفسی من شرّ

کُلِّ جبّارٍ عنیدٍ و شیطانٍ مریدٍ قائمٍ او قاعدٍ

نائمٍ او یقظانٍ ادعُوا ربّکُم تضرّعًا و

خُفیةً انّهٗ لا یحبّ المعتدین و لا تفسدوا فی

الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا

ان رحمة الله قريب من المحسنين واعيذ نفسي

برب عبس عابس وشهاب قابس وماء فارس ولعبد

نفسي من العين والشين ومن الداء والدين فارجع

البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا و

هو حسير ويمكرون ويمكر الله والله خير

الماكرين والله بحراوا ابقي عزمت عليكما

عزم الله وبما عزم به سليمان بن داود عليهما

السلام وبما عزم به موسى بن عمران على

سحرة فرعون وبالاسم المبارك الجليل الا

ساحران فرعون و بنام ... و

عظم وبالاسم الذی احیی به عیسی ابن مریم الموتی

بزرگ و بنام آنکه زنده کرد بآن عیسی پسر مریم مرده را

واشفی به المرضی وابرء به الاکمه والابرص

و شفی داد بآو مریضان را و نیکو کرد بآن کور مادر زاده را و برص را

وبالاسم الذی خضعت به الجبابرة واستخلف

و بنام آنکه مطیع شدند بآن جباران و سوگند داده

به الاولین والآخرین ان لا تقربوه ولا تعموه

بآن پیشینیان و پسینان آنکه نزدیک نشوید او را و قصد

ولا تضاروه من الیوم الی الدهر لیکون صاحب

مکنید او را و ضرر مرسانید او را از این روز تا همیشه تا باشد صاحب

هذه الهیاکل فی امان الله وحرز الله و

این هیکلها در امان خدا و پناه خدا و

حفظ الله وجوار الله وبالله استعنت وعلیه

حفظ خدا و در امن خدا و بخدا فریاد رسی میکنم و بر او

توکلت والیه انیب عقدت بسم الله الرحمن الرحیم

توکل میکنم و بسوی او میل میکنم بستم بنام خدای بخشاینده مهربان

لا يغلبه شيء والله اعز من كل شيء اظهرت

غالب نشد برا و چیزی و خدا غالب تر از همه چیز ظاهر شد

قدرة الله وتبين سلطان الله وفلج حجة الله

قدرت خدا و اشکارا شد قوت خدا و غالب شد حجت

وحجة الله وكان وعد ربي حقا وانزلنا من

و نازل کردیم ... وعده رب ... حق ...

المعصرات ماء ثجاجا لنخرج به حبا ونباتا وجنات

ابرها آب ریزنده بسیار تا بیرون آریم به آن دانه و گیاه و بوستانها

الفافا وانزلنا من السماء ماء طهورا وينزل

انبوه و فرستادیم از آسمان آب پاک و میفرستد

عليكم من السماء ماء ليطهركم به

بر شما از آسمان آب تا پاک گرداند شما را به آن

ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم

و ببرد از شما پلیدی شیطان و تا محکم کند دلهای

ويثبت به الاقدام اذ يوحي ربك الى الملائكة

و ثابت کند بآن قدمها را چون وحی کند رب تو سوی فرشتگان

اني معكم فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب

تحقیق من با شما ام پس ثابت دارید آنانرا که ایمان آورده اند زود بیندازم

الرعب

الذين كفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق و

اضربوا منهم كل بنان ذلك بانهم شاقوا الله

ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان الله شديد

العقاب اركض برجلك هذا مغتسل بارد

وشراب والله يقبض ويبسط واليه ترجعون

ختمت هذه الهياكل السبعة بكلمات الله التامات

وبخاتم سليمان بن داؤد عليهما السلام وبخاتم

محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

بسم الله وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي

العظیم ما شاء الله کان وما لم یشأ لم

یکن اشهد ان الله علی کل شیء قدیر بسم

الله البارئ القهار الوهاب الفتاح العلیم

اللهم اصرف عنی وعن صاحب هذا کل

السبع شر کل ذی شر وسوم ومکر کل

ماکر وکید کل کائد وشر الجن

والانس والشیاطین الرجیم واصرف عنی کل

بلاء وبلیة وحمی وصداع ووجع وفزع

واکشف عنی کل هم وغم ووساوس وجنون

إنما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر

کردند ایشان مکر سحر کنندہ و نہ رستگار شود ساحر

حيث أتى ومكروا ومكر الله والله خير

از هرجا که آید و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا بهترین

الماكرين فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين

مکرکنندگان است پس خدا بهترین نگاهدارنده و او رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب

نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و او رب

العرش العظيم فسيكفيكهم الله وهو

عرش بزرگ است پس زود کفایت کند ایشان را خدا و او

السميع العليم حسبنا الله ونعم الوكيل

شنونده داناست کافی است ما را خدا و بهتر کارساز

نعم المولى ونعم النصير ولا حول ولا قوة إلا

و نیکو مولی و نیکو ناصر و نیست پناه و نه قوت مگر

بالله العلي العظيم وصلى الله تعالى على خاتم

بخدا بزرگ بلند و درود خدا عالی بر ختم

الأنبياء والمرسلين وسيد الأصفياء وإمام

انبیاء و رسولان و سردار برگزیدگان و امام

المتقین نبی الرحمة وآله الطیبین الطاهرین
رهبرکاران نبی رحمت و اولاد او پاکان و پاکیزه کان
اجمعین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا برحمتك یا ارحم
همه سلام دادن بسیار از بسیار برحمت تو
یا ارحم الراحمین
ای رحیم ترین رحم کنندگان
مرویست که جناب ولایت مآب علی ابن ابی طالب علیه الصلوة والسلام
فرزندان خود را وصیت فرموده اند این مناجات بسر تربت که گذارم
شما هر وقت شدت وبلا و محاصرت در محل غلبه بر اعدا و هنگام حزن
واندوه شما رسد بی انتها حضرت امیر صلوات الله علیه سوگند یاد کرده است
والله علی احد به الا امان بار آده یعنی سوگند بخدای عظیم که هرکه خواند
این مناجات را باشد آنچه مطلوب او باشد در دنیا و آخرت از وی محروم
و هیچ مرتبه نخواهد مگر برآورده شود و این مناجات تحفه ایست که هرکه از شما

اهل یقین بر خواندن این مداومت نموده اند و دیگر از نفرادی که این تحریم نموده اند
و اگر نخواندش قیام نتوانند نمود و در همه وقت خاصه در سفرها این مناجات
را با خود باید داشت و هر مهمی که پیش آید این مناجات را شفیع آورد که البته
بمقصود رسد ان شاء الله تعالی و مناجات این است

بسم الله الرحمن الرحیم

لک الحمد یا ذا الجود و المجد و العلی	تبارکت تعطی من تشاء و تمنع
الهی و خلاقی و حرزی و موئلی	الیک لدی الاعسار و الیسر افزع
الهی لئن جلت و جمت خطیئتی	فعفوک عن ذنبی اجل و اوسع
الهی لئن اعطیت نفسی سؤلها	فها انا فی روض الندامة ارتع
الهی تری حالی و فقری و فاقتی	و انت مناجاتی الخفیة تسمع

إلهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ … فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

إلهي أجرني من عذابك إنني … أسير ذليل خائف لك أخضع

إلهي فآنسني بتلقين حجتي … إذا كان لي في القبر مثوى ومضجع

إلهي لئن عذبتني ألف حجة … فحبل رجائي منك لا يتقطع

إلهي أذقني طعم عفوك يوم لا … بنون ولا مال هنالك ينفع

اللهي إذا لم ترعني كنت ضائعا … وإن كنت ترعاني فلست أضيع

اللهي إذا لم تعف عن غير محسن … فمن لمسيء بالهوى يتمتع

اللهي لئن فرطت في طلب التقى … فها أنا إثر العفو أقفو وأتبع

اللهي ذنوبي بذت الطود واعتلت … وصفحك عن ذنبي أجل وأرفع

إلهي لئن أخطأت جهلاً فطالما   رجوتك حتى قيل ما هو يجزع

إلهي ينجي ذكر طولك لوعتي   وذكر خطايا العين مني تدمع

إلهي أقلني عثرتي وامح حوبتي   فإني مقر خائف متضرع

إلهي أنلني منك روحاً وراحة   فلست سوى أبواب فضلك أقرع

إلهي لئن أقصيتني أو أهنتني   فمن ذا الذي أرجو ومن ذا يشفع

إلهي لئن خيبتني أو طردتني   فما حيلتي يا رب أم كيف أصنع

إلهي حليف الحب بالليل ساهر   يناجي ويدعو والمغفل يهجع

وكلهم يرجو نوالك راجياً   برحمتك العظمى وفي الخلد يطمع

إلهي يمنيني رجائي سلامة   وقبح خطيئاتي علي يشنع

الٰهی فان تعفو فعفوک منقذی	والا فبالذنب المدمر اصرع

الٰهی بحق الهاشمی و آله	وحرمة ابراهیم لک اخضع

الٰهی فانشرنی علی دین احمد	منیبا تقیا قانتا لک اخضع

ولا تحرمنی یا الٰهی و سیدی	شفاعته الکبری فذاک المشفع

وصل علیه ما دعاک موحد	وناجاک اخیار ببابک رکع

بسم الله الرحمن الرحیم

یا سامع الدعاء	و یا رافع السماء

و یا دائم البقاء	و یا واسع العطاء

لذي الفاقة العديم

مر فاقہ وار ناداریا

يا عالم الغيوب ويا غافر الذنوب

و اے دانا ... و اے آمرزندہ ... گناہا

ويا ساتر العيوب ويا كاشف الكروب

و اے پوشندہ عیبہا و اے کشایندہ اندوہہا

عن المرهق الكظيم

از صاحب غم ...

يا فائق الصفات ويا مخرج النبات

اے بالا تر صفات و اے برآرندہ سبزہا

ويا جامع الشتات ويا باعث الممات

و اے جمع کنندہ ... و اے زندہ کنندہ مردہ

من الاعظم الرميم

از استخوان کہنہ

يا منزل الغيثات من لجج الحثاث

اے فرستندہ باران از آبہای گراں

عن الحزن والسهمات الى الجوع العمرات

... درشت و نرم لبوی کہنہ تمام

وَيَا شَافِي السَّقِيم
ای شفا دهندهٔ ...

يَا مَن بِهِ اعْتِزَازِي ‌ يَا مَن بِهِ احْتِرَازِي
ای آنکه باوست عزت ‌ ای آنکه باوست پرهیز

مِنَ الذُّلِّ وَالْمَخَازِي ‌ وَالْآفَاتِ وَالْمَرَازِي
از خواری و رسوائی ‌ و آفتها و مصیبتها

اَعِذْنِي مِنَ الْهُمُوم
پناه ده مرا ...

وَمِن جِنَّةٍ وَاِنْسٍ ‌ مِن الْمُعَادِ مُنْسٍ
و از جن و انسان ‌ و از بازگردانیده ...

وَلِلْقَلْبِ عَنْهُ مُقْسٍ ‌ وَمِن شَرِّ غَيِّ نَفْسٍ
و هر دل را از او ... ‌ و از شر گمراهی نفس

وَشَيْطَانِهَا الرَّجِيم
و دیو مردود

يَا مُنْزِلَ الْمَعَاشِ ‌ وَعَلَى النَّاسِ وَالْمَوَاشِي
ای فرستنده اسباب معیشت ‌ بر انسان و حیوانات

وَالْاَفْرَاحِ فِي الْعِشَاشِ ‌ مِنَ الطُّعْمِ وَالرِّيَاشِ
و شادیها در آشیانها ‌ از خوراک و پوشاک

عَلَى البَرِّ وَالأَثِيمِ

يَا رَائِيَ اللُّحُوظِ وَيَا سَامِعَ اللُّفُوظِ

وَيَا قَاسِمَ الحُظُوظِ بِإِحْصَاءِ الحُفُوظِ

بِعَدْلٍ مِنَ السَّقِيمِ

يَا مَنْ هُوَ السَّمِيعُ وَمَنْ عَرْشُهُ الرَّفِيعُ

وَمَنْ خَلْقُهُ البَدِيعُ وَمَنْ جَارُهُ المَنِيعُ

عَنِ الظَّالِمِ الغَشِيمِ

يَا مَنْ حَبَا فَأَسْبَغْ مَا قَدْ هَوَى وَسَوَّغْ

وَيَا مَنْ كَفَى فَبَلَّغْ مَا قَدْ كَفَى وَأَفْرَغْ

بتوفيقك العصو ابن نزله

يا معدن الجلال وذي العز والكمال

اى معدن ... وخداوند عزت وكمال

وذي الكبد والمحال وذي المجد والفعال

وا داتى ... عقوبت وخداوند شرف وبزرگى

تعاليت من حكيم

بلندى اى دانا

ومن حرها المقيم ومن حر عليها الرميم

وا ز گرمى د ودج كرد ايستا ... و از ...

اجرني من الجحيم ومن هولها العظيم

... و از هيبت او بزرگ

ومن مائها الحميم

وازاب ... گرم است

واصحبني القرآن واسكني الجنان

... مرا ... و جاى ده مرا بجنت

ونجني الحسان وناولني الأمان

و ... ده مرا حور ... و بترسانى مرا برا امان

الی جنة النعم

بسوی بهشت و نعمت

الی نعمة ولهو   بغیر استماع لغو

بسوی نعمت و بازی   بجزی شنیدن بیهوده

ولا باذکار شجو   ولا باعتذار شکو

و نی یاد کردن اندوه   و بدون شمار کردن گله

سقیم ولا کلیم

الی المنظر النزیه   الذی لا لغو فیه

بسوی نظرگاه پاک   که در آن کلام بیهوده نباشد

وطوبی لعامریه   هنیئا لساکنیه

خوشی باشد برای آباد کنندگان   مبارک باشد برای ساکنان

ذوی المدخل الکریم

الی منزل تعالی   بالحسن قد توالی

بسوی منزل بلند

بالنور قد تلالا   تلقی به الجلالا

با نور درخشنده و روشن

قد حف بالنسیم

محفوف شده به نسیم

الی المفرش الوطی   الی المطعم الشهی

من السلسال الختم

وکما کان من دعاء علیه السلام

فی المهمات والشدائد

وکم لله من لطف خفی	یدق خفاه عن فهم الذکی

وکم یسر اتی من بعد عسر	وفرج کربة القلب الشجی

وکم امر تساء به صباحا	وتاتیک المسرة بالعشی

اذا ضاقت بک الاحوال یوما	فثق بالواحد الفرد العلی

توسل بالنبی فکل خطب	یهون اذا توسل بالنبی

ولا تجزع اذا ما ناب خطب	فکم لله من لطف خفی

تمام شد و لله الحمد

مناجات حسن

۱۰۰۰

مناجات فی الوسیلہ کلام مولانا علی عفی اللہ عنہ بریک حرف و

الٰہی لک الحمد یا ذا البہا وذا الجود والکبریا

لک المجد یا سرمدی البقا جمیل الثنا جلیل العطا

فسبحان من صمد ازلی

الٰہی تعالیت من مستجیب علیم سمیع بصیر قریب

وجل قدیم مربی حسیب توحد بالکبریاء حبیب

تقدس من واحد احدی

الٰہی ترحمت بالرحمۃ تفردت بالعز بالجبروت

وانت ذو الملک والملکوت وذو العز والرہبوت

تبارک من مالک سرمدی

الٰہی عرفناک باسمائنا   وکنت معیناً وان ابتغا

بصلب الذکور وبطن النسا   لک الحمد بالتراث

تعالیت من متعالٍ غنی

الٰہی تری الحق والکبر داج   وتسمع اسرار عبد ساج

وتعلم ربی منی کل راج   وفضلک کان الشفا للعلا

تداوی به کل شجی

الٰہی انادیک یا ذا السما   بفضلک یا رب کان انتشا

فقوّ بودٍ هذا الشجا   لأنهض نحو ریاض الرجا

بصبرٍ بروحٍ وحولٍ قوی

الٰہی سؤالک کان مناجی   الیک عن الخلق کان سلا

مہری کلا

الٰہی وانعمت طیب المساغ ومن ضعفہ اللہ صار انصاغ

فہب لی زاد التقی للبلاغ وخذنی من الخلق و خرافغ

لذکرک فی بکرۃ وعشی

الٰہی وانک شاف و کافی وانت الرءوف العطوف المعافی

وکعب جبل صار بمضافی فسجل الٰہی کتاب طوافی

بعین الرضا عبد نصر وطی

الٰہی ذا النفس فی لبسا وکان ہنالک الیک مشتاقی

فشد الی الطاف الشباقی فانی الی الیوم تلافی

توسلت بالشرف الاحمدی

بجهر فيح هرفضا بلا ابر رعايجو ا

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا ارحم ضعفنا بقوتك وتدارك جهلنا بنور

هدايتك واحفظنا بلطفك في كنف عنايتك

يا رحمة الله انزلي فقد كثر الاضطراب والحروبا

عناية الله حلي فقد عم الهرج والفتن دمرته

بكونك يا حي يا قيوم وبعد ان ركونك بان لا اله

الا انت اسئلك بعلمك ان تهدينا وبحلمك

تعفو عنا وترحمنا انك اكرم الاكرمين

وارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد

واٰلِهٖ اجمعین والائمة المعصومین الکاه سه
بار صلوات بفرستد و سه بار اعوذ باللّٰه من الشیطان
الرجیم بگوید و سه بار بسم اللّٰه الرحمٰن الرحیم بگوید و
مرتبه تکبیر بگوید بعد از آن شروع در دعاء مصباح
النجاح و مفتاح الفتوح و رموز الکنوز نماید

ارشد نفعی و فقیر نفعی و باللّٰه التوفیق
دعای الحجب آنکه از حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله
بسم اللّٰه الرحمٰن الرحیم
لا اله الا اللّٰه سبحان الملک القدوس لا اله الا اللّٰه
سبحان العزیز الغفار لا اله الا اللّٰه سبحان الجلیل
الجبار لا اله الا اللّٰه سبحان الحنان المنان لا اله
الا اللّٰه سبحان العزیز الجبار لا اله الا اللّٰه سبحان الدیان
الرحمٰن لا اله الا اللّٰه سبحان الرؤف الرحیم لا اله

الا اللہ سبحان الواحد الاحد لا الہ الا اللہ سبحان
الملک المالک لا الہ الا اللہ سبحان القوی الغنی لا
الہ الا اللہ سبحان الستار العیوب لا الہ الا اللہ
سبحان اللطیف الخبیر لا الہ الا اللہ سبحان الغفور الو
دود لا الہ الا اللہ سبحان الرقیب الحفیظ لا الہ الا اللہ
سبحان المومن المہیمن لا الہ الا اللہ سبحان الحی القیوم
لا الہ الا اللہ سبحان تؤتی من تشاء لا الہ الا اللہ
سبحان الدائم القائم لا الہ الا اللہ سبحان الجبار الا
عظم لا الہ الا اللہ سبحان الخالق البارئ لا الہ
الا اللہ سبحان الخالق البارئ الکبیر المتعال
لا الہ الا اللہ سبحان الشہید الخبیر لا الہ الا اللہ
سبحان العرش العظیم لا الہ الا اللہ سبحان رفیع السمٰوٰت
والارض لا الہ الا اللہ سبحان الاول والآخر لا الہ
الا اللہ سبحان اللہ والحمد للہ لا الہ الا اللہ واللہ
ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم لا الہ الا

سبحان القاضی لا اله الا اللہ سبحان القاضی الکبیر
لا اله الا اللہ سبحان الکریم الحلیم لا اله الا اللہ
محمد رسول اللہ وصلی اللہ علی خیر خلقه محمد و آله
اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم انت الملک الحق الذی لا اله الا انت یا اللہ
یا رحمن یا رحیم یا مالک یا قدوس یا سلام یا مومن یا
مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر و یا خالق یا باری
یا مصور یا غفار یا قهار یا وهاب یا رزاق یا فتاح
یا علیم یا قابض یا باسط یا حافظ یا رافع یا معز
یا مذل یا سمیع یا بصیر یا حاکم یا عدل یا لطیف یا
خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی یا
کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل یا کریم
یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید

يا باعث يا شهيد يا حق يا وكيل يا قوي يا متين يا ولي
يا حميد يا محصي يا مبدئ يا معيد يا محيي يا مميت يا حي
يا قيوم يا واجد يا ماجد يا واحد يا احد يا صمد يا قادر يا
مقتدر يا مقدم يا مؤخر يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن
يا والي يا متعالي يا بر يا تواب يا منعم يا منتقم يا عفو يا رؤف
يا مالك الملك يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله
تعالى على سيدنا محمد واله وصحبه وسلم يا مقسط
يا جامع يا غني يا مغني يا معطي يا مانع يا ضار يا نافع
يا نور يا هادي يا بديع يا باقي يا وارث يا رشيد يا صبور يا
صادق يا ستار تقدست عن الاشباه ذاته وتنزهت
عن مشابهة الامثال صفاته ويا من دلت على وحدانيته
آياته وشهدت بربوبيته مصنوعاته يا واحد لا من قلة
وموجود لا من علة يا من هو بالبر معروف وبالاحسان

معروفاً بلا غایة و موصوف بلا نهایة اول قدیم بلا
ابتداء و آخر کریم بلا انتهاء و غفر ذنوب
المذنبین کرماً و حلماً یا من لیس کمثله شیء
و هو السمیع البصیر حسبنا الله و نعم الوکیل نعم
المولی و نعم النصیر یا دائماً بلا فناء و یا قائماً بلا زوال
و یا مدبراً بلا وزیر سهل علینا و علی والدینا کل عسیر

بسم الله الرحمن الرحیم

الٰهی بحرمت نور خدا کا | و شمس الضحی فی سماء الفا کا
محمد مصطفی یا مصطفی کا | الٰهی بسید نا مرتضی کا

جناب الهمام العلی

الٰهی بزهراء ذات المعالی | و بالحسن المجتبی فی الخصالی
الٰهی بحرمت ولی الموالی | حسین الشهید الجلیل المعالی

و حرمت زین العباد علی

الهی بباقر علم انام وبالصادق الوعد عند الکرام

وحرمة موسی امام الهمام وحق الرضا شمس دار السلام

وحق التقی وحق النقی

الهی وبالعسکری امانی وغوث الانام امام الزمانی

توسلت ربی بسبع المثانی وشفعتهم عند عرض الامانی

لتکرمنی بالمقام الرضی

الهی بفضلک نحو نحوی ووجه لحاظ عطا بالنحوی

عطا بجنس الجوائز نحوی وبدل لشکر المحبة صحوی

بکاس هنی شهی ملی

الهی وفوز بعز لجاهی وبدل بحق البقاء اشتباهی

ونسیم بنور هدی الشفاهی واتمم لنا نورنا یا الهی

بقلب رضی نقی تقی

الٰهی اجرنی وکن لی وکیلا لا ابغض فی الحب الا طویلا

اشد وطاء واقوم قیلا اذقنی بکاس التقی سلسبیلا

وصهباء حب وفی هی

الٰهی انلنی بحبر الندی وجنه عدن رضی بهی

وعند ملیک قدیر خفی وکامن معین هنی مری

شرابا طهورا بکف علی

وکان فرکد عا علیه السلام فی المناجات

لبیک لبیک انت مولاه فارحم عبیدا الیک ملجاه یا ذا المعالی

علیک معتمدی طوبی لمن کنت انت مولاه طوبی لمن

کان نائما حذرا یشکو الی ذی الجلال بلواه وما به علة

ولا سقم اکثر من حبه مولاه اذا خلا فی الظلام مبتهلا

اجابه الله ثم لباه ... امیر المومنین علی علیه السلام

الٰہی انت ذو فضل و من   وانی ذو خطایا فاعف عنی

وظنی فیک یا رب جمیل   بحق یا الٰہی حسن ظنی

الٰہی لا تعذبنی فانی   مقر بالذی قد کان منی

وما لی حیلۃ الا رجائی   بعفوک ان عفوت وحسن ظنی

فکم من زلۃ لی فی خطایا   عضضت انامِلی وقرعت سنی

یظن الناس بی خیراً وانی   لشر الناس ان لم تعف عنی

وبین یدی محتبس طویل   کانی قد غشیتها کانی

اجن بزہرۃ الدنیا جنوناً   ویفنی عمر فیہا بالتمنی

فلو انی صدقت الزہد فیہا   قلبت لاہلہا ظہر المجن

انا من لیس لی منہ مجیر   بعفوک عن عذابک استجیر

انا عبد جنی فاذنب منی   فان تعفو فانک بہ جدیر

فان المقر بکل ذنب   وانت سید [illegible] الغفور

الٰهي ربي لا لي سواكا　　اقبلت عبدا ابتغي رضاكا

اسئلك اليوم بما دعاكا　　ايوب ادخل به بلاكا

ان يك مني قد دنا قضاكا　　رب فبارك لي لقاها

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الملك الحق الذي لا اله الا انت یا الله یا رحمن
یا رحیم یا مالک یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز
یا جبار یا متکبر یا خالق یا باری یا مصور یا غفار یا قهار
یا وهاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا قابض یا باسط یا خافض
یا رافع یا معز یا مذل یا سمیع یا بصیر یا حکم یا عدل
یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی
یا کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل یا کریم
یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید یا باعث
یا شهید یا حق یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا حمید

یا محصی یا مبدی یا معید یا محیی یا ممیت یا حی یا قیوم
یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر
یا مقدم یا موخر یا اول یا آخر یا ظاہر یا باطن یا والی یا
متعالی یا بر یا تواب یا منعم یا منتقم یا عفو یا رئوف یا
مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام وصلی اللہ
تعالیٰ علی سیدنا محمد والہ وصحبہ وسلم

مناجات فی اختتام ارض

الٰہی انت تعطی من تشاء | وتمنع ما تشاء عمن تشاء
ورحمتک ربنا وسعت من تو | بعفو لسیبک فاسرع عمو
الٰہی لیس لی جار سواکا | نجا ورسید عمن عصاکا
بعفو لسیدی کان اسنا | وقلت بشارتی قل یا عبادی
وواکا للبشر لنا من اللہ | بان لا تقنطوا رحمۃ اللہ
وقلتو لسائلو انی قریب | وانی دعوت الداع اجیب
ولی فلیومنو ولیستجیبو | فہا سائلک یا مجیب

وارجو منك عفواً يا الهي — لاني مبتلاء في الدواهي

وابد ابق من باب مولاه — يتوب منادياً يستغفر الله

ويرجو من نوالك كشف بلوا — بذنب توسلاً الله الله

بحق محمد خير النبيين — وحرمة صهره خير المؤمنين

وحرمة بنت لا امة — وسبط اشفع كل الائمة

وحرمة سيد زين العباد — وحرمة كاظم عز الكرام

وحرمة جعفر فخر انام — وحرمة باقر علم الرشاد

وحرمة ذا المكارم والمعالي — ابي الحسن الرضا مولى موالي

وحق امام البر النقي — وحق امامنا نور النقي

وحرمة اسمه الحسن الزكي — وحرمة صاحب العصر السني

نفضل سيد العفو الغني — ترحم وارفع الاوزار مني

ولا ادري سواهم لي مفر — فهو عندهم لي مستقر

وهي رب مقلب وموالي — لنا في جنة الفردوس ماوي

وفرج كربتي واستر خطائي
وآنس وحشتي واقل عثاري
بفضل سيدي حق رجائي
وقطب الدين مظفر اخا

ويسر مطلبي واجب دعائي
وبوء منزلي دار القرار
وبرد لوعتي والحج منائي
الى الرضوان رب اجلها